

موضوعات این فصل زمستان:

۱. راهکارهای افزایش اثربخشی پارساهای تقاضامحور بر توسعه پایدار (Sustainable)
۲. فرصتها و چالشهای موجود در اجرای پارساهای تقاضامحور
۳. معیارهای ارزشیابی کمی و کیفی پارساهای تقاضامحور
۴. نقش سیاستگذاریهای قوه مجریه (وزارت عتف، شورای انقلاب فرهنگی، معاونت علمی ریاست جمهوری، وزات صمت) در همپرسی جامع، صنعت و دانشگاه

فصلنامه آموزشی



حوزه معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی

حوزه معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی



فصلنامه آموزشی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

موضوع	نویسندگان	آدرس	صفحات
سخن سردبیر	*علی اکبر مهمان دوست خواجه داد	دانشیار فیزیک هسته‌ای، مدیر پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران	۲-۱
بررسی چالش‌ها و راهکارهای ارتباط صنعت و دانشگاه؛ نحوه اخذ پایان‌نامه تقاضامحور از طریق ستاد نانو برای توسعه همکاری بین صنعت و دانشگاه	*حمیده سراوانی سمیه استوار	دانشیار گروه شیمی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران	۱۶-۳
پارساهای تقاضامحور اقتصاد کشاورزی؛ ارتباط نوین دانشگاه و بخش کشاورزی	*علی سردار شهرکی ابراهیم مرادی	دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران	۲۴-۱۷
انجام کاوش‌های باستان‌شناسی نجات‌بخشی در قالب پارساهای تقاضامحور	*سعدی سعیدیان	استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران	۳۲-۲۵
رهیافتی بر مسئله پارساهای تقاضامحور دانشجویان رشته تاریخ در حوزه گردشگری و اشتغال	*علیرضا سلیمان‌زاده	استادیار گروه تاریخ، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران	۴۶-۳۳
فرصت‌های رشته تاریخ در ایجاد پارساهای تقاضامحور	*مریم شیپری	استادیار گروه تاریخ، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران	۵۰-۴۷
بررسی شاخص‌های توسعه پایدار در فرایند پارساهای تقاضامحور	*منیژه صانعی طبس	استاد گروه آمار، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران	۶۰-۵۱
تحلیل، نقد و ارزیابی پارساهای تقاضامحور	*سید هادی طبینیا	استادیار گروه جغرافیای انسانی - برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران	۶۸-۶۱
کاهش شکاف بین دانشگاه و صنعت در رشته‌های مهندسی برق از طریق پارساهای تقاضامحور	*مجید قدردان مجتبی شهرکی	استاد گروه برق و الکترونیک، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران	۷۴-۶۹
پارساهای تقاضامحور، ضرورت، چالش‌ها و معرفی سامانه‌های مرتبط	*سمیرا نوفرستی سید امیر اسعد فاطمی	استاد گروه فناوری اطلاعات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران	۸۰-۷۵

سخن سردبیر

به دلیل رویکردهای جدید وزارت عتف، همگام با خوانشی امروزی و واقع‌گرا از نقش و جایگاه دانشگاه در ایران، شماره زمستان ۱۴۰۰ فصلنامه آموزشی دانشگاه سیستان و بلوچستان، به اهمیت پارسای تقاضامحور و بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌رو می‌پردازد. نگاهی گذرا به شکل‌گیری دانشگاه در ایران نشان می‌دهد که از ابتدا، تأسیس دانشگاه در ایران تفاوت معنی‌داری با فرایند شکل‌گیری دانشگاه‌های صاحب نام دنیا داشته‌است. اساساً تربیت تکنیسین‌ها و کارشناسان موردنیاز برای استقرار دولت و راه‌اندازی پروژه‌هایی عمدتاً وارداتی، هدف اصلی و اولیه تشکیل دانشگاه در ایران بوده‌است. طبیعتاً بخش تحقیق و توسعه، اولویت آن دانشگاه نبوده‌است؛ به‌علاوه، دانشگاه خود را پیرو سبک نظری و عملی دانشگاه‌های مدرن غربی می‌دانست و رسیدن به مرزهای دانش با تکیه بر توان داخلی و بدون وابستگی به غرب، به غایت دور از دسترس دانشگاه ایرانی می‌نمود. درآمدهای کلان نفتی کشور، بودجه دولتی دانشگاه و همراهی‌های بین‌المللی، پاشنه آشیل و اسب تروآی دانشگاه ایرانی بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی، آغاز جنگ تحمیلی و تحریم‌های همه‌جانبه و بی‌سابقه بین‌المللی از یکسو، و شکستن غنچه گفتمان و اندیشه بیداری اسلامی از دگرسو، کشتی نوح دانشگاه ایرانی-اسلامی، سوار بر امواج سهمگین دریای متلاطم مشکلات ملی، راهی نوری شد که در افق به نظاره نشسته بود. دانشگاهی که نقش محوری در پیروزی انقلاب اسلامی داشته، نه‌تنها بار اصلی مسئولیت حل مشکلات و مسائل متنوع کشور را به دوش دارد، بلکه تبیین و قوام بنیان‌های نظری اسلامی نیز برعهده آن است. امروزه جامعه از دانشگاه انتظار ارائه راهکارهایی دارد که در مقایسه با نسخه‌های موروثی و اجدادی، کارایی و بهره‌وری بالاتری داشته باشد. باوجود همه محدودیت‌ها، دانشگاه ایرانی-اسلامی در برخی زمینه‌های علمی، مانند سلول‌های بنیادین، هسته‌ای، فناوری نانو، موشکی و هوافضا دستاوردهایی باورنکردنی داشته‌است؛ اما توسعه متوازن و همه‌جانبه علمی، نیاز به بازنگری ساختاری و عملی در روش تحقیق علمی در دانشگاه دارد. دانشگاه باید سنت‌ها و روش‌های آزموده‌شده و موفق بین‌المللی را بومی‌سازی کرده و به خدمت گیرد. یکی از متداول‌ترین روش‌ها، تحقیق مسئله‌محور است.

سند وزارتی الزامات هدفمندسازی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی در ۳ تیر ۱۳۹۹، توسط وزیر محترم عتف به همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور ابلاغ شده‌است. ارائه راه‌حل برای برون‌رفت از چالش‌های فراروی کشور و خلق ثروت و رفاه ملی از طریق اجرای پارسای تقاضامحور، هدف اصلی ابلاغ این سند و نهادینه‌سازی مفاهیم «اعتبار پژوهشی کامل»، که شامل کمک‌هزینه زندگی دانشجوی تحصیلات تکمیلی و هزینه پژوهش در مؤسسه است، و «اعتبار پژوهشی محدود»، که فقط عهده‌دار هزینه پژوهش در مؤسسه است، در نظام آموزش عالی کشور، از اهداف متعالی و فرعی آن اعلام شده‌است. سایر اهداف این سند به شرح زیر اعلام شده‌است:

- هدایت پارسای تحصیلات تکمیلی به سمت حل مشکلات و چالش‌ها و نیازهای پژوهشی دستگاه‌ها و مؤسسات اجرایی در بخش‌های دولتی و غیردولتی، با عنوان پارسای تقاضامحور
- هدایت بودجه پژوهشی دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی و غیردولتی به پشتیبانی از پارسای تحصیلات تکمیلی
- تأمین کمک‌هزینه زندگی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در زمان انجام پژوهش
- ترغیب اعضای هیئت علمی به ایجاد ارتباط با جامعه و صنعت و تعریف پارسای تحصیلات تکمیلی برای رفع نیازهای کشور
- ایجاد زمینه برای اشتغال بیشتر دانش‌آموختگان دوره‌های تحصیلات تکمیلی

- مطابق با این سند، پارسایی تقاضامحور تلقی می‌شود که دست‌کم یکی از ویژگی‌های زیر را داشته باشد:
- براساس قرارداد مشخص میان سازمان تأمین‌کننده اعتبار پژوهشی و دانشگاه، اعتبار پژوهشی کامل دریافت کند. اعضای هیئت علمی، خود مسئولیت مذاکره و جذب چنین اعتباراتی را برعهده دارند.
 - براساس قرارداد منعقدشده میان دانشگاه و سازمان تأمین‌کننده اعتبار پژوهشی، به جذب دانشجوی بورسیه اشتغال دارند و هزینه انجام پژوهش و زیرساخت‌های مورد استفاده در مؤسسه را دریافت می‌کنند، اما کمک‌هزینه زندگی دانشجوی را سازمان تأمین‌کننده اعتبار پژوهشی، خود مستقیماً به دانشجو پرداخت می‌کند.
 - در مواردی که مؤسسه در چارچوب برنامه راهبردی خود و به‌منظور کسب جایگاه علمی در حوزه‌های علمی خاص از اعتبارات مؤسسه کمک‌هزینه ماهیانه دانشجو را افزون بر هزینه‌های پژوهشی خود تأمین می‌کند، نقش سازمان تأمین‌کننده اعتبار پژوهشی را برعهده دارد و در چنین وضعیتی، پارسا تقاضامحور تلقی می‌شود.
 - به‌منظور پشتیبانی از تحقیق و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط، آن دسته از پارساهایی که با هماهنگی وزارت صمت موضوعات اعلام‌شده در سامانه تاپ را اجرا می‌کنند، با تأیید مکتوب وزارت صمت، تقاضامحور تلقی می‌شوند. شرکت‌ها موظف‌اند تمامی امکانات، تجهیزات و هزینه‌های مواد اولیه لازم برای اجرای طرح را تأمین کنند. مؤسسه می‌تواند با هدف اجرای مسئولیت‌های اجتماعی خود، سایر هزینه‌های پژوهش در مؤسسه را از محل بودجه عمومی تأمین کند. پرداخت یا عدم‌پرداخت کمک‌هزینه زندگی دانشجوی براساس توافق میان مؤسسه و شرکت صورت می‌گیرد که باید به اطلاع دانشجو رسانده شود.
 - آن دسته از پارساهایی که با اعتبار پژوهشی محدود از محل اعتبارات بودجه عمومی دولت به‌منظور رفع مشکلات و نیازهای کشور در مؤسسه تعریف و اجرا می‌شوند و براساس شیوه‌نامه اجرایی بند (ج) ماده ۱۲ «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات» و دستورالعمل‌های دبیرخانه عتف به تأیید می‌رسند، تقاضامحور تلقی می‌شوند.
- کسب رضایت سازمان تأمین‌کننده اعتبار پژوهشی و اختتام قرارداد به‌گونه‌ای موفقیت‌آمیز، شرط لازم برای تقاضامحور نامیده‌شدن پارسا است؛ اما در موارد خاص، صدور مجوز دفاع از پارسا از سوی دانشگاه، باوجود عدم کسب رضایت سازمان تأمین‌کننده اعتبار پژوهشی بلامانع است. در این قبیل موارد، پس از دفاع، کماکان دانشجو و استاد(ان) راهنما درخصوص کسب رضایت سازمان تأمین‌کننده اعتبار پژوهشی متعهدند و پارسا فقط در صورت کسب رضایت سازمان، تقاضامحور تلقی می‌شود.
- خوشبختانه همه اعضای هیئت علمی، روزگاری دود چراغ زندگی دانشجویی را خورده و دشواری‌های آن را با دل و جان حس کرده‌اند. از طرف دیگر، مستقیم یا غیرمستقیم با سازوکار تعریف پارسا، تأمین اعتبار پژوهشی و پرداخت کمک‌هزینه زندگی به دانشجویان تحصیلات تکمیلی در خارج کشور آشنا هستند؛ از این‌رو، با توجه به تکالیفی که سند الزامات هدفمندسازی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی برعهده دانشگاه گذاشته و با نظر داشت رسالت اجتماعی و تاریخی دانشگاه ایرانی-اسلامی، شایسته است اهتمام ویژه‌ای برای فرهنگ‌سازی و عملیاتی‌شدن اهداف سند داشته باشند.
- در پایان لازم می‌دانم از دست‌اندرکاران فصلنامه آموزشی دانشگاه سیستان و بلوچستان به‌دلیل تیزبینی، زمان‌شناسی و اولویت‌شناسی‌شان برای تبیین چالش‌های فراروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور، به‌ویژه واکاوی فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی پارسای تقاضامحور، کمال تشکر را داشته باشم. همچنین از همه همکارانی که با ارسال مقاله، افق‌های متفاوتی را به اشتراک گذاشته‌اند، صمیمانه سپاسگزارم.

علی اکبر مهمان دوست خواجه‌داد

دانشیار فیزیک هسته‌ای، مدیر پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

بررسی چالش‌ها و راهکارهای ارتباط صنعت و دانشگاه؛ نحوه اخذ پایان‌نامه تقاضامحور از طریق ستاد نانو برای توسعه همکاری بین صنعت و دانشگاه

حمیده سراوانی*

دانشیار گروه شیمی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

سمیه استوار

دانشجوی پسادکتری گروه شیمی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

در هر جامعه‌ای، همکاری بین دانشگاه و صنعت می‌تواند به رشد و شکوفایی آن‌ها و بهبود شرایط جامعه کمک کند. بررسی‌ها در کشورهای دیگر نشان داده که ایجاد چنین رابطه‌ای، باعث رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها شده است. رسالت اصلی دانشگاه، توسعه و تولید علم است، اما همواره از این سازمان بزرگ تعلیم و تربیت، انتظار می‌رود که متناسب با نیازهای روز جامعه، نقش‌آفرین باشد. اما اینکه چقدر پژوهش‌های دانشگاهی و پایان‌نامه‌های دانشجویی کاربردی و برای رفع نیازهای کشور است را باید در خیلی از علل و عوامل جست‌وجو و بررسی کرد. پیشرفت و توسعه در اکثر کشورهای پیشرفته، رابطه مستقیمی با تحقیقات و مطالعات علمی دارد. عامل مهم دیگر در این راستا، سرمایه‌گذاری در بخش پژوهش است؛ اما در کشور ایران، موضوع پایان‌نامه و رساله‌ها کمتر در جهت رفع مشکلات و موانع کشور انجام می‌شود. هرچند در میان آن‌ها پایان‌نامه‌های خوبی از لحاظ کیفی وجود دارد، اما در راستای رفع مشکلات جامعه نیستند؛ بنابراین به‌منظور پاسخ به تقاضاهای اجتماعی و نیازهای کشور و توسعه ارتباط با جامعه و صنعت، لازم است، دانشگاه‌ها، برنامه‌های پژوهشی و فناوری خود را به سمت نیازها و ضرورت‌های اولویت‌دار کشور سوق دهند. ازاین‌رو در این تحقیق سعی شده است به راهکارهایی در جهت برقراری ارتباط بین صنعت و دانشگاه از طریق پایان‌نامه‌های تقاضامحور و بررسی موانع و راه‌حل‌های برطرف کردن آن پرداخته شود. از آنجاکه به‌صورت اختصاصی پایان‌نامه‌هایی که مورد حمایت ستاد فناوری نانو قرار می‌گیرند، مورد بحث خواهد بود، این مراحل و چگونگی استفاده از آن بررسی می‌شود. در این راستا نیز به بررسی مشکلات پیش‌روی تحول در همکاری‌های دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی، پژوهشی و فناوری، با جامعه و صنعت پرداخته و به‌منظور پاسخ به تقاضاهای اجتماعی و نیازهای کشور پیشنهاداتی ارائه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: پایان‌نامه تقاضامحور، توسعه پژوهش و فناوری، همکاری دانشگاه و صنعت.

مقدمه

طی سال‌های اخیر، انتظارات گسترده‌ای در خصوص تعامل و ارتباط فعالیت‌های پژوهشی با نیازها و اولویت‌های کشور مطرح شده‌است. خوشبختانه در این راستا دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور نیز اقدامات مناسبی را آغاز کرده‌اند و برنامه‌ها و الگوهای مفیدی در جهت توسعه قراردادهای صنعتی، بهبود دوره‌های کارآموزی، اشتغال فارغ التحصیلان، کمک به رفع چالش‌های ملی و موارد مشابه تعریف و اجرا شده‌است. مسلماً مستندسازی و اطلاع رسانی و ترویج این‌گونه برنامه‌های موفق، می‌تواند به فرهنگ‌سازی و الگوبرداری‌های مناسبی منجر شود. همکاری و ارتباط صنعت و دانشگاه، یا به عبارت دیگر ارتباط پژوهشگران دانشگاهی با دانشمندان حوزه صنعتی و تجاری، سابقه‌ای تاریخی دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌است که دانشگاه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین مشارکت‌کنندگان در مراکز صنعتی دانش‌محور، به سه شکل به دولت، سازمان‌ها، مؤسسات و صنعت خدمت‌رسانی می‌کنند:

- تربیت و تولید دانش‌آموختگان در رشته‌های پراهمیت مرتبط با بخش‌های موردنیاز صنعت؛
- انجام پروژه‌های پایه و کاربردی؛
- همکاری با سازمان‌ها، مؤسسات و صنعت در جهت نوآوری و خلق فناوری‌های جدید.

رشد و توسعه همزمان، نیاز امروز جوامع در حال توسعه است. ایران اسلامی به‌عنوان کشوری در حال توسعه، می‌تواند با رشد هم‌راستا در تحقیقات و صنعت، نویدبخش آینده‌ای روشن توأم با رفاه باشد. برای رسیدن به توسعه متوازن و مطلوب، هر نهاد و سازمانی می‌بایست از حداکثر پویایی و کارآمدی برخوردار باشد [۱-۲]. ارتباط مستمر و پویا بین نهادهای مختلف، یکی از الزامات رسیدن به توسعه مطلوب است. در این میان، دانشگاه به‌عنوان یک نهاد علمی و فرهنگی، یکی از عوامل سرنوشت‌ساز برای نیل به هدف تعالی در جامعه است. توسعه در همه ابعاد آن (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) جز با دراختیارداشتن نیروی انسانی کارآمد و ابزار پیشرفته، قابل‌دستیابی نخواهد بود. توجه به اهمیت نقش دانشگاه در ارتقای صنعت و به تبع آن توسعه اقتصادی، ضرورت امروز جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری در حال توسعه است؛ زیرا دانشگاه جای تولید علم است و صنایع تشنه این دانش برای کارآمدی، بهره‌وری و سودآوری خواهند بود. آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با وزیر فرهنگ و آموزش عالی و چند تن از رؤسای دانشگاه‌ها در سال ۱۳۶۹ فرمودند: «ما اگر علم و عالم نداشته باشیم، صنعت هم نداریم.» تقویت و گسترش تعامل میان صنعت و دانشگاه، یکی از بهترین راهکارها در افزایش بهره‌وری در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه است. در این مقاله که بر پایه تحقیقات دانشگاهی است، به اهمیت ارتباط صنعت و دانشگاه که به برخی از آن‌ها در این قسمت اشاره شده‌است، پرداخته می‌شود:

- استفاده از نیروهای انسانی مشترک بین صنعت و دانشگاه؛
- استفاده از انواع روش‌های همکاری بین صنعت و دانشگاه و افزایش ارتباط بین آن‌ها؛
- بهره‌گیری از فعالیت‌های مشترک و راه‌اندازی آزمایشگاه‌های تحقیقاتی مشترک؛
- ایجاد دوره‌های آموزش صنعتی برای دانشجویان؛
- ایجاد دوره‌های آموزشی برای نیروهای شاغل در صنعت؛
- تأسیس مراکز مشترک بین صنعت و دانشگاه با هدف آموزش و تحقیق؛

• استفاده از تحقیقات دانشگاه‌ها در حل مشکلات صنایع.

فعالیت‌هایی که در رابطه با همکاری صنعت و دانشگاه مطرح شد، همگی بر انتقال فناوری تأثیر می‌گذارد و روش‌های مؤثر برای مشخص کردن ایده‌ها و پیشبرد آن‌ها از تصور به تولید یا طراحی فرایند است [۳-۵].

مزایای ارتباط صنعت و دانشگاه

امروزه ارتباط صنعت با دانشگاه از سطح بازدیدهای دوطرفه فراتر رفته و به سمت انجام فرصت تحقیقاتی با حقوق استادان دانشگاهی برای صنایع رفته‌است. تبدیل ایده به محصول و کاهش موانع بهبود عملکرد صنایع از مزایای این طرح است. صنعت می‌تواند دانشگاهیان را با مهارت‌های نوین آشنا و فرصت تجربه‌های عملی را برای آن‌ها فراهم کند. درمقابل دانشگاه نیز می‌تواند دانش روز را در اختیار صنایع گذاشته و در جذب نخبگان دانشگاهی در صنعت کمک کند. در این رابطه تدوین سازوکار تشویقی و امتیاز برای استادان می‌تواند مشوق حضور آنان در صنعت باشد. در این صورت محققان دانشگاهی از فرصت‌های تحقیقاتی خود در صنایع بیشتر استقبال خواهند کرد تا به علایق صرفاً علمی خود در دانشگاه‌ها بپردازند. کشورهای سوئیس، فنلاند و سوئد به استادان دانشگاهی خود یک تا سه سال مرخصی می‌دهند تا در کنار جایگاه دانشگاهی که برای آن‌ها محفوظ می‌ماند، در صنعت فعالیت کنند. در فرانسه نیز استادان دانشگاه می‌توانند بدون تعهد تدریس در بخش صنایع فعالیت کنند. شاید این واهمه برای استادان به وجود آید که با ورود به صنعت، ارتباط آن‌ها با مراکز تحقیقاتی دانشگاهی قطع شود؛ اما حقیقت این است که فعالیت در بخش صنعت موقتی است و اغلب اوقات استادانی که وارد حوزهٔ صنعت می‌شوند، پس از مدتی به جایگاه خود در دانشگاه بازمی‌گردند و فرصت این بازگشت برای آن‌ها پیش‌بینی شده‌است. به طور تاریخی، از دیدگاه صنعت، دانشگاه محلی برای آموزش و شناسایی کارمندان آینده است [۶-۸]. با تحول نظام‌های اقتصادی جهان، شرکت‌ها و صنایع به همکاری با دانشگاه‌هایی تمایل پیدا کرده‌اند که با استفاده از دانش و تکنولوژی به انجام پژوهش می‌پردازند. همکاری و ارتباط صنعت و دانشگاه مزایای فراوانی به همراه دارد که در ادامه به بیان برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

مزایای اجتماعی

جامعه از پژوهش‌های دانشگاهی صنعتی با تولید محصولات و تکنولوژی‌های نوآورانه بهره می‌برد. تحقیقات دانشگاهی حمایت‌شده توسط صنعت، اغلب به برنامه‌های عملی تبدیل می‌شوند که برای جامعه سودمند هستند. یکی دیگر از روش‌های ارتباط صنعت با دانشگاه، روش آموزش دوطرفه است. در این روش، دانشجویان به‌طور همزمان با حضور در دانشگاه، مدتی از وقت خود را در صنعت به‌صورت کارآموزی‌های حین تحصیل می‌گذرانند. در این الگوی ارتباطی که در کشور انگلستان بیشتر رایج است، مکانیسم‌های ارتباط سازمانی بین صنعت، دانشگاه، هیئت‌های مشاورهٔ تحقیقاتی و سایر مؤسسات تحقیقاتی فراهم می‌شود. مهم‌ترین ضعف این الگو، تشریفات اداری دوگانهٔ نحوهٔ تأمین منابع مالی توسط بخش بازرگانی و صنعت و شورای تحقیقات مهندسی و علوم فیزیک است [۹].

منافع دانشگاهی

تعامل و ارتباط صنعت و دانشگاه منافع زیادی برای دانشگاه دربردارد و به همین دلیل مورد توجه دانشگاه‌ها قرار گرفته است. هدف بعضی از دانشگاه‌ها از ارتباط با صنعت، کسب مزایای بالقوه مالی، ثبت امتیاز و کسب گواهینامه‌هایی است که از تجاری‌شدن دانشگاه حاصل می‌شوند. بعضی مواقع امتیازات حاصل از تحقیقات حمایتی توسط صنعت، بین شرکت‌ها و دانشگاه‌ها به اشتراک گذاشته می‌شوند؛ علاوه بر این به وسیله ارتباط صنعت و دانشگاه، استادان از تجهیزات علمی پیشرفته‌تری بهره‌مند می‌شوند. همچنین فرصت‌های شغلی فراوانی برای دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه فراهم خواهد شد. انجام دوره‌های آموزشی صنعتی برای دانشجویان در مقاطع تحصیلی مختلف سبب می‌شود بین بخش صنعتی و دانشگاه توازن برقرار شود. همچنین این دوره‌ها سهم بسزایی در تدوین محتوای درسی دانشجویان دارند؛ به طوری که این دوره‌های آموزشی صنعتی در اکثر کشورهای صنعتی به صورت متداول وجود دارد؛ به عنوان مثال در کشوری مثل انگلستان، ۲۰ درصد دانشجویان مهندسی و ۵۰ درصد دانشجویان دانشگاه‌های فنی، دروس فشرده مربوط به آموزش‌های صنعتی را می‌گذرانند. علاوه بر این دوره‌ها، در کشورهایی مثل انگلستان و فرانسه، این امکان برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی وجود دارد تا بخشی از دوره آموزشی و پایان‌نامه خود را در ارتباط با صنعت بگذرانند و از امکانات و تجهیزات صنعت در راستای انجام تحقیقات خود به صورت رایگان استفاده کنند. این روش قطعاً تأثیر زیادی بر ایجاد تخصص صنعتی در دانشجویان می‌گذارد و به آن‌ها فرصت می‌دهد تا بین فعالیت علمی خود و صنعت ارتباط برقرار کرده و تجربیات خود را هرچه بیشتر با نیازهای صنعت هم‌راستا کنند. یکی از شرکت‌هایی که در زمینه برگزاری دوره‌های آموزشی صنعتی برای دانشجویان فعالیت می‌کند، شرکت «اکومت» است. این شرکت منابع مالی مورد نیاز را برای وارد شدن دانشجویان و استادان دانشگاهی به آزمایشگاه‌های صنعتی اتحادیه اروپا (مانند یوای تی پی‌ها) تأمین می‌کند [۱۰].

منافع برای شرکت‌های صنعتی

همکاری و ارتباط صنعت و دانشگاه به عنوان یکی از عوامل شتاب‌دهنده فعالیت‌های پژوهشی شرکت‌های صنعتی است و باعث توسعه این شرکت‌ها می‌شوند. محققان دانشگاهی به دانشمندان صنعتی کمک می‌کنند تا تحقیقات فعلی که ممکن است برای طراحی و توسعه فرایندهای نوآورانه و محصولات بالقوه سودمند باشد را شناسایی کنند. تحقیقات پیشرفته، برای شرکت‌ها یک مزیت رقابتی به ارمغان می‌آورد؛ زیرا زمان لازم برای انتقال یک محصول از آزمایشگاه به بازار را کاهش می‌دهند و رقابت اقتصادی بین‌المللی را تقویت می‌کنند. همچنین ارتباط بین دانشگاه‌ها و حامیان مالی صنعتی درجه شهرت شرکت‌های صنعتی را بالا می‌برند. در کشور آمریکا، حضور موفق یک کادر صنعتی در دانشگاه برای انتقال فناوری به صنعت، یک نمونه موفق از ارتباط بین این دو نهاد است؛ برای مثال یک نفر از کادر شرکت «جانسن متی» دو سال را در دانشگاه ایالتی میشیگان گذراند و درباره اثرات نمونه‌های قابل حل پلاتین روی محیط بیولوژیک آموزش دید. این امر در مهر و موم‌های بعد عامل کلیدی در راه‌اندازی یک خط تولید جدید با فناوری نو در شرکت جانسن متی بود. در خط تولید جدید این شرکت که از طریق تجاری‌سازی علم و انتقال فناوری صورت گرفته بود، داروهای شیمیایی با محتوی پلاتین تولید می‌شد.

تولید این داروها علاوه بر کسب شهرت و درآمد برای این شرکت، کمک شایانی به پزشکان برای درمان مناسب بیماران می‌کرد. در اکثر کشورها، حقوق و دستمزد در دانشگاه‌ها بین ۱۰ تا ۳۰ درصد پایین‌تر از بخش صنعت است؛ به‌همین دلیل استقبال چندانی از طرح حضور یک کادر صنعتی در دانشگاه‌ها نشده‌است. انتقال اعضای هیئت علمی به بخش‌های صنعتی نیز مشکلاتی از جمله متفاوت بودن شیوه و ساختار و روش کار در صنعت نسبت به محیط‌های دانشگاهی است. در سال‌های اخیر، اختلاف حقوق بین بخش‌های صنعت و دانشگاه، بخش کوچک اما مهمی از کادر علمی باتجربهٔ دانشگاه‌ها را به‌سوی به‌دست‌آوردن سمت‌های عالی‌تر در بخش صنعت متمایل کرده‌است. برخورداری از جایگاه‌های عالی علمی نیز این تصور را به‌وجود می‌آورد که فرصت‌های شغلی در صنعت ممکن است بهتر باشد. همین امر و شرایط خوب استخدام در صنایع برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، برخی دانشگاه‌ها را با معضل کاهش تحقیقات دانشگاهی مواجه کرده‌است؛ برای مثال کشور آلمان برای حل مشکلات بخش صنعت و در راستای آن، کاربردی کردن آموزش دانشگاهی، اقدام به استخدام کادر صنعتی در دانشکده‌های مهندسی کرده‌است. این اقدام موجب تأثیر متقابل و سود دوجانبهٔ این دو نهاد از ارتباط با هم شده است؛ اما ژاپن برای ارتباط دانشگاه با صنعت، کارکنان صنایع را برای یک یا دو سال راهی دانشگاه‌ها می‌کند تا با قرارگرفتن دوباره در محیط دانشگاهی، با دانش روز و آخرین یافته‌های علمی آشنا شوند. در همین راستا برای تقویت دانشگاه‌ها نیز استادان دانشگاه‌های ملی نباید در صنعت مشغول به‌کار بوده و در رقابت‌های صنعتی به صورت کاملاً بی‌طرفانه عمل کنند [۱۱-۱۴].

چالش‌های ارتباط صنعت و دانشگاه

در دنیای امروز، ارتباط صنعت و دانشگاه نقش مؤثری در رشد و توسعهٔ کشورها و حضور آن‌ها در جوامع بین‌المللی دارد. با توجه به رشد لحظه‌ای تکنولوژی و رقابت شدید بین کشورهای مختلف در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، برخورداری از دانش روز و دستیابی به روش‌های نوین، بهترین راه‌حل برای گام برداشتن در مسیر پیشرفت، به‌خصوص در عرصهٔ تکنولوژی است. برای رسیدن به چنین هدفی، مهم است که مراکز علمی، صنعتگران و بنگاه‌های اقتصادی کشور با یکدیگر تعامل داشته باشند. درواقع، می‌توان گفت اگر در یک جامعه توجهی به ارتباط صنعت و دانشگاه نشود، آن جامعه هیچ‌گاه جزو کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته نخواهد شد. برای اینکه کشوری در جوامع بین‌المللی به‌عنوان یک کشور توسعه‌یافته شناخته شود، علاوه بر داشتن سیستم اقتصادی سالم، باید پیشرفت خود را در گرو رشد و توسعه در عرصهٔ تکنولوژی بداند و برای رسیدن به این هدف تلاش کند. البته هر دانشگاهی که با مراکز صنعتی همکاری می‌کند، دچار چالش‌هایی می‌شود. این چالش‌ها به شرح زیر هستند:

دانشگاه‌ها در پرورش دانش‌آموختگان واجد شرایط برای همکاری‌های صنعتی با شکست مواجه می‌شوند، زیرا:

- درک درستی از ماهیت صنعت ندارند؛
- به منابع کافی صنعتی دسترسی ندارند؛
- به‌عنوان رکن مؤثر در اقتصاد مطرح نیستند؛
- همکاری دانشگاه‌ها با یکدیگر و بخش‌های صنعتی بسیار ضعیف است.

به طور کلی می توان گفت مزایای ارتباط بین دانشگاه و صنعت برای جوامع فراتر از چالش هایی است که ممکن است برای دانشگاه ها به وجود آید و این مزایا نهایتاً باعث ارتقای سطح زندگی مردم خواهند شد. استفاده از کادر صنعتی به صورت پاره وقت در دانشگاه ها و همچنین استفاده از اعضای هیئت علمی در صنعت، در زمان های خاص، یکی از بهترین روش ها برای همکاری بین صنعت و دانشگاه است. این فرایند می تواند ایده ها و روش های جدید را برای محققان بخش صنعت فراهم کند؛ علاوه بر این، این الگو می تواند برای شرکت صنعتی، دسترسی آسان به فارغ التحصیلان آموزش دیده را به شکل منظم فراهم کند. اجرای این شیوه می تواند به پویایی هر دو بخش کمک کند. این روش در کشور انگلستان اجرا می شود. بدین ترتیب که محققان به صورت پاره وقت و با حفظ حقوق، یک روز در هفته را در دانشگاه می گذرانند و در مقابل یک استاد دانشگاه نیز یک روز در هفته را در شرکت صنعتی کار می کند [۱۵-۱].

اهمیت تأسیس شرکت های آموزشی مشترک

در این راستا یکی از کارهایی که می تواند انجام شود، ایجاد شرکت های آموزشی مشترک بین دانشگاه و صنعت است. این فرایند در سال ۱۹۷۴ برای نخستین بار توسط کنسول تحقیقات مهندسی و علوم انگلستان انجام شد. شرکت تأسیس شده در قالب نیازهای بخش صنعت شروع به کار کرد و در این راستا از متخصصان و محققان دانشگاهی برای بهره وری بیشتر استفاده کرد. در واقع این شرکت به عنوان واسطه و حلقه اتصال دانشگاه و صنعت، فعالیت خود را آغاز کرد. نوع فعالیت های این شرکت با هم تفاوت دارد؛ به طور مثال در یک نمونه از برنامه های آموزشی این شرکت، با تعدادی از فارغ التحصیلان دانشگاهی برای یک دوره سه ساله قرارداد بسته می شود. این فارغ التحصیلان توسط دانشگاه برای دادن مشاوره به شرکت مورد نظر اعزام می شوند و توسط شرکت، حقوق کامل و معادل کارکنان صنعتی دریافت می کنند. آن ها حدود ۹۰ درصد از زمان کاری خود را در شرکت می گذرانند و بقیه زمان خود را برای دنبال کردن برنامه مطالعات مرتبط با نیازهای شرکت در دانشگاه به سر می برند. به این افراد «همکاران شرکت آموزشی» می گویند. این افراد می توانند برای مدارج بالاتر ثبت نام کنند، به شرطی که با اهداف شرکت سازگار باشد. در این الگو، دانشگاه بر اجرای پروژه های مهم صنعتی، توسط کادر علمی ارشد که یک یا دو روز از ماه را در شرکت آموزشی می گذرانند، نظارت می کند. همچنین برای آن دسته از محققان صنعتی که قرار است بخشی از وظایف کادر علمی را بر عهده بگیرند تا آن ها برای فعالیت در شرکت آموزشی وقت آزاد داشته باشند، بودجه مورد نیاز فراهم می شود. هر برنامه توسط کمیته ای متشکل از کادر شرکت و دانشگاه و یکی از مدیریت شرکت آموزشی انگلستان به صورت دوره ای، هر چهار ماه یک بار، مورد بازنگری قرار می گیرد تا به روز شود و پیشرفت کار سرعت بیشتری به خود بگیرد. بهبود عملکرد صنعتی به ویژه در فناوری ساخت، آموزش کادر علمی توانا برای مشاغل صنعتی و ارتقای بهره وری و کیفیت کار محققان بخش صنعت و دانشگاه، از اهداف شرکت های آموزشی است [۱۹-۲۲].

ساختار و نحوه ارتباط صنعت و دانشگاه

در بسیاری از کشورها، ارتباط صنعت و دانشگاه قدمت بیشتری دارد؛ اما در کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه، هنوز ارتباط کارآمد و پویایی بین صنعت و دانشگاه شکل نگرفته است. در دنیای رقابتی امروز،

رابطه علم و صنعت نیازمند آینده‌نگری و توجه دقیق است. ارتباط صنعت و دانشگاه بر پایه تحقیقات، انتقال دانش و انتقال تکنولوژی استوار است. در کشورهای توسعه‌یافته هیچ مرزی بین دانشگاه، صنعت و دولت وجود ندارد و هر سه در حال مشارکت با یکدیگر هستند. ارتباط صنعت و دانشگاه در این کشورها به گونه‌ای است که دانشگاه‌ها اکثر وقت خود را صرف تولید علم می‌کنند و صنعت‌گران علم جدید را در راستای تولید به کار می‌گیرند. دولت‌ها نیز با فراهم‌سازی زیرساخت‌ها به بهبود شرایط این همکاری کمک می‌کنند. متأسفانه در کشور ما هنوز این اتفاق به طور کامل نیفتاده و مشکلات زیادی بر سر راه دانشگاهیان و صنعت‌گران وجود دارد. این مشکلات باعث می‌شود ارتباط درستی بین علم و صنعت وجود نداشته باشد که در نتیجه آن، چرخه تولید ملی به درستی شکل نمی‌گیرد. آغاز ارتباط صنعت و دانشگاه در ایران به سال‌های تأسیس دانشگاه تهران برمی‌گردد. با اینکه سال‌ها از شروع این ارتباط می‌گذرد، هنوز چالش‌های زیادی وجود دارد که مستلزم تلاش دولت برای رفع آن‌ها است. برخی از موانع ارتباط صنعت و دانشگاه در ایران عبارت‌اند از: ضعف قوانین و مقررات، عدم تناسب رشته‌های دانشگاهی با تخصص‌های موردنیاز صنعت، وارداتی بودن دانش و... . ارتباط صنعت و دانشگاه تنها زمانی مؤثر خواهد بود که بتوان از علوم دانشگاهی، محصول یا خدمتی را تولید کرد. متأسفانه، روند این کار در ایران بسیار کند است؛ زیرا مطالعاتی که در کشور انجام می‌شوند، براساس نیازهای صنعت و جامعه نیستند. در ایران، اکثر رشته‌ها و درس‌های دانشگاهی از کشورهای دیگر وارد می‌شوند؛ بنابراین تناسبی با نیازهای صنعت ایران ندارند و ناکارآمد هستند. ناگفته نماند که اعتماد صنعتگران به پژوهش‌های علمی نیز حائز اهمیت است. کنار گذاشتن روش‌های قدیمی و اعتماد به یک روش جدید کار دشواری بوده‌است، اما ناممکن نیست. اگر صنعت‌گران به نتایج به‌دست‌آمده از تحقیقات علمی اعتماد داشته باشند، می‌توان بسیاری از روش‌های منسوخ را کنار گذاشت و با استفاده از روش‌های جدید، تولید ملی را افزایش داد [۲۳-۲۵].

نقش افراد و عوامل مؤثر بر ایجاد ارتباط صنعت و دانشگاه

همان‌طور که گفته شد، رشد اقتصادی یک جامعه در گرو ارتباط صنعت و دانشگاه و پیشرفت کشور در عرصه تکنولوژی است. طبق تعریف اسکاپ، تکنولوژی توسط چهار عنصر اصلی: انسان، ماشین، سازمان و اطلاعات تعریف می‌شود که در بین این چهار عنصر، انسان کلیدی‌ترین نقش را دارد؛ زیرا بدون حضور انسان، ماشین و اطلاعات کاربردی نخواهند داشت و سازمانی شکل نخواهد گرفت. توسعه تکنولوژی با به‌کارگرفتن علم در راستای تولید ماشین‌های جدید یا ابداع روش‌های جدید و بهینه برای انجام امور اتفاق می‌افتد؛ بنابراین، توسعه تکنولوژی مستلزم ارتباط صنعت و دانشگاه است. این ارتباط در قالب‌های مختلفی به‌وجود می‌آید. اولین روش ایجاد ارتباط صنعت و دانشگاه، به‌کارگرفتن نیروهای ماهر و متخصص در بازار کار است. دانشگاه‌ها و مراکز علمی مسئول آموزش و تربیت نیروی انسانی موردنیاز عرصه‌های مختلف صنعت هستند. این افراد با اشتغال در بازار کار و به‌کارگرفتن تخصص خود موجب پیشرفت و ایجاد رونق اقتصادی می‌شوند. گاهی ارتباط صنعت و دانشگاه در قالب سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و سازمان‌ها در پروژه‌های علمی اتفاق می‌افتد. حمایت مالی سازمان‌ها زمینه مناسبی برای انجام تحقیقات گسترده در حوزه‌های ناشناخته، کشف روش‌های نوین و بهینه برای انجام کارها و ساخت ماشین‌های جدید فراهم می‌کند. هر پیشرفتی که از تعامل علم و صنعت حاصل شود، موجب ارتقای

رتبه، توسعه و پیشرفت هر دو طرف می‌شود. سازمان‌ها و صنایع با به‌کارگیری روش‌های علمی می‌توانند در بازارهای اقتصادی رقابت کنند و سود به دست بیاورند. حضور در بازارهای اقتصادی، به‌خصوص بازارهای بین‌المللی، باعث افزایش ارزش سهام‌های سودآور شرکت‌ها و رونق شرایط اقتصادی جامعه می‌شود. البته نباید از خاطر برد که دولت‌ها نقشی اساسی در ایجاد ارتباط صنعت و دانشگاه دارند. فراهم کردن یک بستر مناسب، مهم‌ترین نقش دولت در ارتباط صنعت و دانشگاه است. دولت‌ها باید قوانین، تسهیلات و شرایطی را به‌وجود بیاورند که مراکز علمی و بنگاه‌های اقتصادی بتوانند قراردادهای مشارکتی مؤثری را امضا کنند؛ علاوه‌براین، دولت‌ها باید این امکان را در اختیار صنعت بگذارند تا با عرضه سهام‌های سودآور خود در بازارهای بورس و اوراق بهادار، سرمایه موردنیاز برای همکاری با مراکز علمی یا توسعه کار خود را به‌دست آورند. با این روش تمایل سازمان‌ها و شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری در مطالعات تحقیقاتی و به‌کارگرفتن علم در صنعت افزایش پیدا می‌کند؛ بنابراین دولت‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز علمی، سازمان‌ها و شرکت‌های صنعتی می‌توانند با شکل دادن یک همکاری مؤثر و کارآمد، گامی بزرگ در توسعه تکنولوژی و بهبود شرایط اقتصادی کشور بردارند [۲۴، ۲۶، ۲۷].

ضرورت تعامل دانشگاه و صنعت

جهان امروز برای توسعه، نیازمند ارتباط بین تکنولوژی و پیشرفت در تمام زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. درواقع عامل اصلی برای رسیدن به اقتصاد پایدار، پیشرفت تکنولوژی است که سبب توسعه ملی می‌شود. از آنجا که نیروی انسانی برای محقق شدن این هدف نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، اهمیت دانشگاه‌ها خود را بیشتر نشان می‌دهد؛ زیرا محل تربیت این نیروی ماهر و متخصص دانشگاه است و اگر این تخصص بتواند در راستای صنعت قرار بگیرد، سبب پیشرفت و توسعه جامعه می‌شود.

دراین راستا دانشگاه می‌تواند با آموزش دانشجویان و فراهم کردن بستر مناسب، آن‌ها را برای بازار کار آماده کند. همچنین می‌تواند با شناخت نیازهای صنعتی و تحقیقاتی، موانع موجود را برطرف کند [۱۴، ۳۰-۲۸]. متأسفانه در این فرایند، صنعت نیز نقش مهمی دارد و از آنجا که اکثر صنعت‌گران به‌صورت تجربی به تخصص خود دست یافته‌اند، به دانش‌آموختگان دانشگاهی تنها به چشم افرادی نگاه می‌کنند که صرفاً مدرک‌گرا و بدون هیچ مهارتی هستند. در خیلی از موارد نیز بسیاری از ایده‌های دانشگاهی را قابل اجرا در مقیاس صنعتی نمی‌دانند و این مسئله باعث افزایش هرچه‌بیشتر دانشگاه و صنعت می‌شود که متأسفانه بسیاری از برنامه‌هایی که برای ارتباط بین این دو تدوین شده، فقط روی کاغذ و داخل کتابخانه‌ها و کتوها در حال خاک خوردن هستند. علت اصلی که باعث افزایش فاصله دانشگاه و صنعت از یکدیگر شده، تفاوت ماهیت این دو نهاد است که یکی نهادی علمی و دیگری نهادی اقتصادی است. فاصله‌ای که بین دانشگاه و صنعت ایجاد شده، در بعضی جاها آنقدر زیاد است که بعضاً این دو بخش زبان یکدیگر را نمی‌فهمند [۲۸، ۳۱].

تنها راه‌حل این مشکل آن است که به‌دور از تعصبات، یک پل محکم بین آن‌ها برقرار شود. پژوهش‌های دانشگاهی عمدتاً به‌صورت تئوری و بدون در نظر گرفتن معضلات صنعتی کشور بودند؛ اما با کمک گرفتن از صنعت گران و تعامل بین متخصصان صنعتی و استادان در هنگام تعریف پروژه‌های دانشگاهی، می‌توان ارتباط اولیه را بین این دو نهاد برقرار کرد. بازدید از مراکز صنعتی نیز می‌تواند این ارتباط را محکم‌تر کند [۹، ۳۲].

با استفاده از این راهکارها، مشکلات صنعتی به پژوهشگران دانشگاهی سپرده شده و با حل مشکل، آینده شغلی دانش‌آموخته دانشگاهی تضمین می‌شود. یکی از بهترین کارهای انجام‌شده در ارتباط بین صنعت و دانشگاه، برنامه کارآموزی تابستانی دانشجویان در مراکز صنعتی است. با استفاده از این طرح، نیروهای جوان و پژوهشگر، فرصت کسب تجربه در مراکز صنعتی را پیدا می‌کنند. ایراد این طرح آن است که تنها در یک مقطع کوتاه انجام می‌شود. با تداوم برنامه‌های کارآموزی می‌توان فرصت کسب تجربه‌اندوزی صنعتی را برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی فراهم کرد. البته یکی از مشکلاتی که در این رابطه وجود دارد، اهمیت‌ندادن بسیاری از دانشجویان به واحد کارآموزی است [۹، ۳۳، ۳۴].

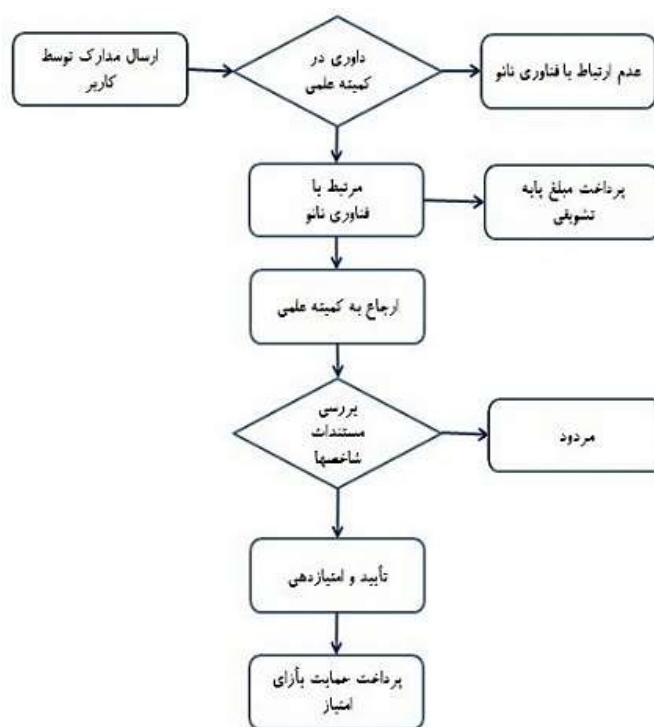
نقش ستاد نانو در برقراری ارتباط صنعت و دانشگاه از طریق پارساهای تقاضامحور در ایران و تجربه نویسندگان در این زمینه

خوشبختانه کشور ما امروزه با استفاده از روش‌های مختلف در زمینه ارتباط صنعت و دانشگاه گام برداشته است؛ به‌عنوان مثال یکی از کارهای انجام‌شده در این راستا، همکاری نهادهایی مثل ستاد نانو برای برقراری ارتباط بین صنعت و دانشگاه است. این ستاد که زیر نظر معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری فعالیت می‌کند، با حمایت از پایان‌نامه‌های دانشگاهی تقاضامحور گام‌های مؤثری در این زمینه برداشته است. ستاد ویژه توسعه فناوری نانو، با هدف جهت‌دهی به پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی در راستای نیاز صنایع، آئین‌نامه «حمایت از پایان‌نامه صنعتی-کاربردی» را اجرا می‌کند. در این آیین‌نامه، ستاد نیازهای صنعتی قابل طرح در سطح دانشگاهی را با توجه به تعامل با صنایع و سازمان‌ها استخراج کرده است. این نیازها در قالب درخواست پارسا (Request for Proposal (RFP)) در اینجا معرفی شده‌اند و به تدریج در حوزه‌های مختلف به‌روزرسانی خواهند شد. موضوع این پایان‌نامه باید مرتبط با فناوری نانو، کاربردی و موردنیاز حداقل یکی از صنایع فعال کشور باشد. موضوع پایان‌نامه باید این قابلیت را داشته باشد که پس از انجام پژوهش در راستای نیاز صنایع (در قالب پایان‌نامه) و حصول به نتایج مثبت در مرحله آزمایشگاهی و تحقیقاتی، در صورت تمایل صنعت، بتوان فازهای تکمیلی تحقیقاتی، بررسی جنبه‌های اقتصادی و بازار را بر روی دستاوردهای آن انجام داد. یکی از بهترین کارهای این ستاد آن است که نیازهای صنعتی بسیاری از صنایع را در قالب نیازهای صنعتی اطلاع‌رسانی کرده است. همچنین برای ارتباط بیشتر با صنعت، یک رابط صنعتی باید از طرف صنعت موردنظر برای نظارت بر تحقیقات معرفی شود. وظایف رابط صنعتی عبارت است از:

- ارائه گزارش میانی و پایانی از فعالیت‌ها و پایان‌نامه دانشجوی؛
 - تعامل سازنده و مستمر با ستاد نانو؛
 - تسهیل رویه‌ها و فرایندهای مرتبط با پایان‌نامه دانشجوی؛
 - منطبق‌سازی فعالیت‌های علمی دانشجو با نیازها و ضرورت‌های صنعتی و فنی موردنیاز شرکت.
- همچنین ستاد نانو پس از تصویب پیشنهاد در دانشگاه، به دانشجویان کارشناسی ارشد ۶ ماه و دانشجویان دکتری ۱ سال برای ثبت درخواست حمایت تشویقی، فرصت می‌دهد.

مراحل اخذ پارسا تقاضا محور از ستاد نانو

- ۱- با مراجعه به سایت ستاد (Nano.ir/RFP)، موضوعات را مشاهده و موضوع مورد نظر انتخاب میشود.
- ۲- بر روی موضوع انتخابی پیشنهاده‌ای تهیه و صنعت هدف (ترجیحاً در استان خود) انتخاب میگردد.
- ۳- نامه‌ای از طریق گروه آموزشی، توسط عضو هیئت علمی به معاونت پژوهشی مبنی بر اینکه به صنعت هدف مراجعه و بتوانند موضوع را با ایشان مطرح کنند، ارسال می‌شود.
- ۴- نامه متقاضی (عضو هیئت علمی) از معاونت پژوهشی به دفتر ارتباط با صنعت ارجاع شده و معرفی‌نامه توسط دفتر ارتباط با صنعت به شرکت هدف ارسال می‌شود. در این نامه، خطاب به صنعت هدف، راجع به موضوع پارسا و اهمیت آن در صنعت هدف، توضیح داده می‌شود و بیان می‌شود که برای دریافت حمایت از ستاد نانو تأیید صنعت هدف مورد نیاز است.
- ۵- در صورت موافقت صنعت هدف با موضوع، پیشنهاده کامل به کمیته علمی تخصصی صنعت هدف تحویل می‌شود تا مورد بررسی قرار گیرد. در صورت تأیید، نامه موافقت به دفتر ارتباط با صنعت ارسال شده و عضو هیئت علمی در جریان قرار می‌گیرد.
- ۶- پیشنهاده مورد تأیید صنعت، در گروه آموزشی بررسی و در صورت تأیید گروه، صورت جلسه می‌شود.
- ۷- تأییدیه صنعت هدف، صورت جلسه شورای گروه آموزشی و اسم رابط صنعتی به عنوان مدارک در پرتال ایجاد شده متقاضی در وبسایت ستاد نانو ثبت می‌شود.
- ۸- ستاد نانو طی جلسه تخصصی پیشنهاده‌های رسیده را بررسی و نتیجه را به متقاضیان اعلام می‌کند.



شکل ۱. مراحل داوری توسط کمیته علمی ستاد نانو [۳۵]

۹- حمایت گام به گام تشویقی به صورت جداول زیر در صورت تایید پیشنهاد انجام میگیرد:

جدول ۱. مراحل و زمان درخواست و مبلغ تشویقی با توجه به مقطع پایان‌نامه تعریف شده [۳۵]

مراحل	زمان درخواست	مبلغ در کارشناسی ارشد	مبلغ در دکتری
مرحله اول	پس از تصویب پروپوزال در مرکز آموزشی مربوطه	۵ میلیون ریال	۱۰ میلیون ریال
مرحله دوم	حداکثر تا ۲ سال پس از دفاع از پایان‌نامه	به‌ازای هر امتیاز کسب‌شده از شاخص‌ها، مبلغ ۱ میلیون ریال	به‌ازای هر امتیاز کسب‌شده از شاخص‌ها، مبلغ ۱ میلیون ریال

جدول ۲. شاخص‌های ارزیابی پایان‌نامه‌ها [۳۵]

معیار	شاخص	امتیاز
کیفیت علمی	مطالعه مروری پتنت	۵
	مقاله ISI پذیرفته‌شده	۵
	ثبت اختراع	۱۰ و ۳۰
مسئله‌محور	در راستای نیاز یک صنعت یا یک شرکت دانش‌بنیان	۱۰ و ۳۰
کیفیت کاربردی	تولید نمونه اولیه	۲۰
	ساخت تجهیزات	۳۰
	پذیرش در یک مرکز رشد	۲۰

در پایان ۹ مرحله، ذکر دو نکته قابل توجه است که ۱- متقاضیان لازم است در وبسایت نانو یک پنل کاربری ایجاد کنند؛ زیرا علاوه بر دریافت حمایت پیشنهادها از طریق گفته‌شده، به مقالات و طرح‌های پژوهشی نانو که در بخش موردنظر در پنل خود بارگزاری می‌کنند نیز تشویقی‌هایی تعلق می‌گیرد. ۲- رابط صنعتی در برخی موارد که در وبسایت نانو قرار دارند، از طرف این سایت تعیین می‌شوند، اما در برخی موارد برای برخی صنایع کوچک، این رابط معرفی نشده است که لازم است متقاضی با برقراری ارتباط با صنعت موردنظر، با فردی متخصص از آن صنعت برای به‌عهده گرفتن این مسئولیت به توافق برسد.

پیشنهاد ارائه‌شده توسط گروه تحقیقاتی از این مسیر استفاده کرد. با توجه به هدف اصلی کار (حذف فلزات سنگین از فاضلاب)، یکی از بهترین ارگان‌هایی که می‌توانست از نتایج این طرح استفاده کند، اداره آب و فاضلاب بود. در نتیجه برای انجام این طرح به اداره آب و فاضلاب مراجعه و با معرفی از دفتر ارتباط با صنعت دانشگاه، از این سازمان درخواست همکاری داده شد. متأسفانه چون به‌صورت انفرادی اقدام شده بود، زمان زیادی صرف آن شد تا موضوع در کمیته تحقیقاتی مربوط به پروژه‌های آن اداره مطرح شود. همچنین آن اداره از نظر مالی نیز خواستار سهم در پروژه موردنظر بود و همه این مسائل باعث شد این فرایند بسیار طولانی شود؛ به‌طوری که زمان ۶ ماهه موردنظر رو به اتمام بود. مسئله بعدی، معرفی رابط صنعتی بود که نویسندگان بعد از تلاش‌های بسیار و صحبت با بسیاری از نیروهای متخصص آن اداره، موفق به رضایت یکی از کادر تحقیقاتی آن اداره شدند.

با توجه به ضرورت تعامل دانشگاه با صنعت، دفاتر ارتباط با صنعت در دانشگاه‌ها در این راستا می‌توانند با ایجاد قراردادهای مابین صنعت و دانشگاه، به این رابطه کمک کنند؛ زیرا ارتباط از این مسیر می‌تواند بسیاری از چالش‌های اقدامات فردی که پارسای مورد نظر نیز با آن روبه‌رو شد را برطرف کند. متأسفانه صنایع اغلب نسبت به تحقیقات دانشگاهی خوشبین نبوده و در نتیجه این عدم اعتماد به دانش داخلی، سعی در استفاده از پتانسیل‌های وارداتی دارند. در نهایت هر کدام از این دو ارگان مسیر خود را طی می‌کند که چون این دو مسیر موازی هستند، امکان رسیدن به یکدیگر هیچگاه به وجود نخواهد آمد. همین مسئله در مورد پروژه ما نیز وجود داشت و این عدم اطمینان منجر به صرف زمان زیادی برای ایجاد اعتماد شد که این امر سبب مشکلات زیادی از جمله زمان‌بندی در اجرای پروژه شد.

نتیجه‌گیری

ارتباط صحیح و کامل بین صنعت و دانشگاه، کلید اصلی رشد و پیشرفت جوامع در دنیای امروز است. کشور ما به عنوان جامعه‌ای در حال توسعه، نیاز به رشد و توسعه متوازن و هماهنگ دارد تا با هماهنگی بین این نهادها جهت‌دهی مناسبی برای نوجوانان و جوانان ایجاد کند تا بتوانند علایق و توانایی‌های خود را محک بزنند و تصمیم درستی برای آینده شغلی خود اتخاذ کنند. ارتباط دانشگاه و صنعت از مهم‌ترین مناسبات هر جامعه‌ای است که منجر به رشد و شکوفایی این دو و ارتقا و بهبود شرایط کل جامعه می‌شود. تجربه کشورهای مختلف حاکی از آن است که ایجاد و باروری چنین رابطه‌ای عامل مهمی در رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها بوده است. در ایران، پس از ورود دانشگاه و ایجاد صنایع جدید، دغدغه رابطه این دو نهاد همیشه مطرح بوده است. پس از انقلاب و به خصوص در سال‌های اخیر، گام‌هایی در جهت ارتقای چنین ارتباطی برداشته شده است که می‌توان به گسترش آن امیدوار بود تا کشورمان راه پیشرفت و توسعه متوازن را بییماید.

سپاسگزاری

این مقاله براساس چالش‌های موجود در پایان‌نامه‌های تقاضامحور همکاری با صنعت دوره کارشناسی ارشد مصوب و دفاع شده در دانشگاه سیستان و بلوچستان، تحت راهنمایی نویسندگان نوشته شده است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر صمیمانه خود را از کارکنان و مسئولان همکاری با صنعت دانشگاه سیستان و بلوچستان، جناب آقای دکتر فاطمی و معاونت محترم پژوهشی دانشگاه جناب آقای دکتر کردی تمندانی که ما را در انجام و مشارکت صنعتی طرح پژوهشی با سازمان آب و فاضلاب وزارت نیروی استان سیستان و بلوچستان زاهدان یاری دادند، اعلام کنند.

منابع

- [۱] مکر اصفهانی م. عشقی ح. اکبرزاده م. مزایای آموزش و ارتباط صنعت با دانشگاه. هشتمین سمینار آموزش شیمی ایران. ۲۰۱۳.
- [۲] صیادی ع. شریفیان ا. قهرمان تبریزی ک. ارزیابی مقایسه‌ای دیدگاه مدیران صنایع درخصوص مزایای اکتسابی صنعت از ایجاد ارتباط با دانشگاه (مطالعه موردی: بخش تولیدی صنعت ورزش ایران). پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۲۰۱۵؛ ۱۱(۲۱): ۲۵-۳۶.

- [۳] نریمانی ا.ر. اسلام‌پناه م. صباغی م. تجمیلیان ا. مفاهمه، راهبردی بنیادی در توسعه ارتباط صنعت و دانشگاه. راهبرد توسعه. ۲۰۱۵؛ ۴۳: ۱۶۱-۱۸۰.
- [4] Wu Y. Gu X. Tu Z. Zhang Z. System dynamic analysis on industry-university-research institute synergetic innovation process based on knowledge flow. *Scientometrics*. 2022: 1-22.
- [5] Greitzer E.M. Pertuze J. Calder E. Lucas W.A. Best practices for industry-university collaboration. *MIT Sloan Management Review*. 2010; 51(4): 83.
- [۶] درویشی ا. مرندی م. خطیبی م. اطاعتگر ز. زمینه‌های ارتباط صنعت و دانشگاه و تجارب وزارت نیرو. صنعت و دانشگاه. ۱۳۸۸؛ ۲(۴-۳): ۸۷-۹۴.
- [۷] ابراهیمی‌پور ح. اسماعیل‌زاده ح. دهنویه ر. جعفری سیریزی م. ارزیابی وضعیت ارتباط با صنعت در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران. ۱۳۸۵؛ ۱۰(۳۰): ۲۵-۳۲.
- [8] Cui W. Li L. Chen G. Market-Value Oriented or Technology-Value Oriented? —— Location Impacts of Industry-University-Research (Iur) Cooperation Bases on Innovation Performance. *Location Impacts of Industry-University-Research (Iur) Cooperation Bases on Innovation Performance*.
- [۹] باقری مجد ر. سیدعباس‌زاده م.م. حسنی م. فاکتورهای پایداری و ظرفیت‌های ارتباط دانشگاه و صنعت در نظام آموزش عالی. نوآوری و ارزش‌آفرینی. ۱۳۹۶؛ ۶(۱۲): ۲۱-۳۹.
- [۱۰] شهیکی تاش م. منصوری ل. تحلیل ارتباط دانشگاه و صنعت از دیدگاه بازاریابی رابطه‌مند با رویکرد معادلات ساختاری. پژوهش‌های مدیریت عمومی. ۱۳۹۶؛ ۱۰(۳۶): ۱۸۱-۲۱۰.
- [۱۱] وزیری ص. شجاع ف. اصائلو س. بررسی پیشران‌های هویت‌یابی با برند و رفتارهای حمایتی حاصل از آن در صنعت آموزش عالی کشور؛ نقش تعدیل‌گری جمع‌گرایی/فردگرایی. چشم‌انداز برنامه‌دستی و آموزش. ۱۴۰۰؛ ۱(۱): ۱۴-۲۶.
- [۱۲] تولایی س. سلیمانی م. جهانی‌دولت‌آباد ر. جهانی‌دولت‌آباد ا. نقش مشارکت جوامع محلی در صنعت گردشگری پایدار (مطالعه موردی: سرعین). پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۲۰۱۷؛ ۴۹(۱): ۹۵-۱۱۳.
- [۱۳] ضرغامی ح. جعفری م. اخوان پ. بررسی تطبیقی پویایی تعاملات دانشگاه-صنعت-دولت در پژوهش‌های فناوری نانو ایران و سوئیس. فصلنامه علمی مدیریت توسعه فناوری. ۱۳۹۵؛ ۴(۳): ۹۷-۱۲۶.
- [14] Souzanchi Kashani E. Zarghami H.R. The dynamics of university-industry-government relationships in Nanoscience: investigating the Triple-Helix differences between Iran and Switzerland. *Technology Analysis & Strategic Management*, 2019; 31(7): 817-832.
- [۱۵] شجاعی م.ر. تعامل دانشگاه و صنعت و نقش آن در توسعه اقتصادی. مجلس و راهبرد. ۲۰۰۳؛ ۴۱(۱۰): ۲۴۴-۲۰۷.
- [۱۶] دولتی ع.ا. سیادت س.ع. امین بیدختی ع.ا. نیستانی م.ر. تحلیل مشارکت اجتماعی دانشگاه‌ها در جامعه؛ با تأکید بر انتظارات جامعه محلی. جامعه‌شناسی کاربردی. ۲۰۲۱؛ ۳۲(۱): ۵۹-۸۲.
- [۱۷] قدمی م. دولت زنده؛ اساس پیوند صنعت-دانشگاه. خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت. ۱۳۸۹؛ ۱: ۲۹-۵۰.
- [18] Jowkar T. M. Morovati. Triple helix of University-Industry-Government in the Scientific Articles of Iran. *Journal of Science and Technology Policy*. 2016; 9(3): 71-84.

- [۱۹] صمدی میارکلایی ح. صمدی میارکلایی ح. نظریه‌ها و الگوهای ارتباط میان دانشگاه‌ها و صنعت در اقتصاد دانش‌بنیان. رشد فناوری. ۱۳۹۲؛ ۹(۳۵): ۵۹-۷۰.
- [۲۰] خویشتن‌دار س. دانش شکیب م. شناسایی الگوهای انگیزشی کارآفرینان در راه‌اندازی کسب‌وکارهای دانش بنیان. سیاست علم و فناوری. ۱۳۹۸؛ ۱۱(۴): ۴۷-۶۲.
- [۲۱] مهرآورگیلو ش. خورسندی طاسکوه ع. غیاثی ندوشن س. پورعباسی ع. شناسایی عوامل بازدارنده همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور و ارائه راهکار: مطالعه‌ای کیفی. پژوهش در آموزش علوم پزشکی. ۱۳۹۹؛ ۱۲(۳): ۶۸-۷۸.
- [22] Ostad-Ahmad-Ghorabi M.J. Attari M. Advancing environmental evaluation in cement industry in Iran. *Journal of Cleaner Production*. 2013; 41: 23-30.
- [۲۳] شفیع‌ی م. یزدانیان و. توسعه مفهومی ارتباط بین صنعت و دانشگاه: از رهیافت‌های عمل‌گرا تا رهیافت‌های نهادگرا. صنعت و دانشگاه. ۱۳۸۷؛ ۱(۱): ۳۳-۴۵.
- [۲۴] نیکونژاد س. قادری م. عزیزی ن. تانگ پ. نیستانی م. ر. واکاوی سیاست‌های ارتباط دانشگاه و صنعت در ایران: ارائه مدلی نو. دوفصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی. ۱۳۹۹؛ ۹(۱۸): ۱۱۵-۱۵۰.
- [25] Sobhani F. Ebrahimi S. and Jowkar A. Scientific interactions between university, industry and government in the field of agriculture in Iran: based on Triple Helix Model. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*. 2017; 23(3): 21-41.
- [۲۶] شاهرودیانی ش. بررسی تأثیر عوامل محیطی بر ایجاد و توسعه مراکز رشد دانشگاه‌ها: رهیافتی نو بر دانشگاه کارآفرین و ارتباط بین صنعت و دانشگاه. صنعت و دانشگاه. ۱۳۸۹؛ ۳(۷-۸): ۴۵-۵۶.
- [27] Bagherinejad J. University-Industry Relationship System for Technology Development in Iran: Mechanisms and Policy implications. 2008.
- [28] Azizi F. Moradi F. Investigating the relation between the university, industry and government in the innovation system of the knowledge-based economy in Iran. *International Journal of Information Science and Management (IJISM)*. 2019; 17(2).
- [۲۹] صفدری رنجبر م. توکلی غ. سلامی س. ر. همکاری‌های علمی و فناورانه میان دانشگاه و صنعت (روند تاریخی، اهداف، چالش‌ها و سازوکارها). فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی. ۱۳۹۵؛ ۱۴(۲۷): ۵-۱۶.
- [30] Edgar G. Kharazmi O.A. Systems Evaluation of University-Industry Collaboration Efficiency in Iran: Current Situation and Proposed Policy Framework. *Journal of the Knowledge Economy*. 2022: 1-31.
- [31] Salamzadeh A. Farsi J.Y. Salamzadeh Y. Entrepreneurial universities in Iran: a system dynamics model. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*. 2013; 20(4): 420-445.
- [۳۲] امین مظفری ف. پاداشی اصل خ. شمسی ل. بوداگی علی. بررسی نقش و جایگاه میان‌رشته‌ای در رابطه دانشگاه و صنعت. فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی. ۱۳۹۰؛ ۴(۱): ۲۵-۶۷.
- [33] Bagherinejad J. University and industry of Iran in transition process in the age of knowledge and innovation. 2008.
- [34] Kharazmi O.A. Nedaei A. Javadi Nejad. N. Promoting the concept of knowledge cities through university-industry collaboration in the Iranian context. in 6th Knowledge Cities World Summit. 2013.
- [35] <http://www.nano.ir/hrdc>

پارساهای تقاضامحور اقتصاد کشاورزی؛ ارتباط نوین دانشگاه و بخش کشاورزی

علی سردار شهرکی*

دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

ابراهیم مرادی

استادیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

هدف از این مقاله کوتاه، آشنایی با مفهوم و ضرورت پارساهای تقاضامحور و تدوین نقش پارساهای تقاضامحور در ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه با نگاهی به بخش کشاورزی است. به منظور پاسخ به تقاضاهای اجتماعی و نیازهای کشور و توسعه ارتباط با جامعه و صنعت، نیاز است دانشگاه‌ها، برنامه‌های پژوهشی و فناوری خود را به سمت نیازها و ضرورت‌های اولویت‌دار کشور سوق دهند. در این راستا، پارساهای مسئله‌محور و تقاضامحور به صورت کاربردی برای رفع نیازهای جامعه و کشور، جهت‌گیری و تعریف شده‌اند و دارای مزایایی برای دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی هستند. طبق آمار، در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ تنها ۱/۰۸ درصد از پارساهای تقاضامحور بوده‌اند که این مهم نشان‌دهنده درصد اندک پارساهای تقاضامحور در کشور است. اطلاع‌رسانی نیازهای تحقیقاتی شرکت‌ها و سازمان‌ها در یک سیستم یکپارچه مشترک بین دانشگاه و صنعت، تشویق استادان فعال در این حوزه، حمایت مالی دانشجویان و تقدیر از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های برتر در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی می‌تواند در بهبود کمی و کیفی پارساهای تقاضامحور مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: پارسا، تقاضامحور، اقتصاد کشاورزی، جامعه و صنعت.

مقدمه

رسالت اصلی دانشگاه‌ها، توسعه و تولید علم است. این نهاد عظیم تعلیم و تربیت باید متناسب با نیازهای روز جامعه نقش‌آفرینی کند. در این راستا، پارساهای مسئله‌محور و تقاضامحور به صورت کاربردی برای رفع نیازهای جامعه و کشور، جهت‌گیری و تعریف شده‌اند. این ریل‌گذاری برای جهت‌گیری پژوهش‌های محققان بسیار تأثیرگذار است. پارسای تقاضامحور، به پایان‌نامه‌ها یا رساله‌هایی گفته می‌شود که یک دستگاه، سازمان یا هر ارگانی، متقاضی انجام آن برحسب نیاز در جهت حل مشکل و معضل خاص و ویژه مربوط است.

هر نوع پیشرفت و توسعه، ارتباط مستقیمی با تحقیقات علمی دارد و رشد و توسعه کشورهای پیشرفته، در نتیجه سرمایه‌گذاری در بخش پژوهش است؛ اما در کشور ما موضوع پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، کمتر در ارتباط با

* نویسنده مسئول: a.s.shahraki@eco.usb.ac.ir

رفع مشکلات و موانع کشور است. پایان‌نامه‌ها از لحاظ کیفی خوب هستند؛ اما جهت‌گیری مطلوبی برای رفع مشکلات جامعه ندارند؛ بنابراین به‌منظور پاسخ به تقاضاهای اجتماعی و نیازهای کشور و توسعه ارتباط با جامعه و صنعت، ضروری است که دانشگاه‌ها، برنامه‌های پژوهشی و فناوری خود را به سمت نیازها و ضرورت‌های اولویت‌دار کشور سوق دهند. انتخاب موضوعات پارساهای تقاضامحور براساس اولویت‌های یک ارگان و سازمان پژوهشی که معضلات و مشکلات آن در سطوح مختلف قبلاً شناسایی شده‌است، انتخاب می‌شوند و پژوهشگران بعد از عقد قرارداد دانشگاه و صنعت، اولویت مربوط را در قالب پارسا انجام می‌دهند.

در بخش کشاورزی استان سیستان و بلوچستان و سایر استان‌ها، موانعی برای سرمایه‌گذاری، افزایش تولید و رشد بخش کشاورزی وجود دارد که می‌توان این موانع و مشکلات را در قالب پارساهای تقاضامحور بررسی و برای رفع این محدودیت‌ها، راهبردها و راهکارهای مناسبی ارائه کرد.

پارسای تقاضامحور

پارساهای تقاضامحور در تعریف علمی‌شان به پایان‌نامه و رساله‌هایی (پارسا) گفته می‌شود که از خارج دانشگاه تأمین مالی شده و توسط سازمان تأمین‌کننده اعتبار پژوهشی، برای پاسخ به یک درخواست یا برآورده کردن یک نیاز تهیه می‌شود. روند انجام آن نیز طی قراردادی مشخص با سازمان تأمین‌کننده اعتبار و مجری دنبال خواهد شد. به‌طور کلی پارسای کاربردی و یا نیازمحور، به پارسایی اطلاق می‌شود که شامل یکی از موارد زیر باشد:

- براساس نیاز یک واحد عملیاتی تعریف شده و به تأیید واحد عملیاتی رسیده‌باشد؛

- یک طرح فناورانه با قابلیت تجاری‌سازی باشد؛

- منجر به تولید دانش فنی شده‌باشد؛

- نتیجه به‌عنوان یک اختراع ثبت شده‌باشد؛

- منجر به ساخت یک تجهیز (سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری) شود [۱].

اهمیت پارساهای تقاضامحور

پارساهای دانشجویی مهم‌ترین خروجی حضور دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها به‌شمار می‌روند. آن‌ها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد جریان علمی داشته باشند و با ارائه راهکارهای فنی، در رفع چالش‌های بخش‌های مختلف کشور سهمیم باشند؛ اما در این میان بیشتر انرژی دانشگاه‌های کشور صرف نگارش رساله‌هایی می‌شود که در عمل هیچ آورده علمی قابل‌اجرایی برای رفع نیازهای داخلی کشور ندارند و تنها به‌عنوان پله‌ای برای دانش‌آموختگی دانشجویان تلقی می‌شود. دلیل این مسئله نیز آن است که بیشتر مقالات چاپ‌شده، در عمل نگاهی به مشکلات داخلی کشور ندارند که بخواهند برای رفع آن‌ها راهکار علمی و عملی ارائه دهند.

پارسای تقاضامحور، در اصل نه‌تنها برای دانشگاه آورده مالی دارد، بلکه باعث رفع نیاز دستگاه مربوط از طریق مباحث علمی و به‌روز خواهد شد. نکته قابل‌توجه درباره این پژوهش‌ها آن است که دانشجوی دارای پارسای تقاضامحور می‌تواند حقوق دریافت کند، البته این پرداخت منوط به ارائه گزارش ماهیانه و تأیید پیشرفت کار

توسط استاد راهنما انجام می‌گیرد؛ اما می‌توان از آن به‌عنوان یک مؤلفه محرک برای فعالیت دانشجویان در این حوزه نام برد.

در اصل پارساها (پایان‌نامه و رساله‌های دکتری) که توسط اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی به نگارش درمی‌آیند، اگر جزء پارساهای تقاضامحور باشند، به نسبت دیگر پارساها از اهمیت بیشتری برخوردار هستند؛ چراکه آن‌ها از بیرون دانشگاه تأمین مالی می‌شوند و طبیعی است که به دنبال ارائه راه‌حل علمی و عملی برای رفع مشکل مربوط هستند؛ مؤلفه‌ای که گم‌شده عموم پارساهای دانشگاهی تلقی می‌شود. طبیعتاً هرچه میزان پارساهای تقاضامحور در حوزه‌های مختلف افزایش پیدا کند، امیدها برای رفع چالش‌های موجود نیز به مراتب بیشتر خواهد شد. البته این‌گونه پارساها در کنار آورده مالی برای دانشگاه‌ها، اثرات دیگری هم دارند که ازجمله آن می‌توان به افزایش سقف پذیرش دانشجوی دکتری اشاره کرد؛ چراکه افزایش ظرفیت پذیرش دانشجوی تحصیلات تکمیلی افزون بر سقف مجاز اعلام شده، فقط براساس پارساهای تقاضامحوری که با اعتبارات پژوهشی از منابع دیگر تعریف و اجرا شوند، صورت می‌گیرد و این مهم برای افزایش اعتبار علمی دانشگاه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است [۲].

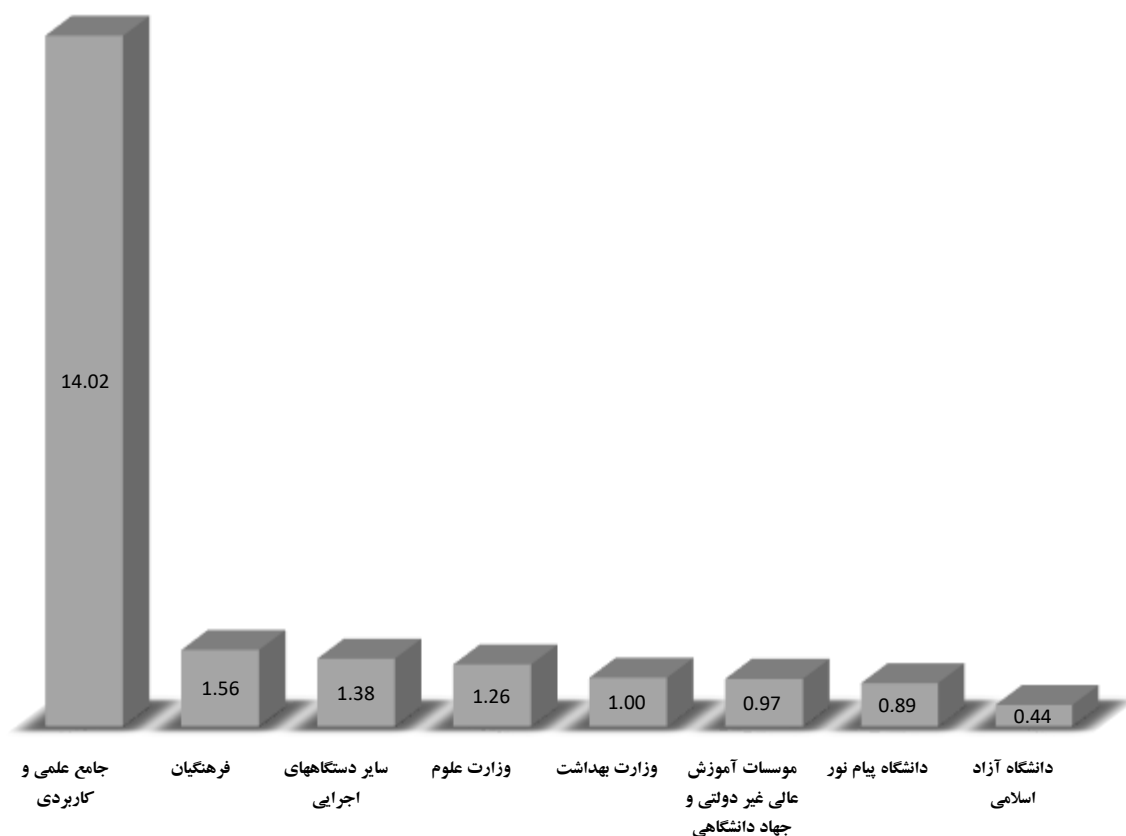
نقش جذب این‌گونه پارساها در ارتقای اعضای هیئت‌علمی نیز از دیگر مسائلی است که می‌تواند مدنظر قرار بگیرد؛ به‌طوری‌که اعضای هیئت‌علمی مجری این پارساها از امتیازهای ویژه‌ای در آیین‌نامه ارتقا برخوردار می‌شوند؛ از این‌رو دانشگاه‌ها باید مشوق‌هایی را برای جلب این‌گونه پارساها اعمال کنند.

وضعیت پارساهای تقاضامحور در کشور

علی‌رغم اینکه پارساهای تقاضامحور می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در رفع مشکلات کشور توسط دانشگاه‌ها ایفا کنند، اما برطبق آمار منتشرشده توسط ایرانداک از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹، روند قابل‌قبولی در این حوزه وجود ندارد. براساس اطلاعات ثبت شده، طی این بازه زمانی مذکور، از ۲۵۱ هزار و ۲۸۰ پایان‌نامه و رساله ثبت شده، ۲ هزار و ۷۱۴ پارسا (۱/۰۸ درصد) و از ۱۵۵ هزار و ۲۰۱ پیشنهاد، ۹۱۹ پیشنهاد (۰/۵۹ درصد) تقاضامحور بوده‌اند که این مهم نشان‌دهنده درصد اندک پارساهای تقاضامحور در کشور است.

نکته قابل توجه درباره پارساهای تقاضامحور این است که برخلاف تصور، گروه آزمایشی علوم انسانی توانسته است بیشترین آمار پارساهای تقاضامحور را به‌خود اختصاص دهد؛ مسئله‌ای که با توجه به ماهیت این‌گونه پارساها، به نظر می‌رسد بیشتر باید در گروه فنی و مهندسی شاهد آن باشیم تا علوم انسانی. از آبان ۱۳۹۵ تا پایان سال ۱۳۹۹، از کل پارساهای تقاضامحور، در گروه علوم انسانی ۳۷/۴۰ درصد، گروه علوم پایه ۱۲/۷۱ درصد، فنی و مهندسی ۳۰/۲۱ درصد، علوم پزشکی ۱/۵۱ درصد، هنر ۶/۳۰ درصد، کشاورزی ۱۱/۵۳ درصد و دامپزشکی ۰/۳۳ درصد پارساها تقاضامحور بوده‌اند.

وضعیت پیشنهاددهای تقاضامحور نیز در گروه علوم انسانی به مراتب بیشتر از دیگر گروه‌های آزمایشی است. در همین بازه زمانی شمار پیشنهاددهای تقاضامحور در گروه علوم انسانی ۳۶۹، در علوم پایه ۱۱۴، فنی و مهندسی ۲۴۵، علوم پزشکی ۷، هنر ۷۴، کشاورزی ۱۰۵ و دامپزشکی ۵ بوده‌است.



نمودار ۱. درصد پارسای تقاضامحور به تفکیک از کل پارساهای آن مؤسسه [۳]

مراحل اخذ پارسای مسئلهمحور

در ابتدا لازم است موضوع کلی توسط استاد راهنما و دانشجو و با پیگیری از سازمان بیرونی (سازمان تأمین کننده اعتبار پژوهشی) مشخص، سپس مراحل زیر طی شود:

۱. تنظیم قرارداد با ارگان و سازمان مربوط براساس اولویتهای تحقیق؛
۲. طرح در جلسه و تصویب گروه و ارسال به حوزه پژوهشی؛
۳. ثبت پیشنهاد در سیستم گلستان براساس پارساهای مسئلهمحور؛
۴. انجام پارسا در دوره مشخص؛
۵. دریافت تأییده نهایی از ارگان و سازمان مربوط مبنی بر حسن انجام کار و نتایج به دست آمده؛
۶. ارسال مدارک به حوزه پژوهشی دانشگاه و دفتر ارتباط با صنعت و بررسی مستندات توسط آنها [۴].

موانع ساختاری توسعه بخش کشاورزی و پارساهای تقاضامحور

ضعف خدمات زیربنایی در بخش کشاورزی، یکی از موانع پیشرفت بخش کشاورزی است. کسب و کار و سرمایه‌گذاری در محیطی که فاقد استانداردهای لازم در این زمینه باشد، حتی با فرض وجود قوانین مناسب و امنیت حقوق مالکیت و ثبات سیاسی، چندان نتیجه‌بخش نیست [۵]. ناآشنا بودن با تکنولوژی روز و استفاده از شیوه‌های سنتی به جای روش‌های علمی، مانع دیگری برای ارتقای بهره‌وری بخش کشاورزی است. نقش تکنولوژی‌های نوین در بهبود و ایجاد ارزش افزوده بالاتر در تولید، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ از این رو مطالعات دانشجویان تحصیلات تکمیلی اقتصاد کشاورزی در زمینه نقش خدمات زیربنایی بخش کشاورزی، نیاز سنجی، موانع، محدودیت‌ها و راهبردها در این زمینه می‌تواند نقش مؤثری در برنامه‌ریزی در جهت توسعه کشاورزی داشته باشد.

ضعف بازاریابی و مدیریت بازار محصولات کشاورزی، مانعی مهم در توسعه بخش کشاورزی استان سیستان و بلوچستان و کشور است و تحقیق و پژوهش در این زمینه می‌تواند نقش مهمی در رفع موانع رشد بخش کشاورزی و ثروت‌آفرینی ایفا کند. لازم است پیش از هرگونه اقدامی برای تولید و همچنین سیاست‌گذاری ساختار کلی بازاریابی، محصول مربوط شناسایی و برای تحقق اهداف موردنظر برنامه‌ریزی کرد [۶].

موانع تأمین مالی بخش کشاورزی و ضعف مالی کشاورزان، مانع مهمی برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی است. راهکارهای تأمین منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری، زمینه مناسبی برای پژوهش و هدایت پارساهای تقاضامحور است.

مقیاس‌های کوچک تولید در بخش کشاورزی و کوچک شدن اراضی کشاورزی، پیامد منفی اقتصادی و سیاسی زیادی به دنبال دارد که از جمله آن‌ها نبود امکانات مدیریت و برنامه‌ریزی درست برای کاهش مصرف آب و انرژی و استفاده بهینه از خاک، نیروی انسانی و ماشین‌آلات است که در نهایت منجر به افزایش هزینه تولید و جلوگیری از تولید محصول با کیفیت مطلوب و استاندارد می‌شود.

مطالعات مربوط به دلایل عدم سودآوری مناسب تولید محصولات کشاورزی و بیان راهکارها نیز می‌تواند زمینه ای برای تحقیق دانشجویان رشته اقتصاد کشاورزی باشد. کمبود آب به عنوان یک بحران جدی محسوب می‌شود و بخش کشاورزی در کشور ما، مصرف‌کننده اصلی آب است و توجه به آن ضروری است. مطالعات دانشگاهی در زمینه مدیریت پایدار منابع آب می‌تواند در برنامه‌ریزی پایدار منابع آب مؤثر باشد. شیوه‌های نادرست مدیریتی در بخش کشاورزی و در سطح خرد مزرعه، منجر به هدر رفتن منابع و نهاده‌های تولید می‌شود که مدیریت مؤثر، تولید و بازده بیشتری به همراه دارد. به طور کلی مطالعات اقتصاد کشاورزی در زمینه روش‌های بهینه مدیریت منابع و تولید می‌تواند به توسعه بخش کشاورزی کمک کند.

موانع نهادی توسعه بخش کشاورزی و پارساهای تقاضامحور

امنیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و مسائل امنیتی استان سیستان و بلوچستان، غلبه مشاغل کاذب مانند قاچاق سوخت و سایر موارد، ضعف ساختار اداری، قوانین و مقررات و بی‌ثباتی آن‌ها و پیش‌بینی‌پذیر نبودن آینده

قیمت و محدودیت‌های تولید محصولات کشاورزی، ضعف سلامت اداری و سایر موانع بر سر راه توسعه بخش کشاورزی ضرورت پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی را بیشتر کرده‌است.

ناآشنایی کشاورزان و حتی کارشناسان کشاورزی با پتانسیل‌های استان، نشان‌دهنده ضرورت پژوهش در زمینه نحوه ارتقای سطح دانش و مهارت‌های کشاورزان است و در توسعه کشاورزی می‌تواند مؤثر باشد [۷]. وجود مخاطرات طبیعی و غیرطبیعی فعالیت‌های کشاورزی باعث شده‌است که تولیدکنندگان محصولات کشاورزی با شرایط نامطمئنی روبه‌رو باشند و در نتیجه آن، درآمد آن‌ها از تولیدات کشاورزی با بی‌ثباتی همراه باشد. مطالعات مدیریت ریسک در بخش کشاورزی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مطالعه در زمینه اعتقادات مذهبی و باورهای فرهنگی و نقش آن‌ها در توسعه و رشد کشاورزی استان نیز زمینه مطالعاتی دیگری است.

چالش‌های موجود در اخذ پارساهای مسئله‌محور در حوزه کشاورزی

- عدم تخصیص اعتبار به پارساهای تقاضامحور توسط دستگاه‌های اجرایی همانند وزرات جهاد کشاورزی، اداره محیط زیست و شرکت‌های آب منطقه‌ای و...؛
- صوری بودن عناوین اولویت‌های پژوهشی اعلام شده به دانشگاه‌ها و بی‌توجهی به نیازهای اولویت‌دار بخش اقتصاد کشاورزی؛
- زمان نامناسب اعلام اولویت‌های پژوهشی در قالب پارسای تقاضامحور؛
- انتظار به نتیجه رسیدن تحقیقات در زمان کوتاه در بخش کشاورزی و محیط زیست؛
- تغییر انتظارات از نقش دانشگاه در ارتباط با تعامل بیشتر با محیط و صنایع کشاورزی؛
- کاهش حمایت‌های مالی در دانشگاه و ارگان‌های مربوط به بخش کشاورزی و محیط زیست؛
- کاهش بودجه‌های پژوهشی در دانشگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط با حوزه بخش کشاورزی و محیط زیست؛
- نبود نظام مشخصی برای تعریف نیازهای پژوهشی وزارت جهاد کشاورزی؛
- عدم اعتباردهی پژوهشی کافی در وزارت جهاد کشاورزی، سازمان محیط زیست و دیگر سازمان‌های مرتبط با آن.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، ریل‌گذاری برای جهت‌گیری پژوهش‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی برای حل مسائل و مشکلات کشور در حوزه بخش کشاورزی و اقتصادی، می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. حلقه مفقوده ارتباط صنعت و جامعه کشاورزی، درواقع بخش کاربردی کردن نتایج تحقیقات دانشگاهی و علمی به صورت ملموس در بخش صنعتی و به طور خاص در جامعه کشاورزی است. در این میان، پارساهای تقاضامحور توانسته‌اند ارتباط نوینی در این زمینه آغاز کنند. هر چند در ابتدای این مسیر قرار داریم، اما با رشد و شکوفایی و حل مشکلات بروکراسی و اداری و بعضاً مالی در وزارتخانه‌ای همانند وزارت جهاد کشاورزی و سازمان محیط زیست، می‌توان به پیشبرد این هدف کمک شایانی کرد. نکته قابل توجه در این زمینه این است که این ارتباط می‌بایست دوطرفه باشد؛ به طوری که علاوه بر اینکه جامعه و صنعت کشاورزی نیازمند تحقیقات و پژوهش‌های دانشگاهی و علمی است، از طرف مقابل دانشگاه نیز می‌بایست براساس نیازها و اولویت‌های موجود و معضلات بخش صنعت و جامعه در حوزه بخش کشاورزی حرکت کرده و تحقیقات خود را تعریف و تدوین کند؛ از این رو در این راستا پیشنهادهای زیر قابل ارائه است:

- اعمال تشویقی برای استادان فعال در این حوزه و قرارداد امتیاز خاص در خصوص ترفیع و ارتقای مرتبه آن‌ها؛
- ایفای نقش پررنگ‌تر سیاست‌گذاری در کارگروه‌های مختلف پژوهش و فناوری در سطح استانی و کشوری در حوزه بخش کشاورزی و محیط زیست؛
- اطلاع‌رسانی نیازهای تحقیقاتی وزارت جهاد کشاورزی و محیط زیست در قالب پایان‌نامه و رساله‌های تحصیلات تکمیلی در یک سیستم یکپارچه مشترک بین دانشگاه و صنعت؛
- هماهنگی دانشگاه و سازمان‌های جهاد کشاورزی و محیط زیست از طریق برگزاری جلسات متعدد و برقراری ارتباط یکپارچه با این سازمان‌ها در جهت تسریع در تصویب فرایند دریافت و انجام پارسای تقاضامحور؛
- حمایت مالی دانشجویان و استادان توسط دانشگاه در جهت ایجاد انگیزه به آن‌ها؛
- تقدیر از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های برتر در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در هر دو وزارت خانه علوم و جهاد کشاورزی.

منابع

- [۱] حوزه معاونت آموزشی، گزارش‌های دستورالعمل آموزشی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۴۰۰.
- [۲] گزارش خبرگزاری آنا <https://www.ana.press/news/605412>
- [۳] پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، گزارش‌های وبسایت ایران‌داک، ۱۳۹۹.
- [۴] حوزه پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان، گزارش‌های دفتر ارتباط با صنعت، ۱۴۰۰.
- [۵] حسین‌زاده بحرینی م.ح. ملک‌الساداتی س. موانع نهادی سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در ایران، پژوهش‌نامه بازرگانی. ۱۳۹۰؛ ۱۵(۵۹): ۲۵-۵۵.
- [۶] کاظم‌نژاد م. جیران ع. کیانی‌راد ع. گیلان‌پور ا. مستوفی س. گزارش نهایی پروژه بازاریابی محصولات کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. ۱۳۸۳.
- [۷] خنجری س. کرباسی ع. صبوحی صابونی م. بررسی اثر کارشناسان ترویج بر کارایی تولیدات گلخانه‌ای سیستان، هشتمین همایش دوسالانه اقتصاد کشاورزی ایران، کشاورزی پایدار و امنیت غذایی، سیاست‌ها و راهبردها. ۱۳۸۷.

انجام کاوش‌های باستان‌شناسی نجات‌بخشی در قالب پارساهای تقاضامحور

سعدی سعیدیان*

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

به دلیل فعالیت‌های عمرانی و پروژه‌های بزرگ ساخت‌وساز دستگاه‌ها و نهادهای دولتی چون وزارت نیرو، وزارت راه و شهرسازی، سازمان جهاد کشاورزی و... هر ساله تعداد زیادی از آثار فرهنگی و محوطه‌های باستانی کشور در معرض آسیب و تخریب جزئی یا کامل قرار می‌گیرند. وظیفه شناسایی و حفاری این مکان‌های فرهنگی ارزشمند و استخراج اطلاعات و داده‌های آن‌ها قبل از تخریب، بر عهده وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و پژوهشکده‌های وابسته بدان است. در حال حاضر عمده بررسی‌ها و کاوش‌های نجات‌بخشی توسط اعضای هیئت علمی پژوهشکده باستان‌شناسی سرپرستی شده‌است و دانشگاه‌ها و به عبارت بهتر، گروه‌های باستان‌شناسی کشور نقش و سهم چندانی در این پروژه‌ها و فعالیت‌های میدانی ندارند. در مقاله حاضر ضمن تعریف این نوع از فعالیت‌های میدانی باستان‌شناختی و توضیح روند فعلی اجرای این طرح‌ها، پیشنهاد شده‌است وظیفه بررسی و کاوش‌های نجات‌بخشی در قالب پارساهای تقاضامحور به دانشجویان و اعضای هیئت علمی گروه‌های باستان‌شناسی در دانشگاه‌های سراسر کشور واگذار شود؛ چراکه در صورت تحقق این امر، ضمن نجات بخشی آثار فرهنگی در معرض خطر، توانایی‌های عملی و اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان این رشته افزایش می‌یابد و کمیت و کیفیت پژوهش‌های علمی باستان‌شناختی در ایران نیز بهبود پیدا خواهد کرد. همچنین این کار زمینه مناسبی را برای همکاری‌های میان‌رشته‌ای در دانشگاه فراهم کرده‌است و باعث طرح پارساهای تقاضامحور حتی در رشته‌هایی غیر از باستان‌شناسی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: کاوش نجات‌بخشی، باستان‌شناسی، پارسای تقاضامحور، دانشگاه، میراث فرهنگی.

مقدمه

بر کسی پوشیده نیست که یکی از مشکلات اساسی دانشگاه‌های کشور، کاربردی نبودن بخش بزرگی از پژوهش‌هایی است که در قالب مقاله و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری منتشر می‌شوند. رسالت و هدف اصلی دانشگاه، تولید و گسترش علم است، نه اجرای برنامه‌های توسعه کشور؛ اما همواره از این نهاد مهم و تأثیرگذار انتظار می‌رود که در جهت رفع موانع رشد اقتصادی و فرهنگی و شناسایی نیازها و معضلات روز جامعه در کنار سایر نهادهای قانون‌گذار و مجری توسعه کشور گام بردارد.

* نویسنده مسئول: sadi.saeedyan@lihu.usb.ac.ir

با وجود ظرفیت بالای پژوهش‌های دانشگاهی در رشد اقتصادی و فرهنگی کشور، موضوع بسیاری از پایان‌نامه‌ها متناسب با نیازهای کنونی جامعه تعیین نشده و بدون راهکارهای علمی و عملی در جهت رفع چالش‌ها و مشکلات بخش‌های مختلف جامعه و توسعه کشور است. این در حالی است که رساله‌های دانشجویی، خروجی اصلی حضور دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها به‌شمار می‌آید و شایسته است که در راستای نیازهای کشور و جامعه جهت‌دهی شوند؛ از این‌رو وزارت علوم طی چند سال اخیر رویکرد جدی خود را بر تقاضامحور شدن پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی قرار داده‌است؛ چراکه پارساهای تقاضامحور، بیشتر و بهتر از پارساهای نظری، تقاضاهای اجتماعی و اقتصادی و نیازهای کشور را پوشش می‌دهند. پارساهای رشته باستان‌شناسی به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم انسانی نیز با مشکلات پیش‌گفته، روبه‌رو هستند و سهم رشته باستان‌شناسی از پارساهای تقاضامحور کشور بسیار ناچیز بوده‌است؛ درحالی‌که با تقاضامحور کردن پارساهای این رشته می‌توان ارتباط ضعیف و شکننده جامعه باستان‌شناسی با بسیاری از نهادهای فرهنگی و اجتماعی کشور را تقویت کرد و دانش‌آموختگان باستان‌شناسی را برای ارتباط بهتر و مؤثرتر با جامعه و صنعت، آموزش داد. یکی از راهکارهای تقاضامحور کردن پارساهای دانشجویان باستان‌شناسی، ارتباط نزدیک‌تر دانشگاه و گروه‌های باستان‌شناسی سراسر کشور با «پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری» و محوّل کردن وظیفه انجام پروژه‌های بررسی و کاوش نجات‌بخشی باستان‌شناسی در سراسر کشور به اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان باستان‌شناسی در قالب پارساهای تقاضامحور است. در ادامه مقاله ضمن تعریف فعالیت‌های باستان‌شناسی نجات‌بخشی، به بررسی مزایای واگذاری این دسته از فعالیت‌های میدانی به دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری باستان‌شناسی در قالب پارساهای تقاضامحور پرداخته می‌شود.

باستان‌شناسی میدانی نجات‌بخشی

باستان‌شناسی، دانش شناخت گذشته و بازسازی فرهنگ جوامع انسانی از طریق بررسی شواهد و آثار مادی و فرهنگی باقی‌مانده از جوامع باستانی است [۱]. به‌همین دلیل باستان‌شناس برای دستیابی به آثار مادی، ملزم به انجام فعالیت‌های میدانی باستان‌شناختی است و باید سطح و زیر زمین را بکاود تا از خلال بررسی آثار مدفون در خاک به بازشناسی فرهنگ‌های باستانی دست یابد. فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسی به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: بررسی باستان‌شناسی (Archaeological Survey) و کاوش/ حفاری باستان‌شناسی (Archaeological Excavation). بررسی باستان‌شناختی عمده‌ترین روش گردآوری اطلاعات در مورد آثار باستانی و میراث فرهنگی یک منطقه جغرافیایی است. در این گونه از فعالیت‌های میدانی باستان‌شناختی، معمولاً تیم پروژه بررسی، به یک منطقه جغرافیایی ازپیش تعیین‌شده اعزام می‌شوند و هدف آن شناسایی مکان‌ها و محوطه‌های باستانی در محدوده بررسی است که این کار از طریق پیمایش کل منطقه و بررسی آثار سطحی موجود بر روی زمین صورت می‌گیرد؛ یعنی در بررسی باستان‌شناسی هیچ‌گونه حفاری و خاک‌برداری انجام نمی‌گیرد و نمونه‌برداری نیز فقط از آثار سطح زمین انجام می‌شود؛ اما هدف از کاوش یا حفاری باستان‌شناختی،

شناخت لایه‌های فرهنگی زیر زمین و دستیابی به آثار مدفون در خاک است و از این‌رو باستان‌شناسان لایه‌های خاک را با دقت می‌کنند و می‌کاوند.

کاوش و بررسی‌های باستان‌شناختی، اهداف و انواع گوناگون دارند که یکی از این موارد، «باستان‌شناسی میدانی نجات‌بخشی» است که هدف از آن حفاظت از آثار و محوطه‌های باستانی در معرض آسیب و کسب بیشترین میزان اطلاعات از این محوطه‌ها، پیش از تخریب کامل آن‌هاست. شتاب آهنگ توسعه در بسیاری از نقاط سراسر جهان و توسعه فعالیت‌های عمرانی، مکانیزه‌شدن کشاورزی، افزایش جمعیت و نیاز به منابع بیشتر و جدیدتر، بسیاری از عناصر میراث باستانی را مورد مخاطره قرار داده‌است؛ به‌همین دلیل است که بسیاری از کشورهای جهان به یک سیاست «نجات آثار باستانی» روی آورده‌اند. این سیاست مبتنی بر حمایت و حفاظت از آثار در معرض خطر و همچنین کاوش مستمر بر روی آثار و محوطه‌هایی است که تخریب آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است [۲].

در کشور ما نیز طی چند دهه اخیر روند توسعه، شتاب گرفته و پروژه‌های عمرانی بسیاری توسط سازمان‌ها و نهادهای مختلف دولتی همچون وزارت نیرو، جهاد کشاورزی، وزارت راه و شهرسازی، اداره آب و فاضلاب، شهرداری‌ها و... با هدف ساخت سد، مسیرها و جاده‌های ارتباطی، لوله‌گذاری و انتقال آب و گاز و... انجام شده است. معمولاً در جریان انجام عملیات عمرانی این دستگاه‌های دولتی، بسیاری از آثار میراث فرهنگی ارزشمند کشور آسیب می‌بینند؛ برای مثال، محوطه‌های باستانی در زیر آب سدهای بزرگ غرق می‌شوند، ماشین‌آلات سنگین راه‌سازی آثار فرهنگی را تخریب می‌کنند و عملیات لوله‌گذاری به مکان‌های میراث فرهنگی آسیب می‌زنند؛ از این‌رو طی سالیان اخیر وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به‌عنوان نهاد متولی حفاظت از میراث فرهنگی کشور، وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های گوناگون کشور را که مجری انجام پروژه‌های عمرانی بزرگ مقیاس هستند، مکلف کرده‌است که قبل از آغاز پروژه‌های عمرانی همچون ساخت سدها، جاده‌ها، خطوط انتقال آب، گاز و... محدوده اجرایی و جزئیات پروژه را به اطلاع «پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری» برسانند. سپس پژوهشگاه میراث فرهنگی تیم‌های مختلف باستان‌شناسی را به محل انجام پروژه و محدوده عملیات عمرانی اعزام می‌کند تا ابتدا آثار باستانی قرار گرفته در محدوده پروژه، شناسایی شوند و سپس مورد حفاری قرار گیرند. به این دسته از فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسان که با هدف نجات آثار یا استخراج حداکثر اطلاعات قبل از تخریب محوطه‌های باستانی انجام می‌گیرد، «بررسی و کاوش نجات‌بخشی» گفته می‌شود.

انجام بررسی و کاوش‌های نجات‌بخشی در قالب پارساهای تقاضامحور

روال کار در بررسی و کاوش‌های نجات‌بخشی طی چند دهه اخیر بدین ترتیب بوده‌است که پس از شناسایی محوطه‌های باستانی و آثار فرهنگی در معرض خطر، نهادهای متولی پروژه‌های عمرانی، طی قراردادی با «پژوهشگاه میراث فرهنگی» موظف خواهند بود که هزینه طرح‌های باستان‌شناسی را تأمین مالی کنند و بودجه بررسی و کاوش‌های نجات‌بخشی را در اختیار این سازمان قرار دهند. پژوهشگاه میراث فرهنگی وظیفه اجرای طرح‌های نجات‌بخشی را به «پژوهشکده باستان‌شناسی» به‌عنوان یکی از پژوهشکده‌های زیرمجموعه خود

می‌سپارد. در نهایت در پژوهشکده باستان‌شناسی مشخص خواهد شد که سرپرستی تیم‌های کاوش یا بررسی را چه کسانی بر عهده خواهند گرفت؛ به‌طور مثال، اگر در محدوده پشت یک سد آبی، ۸ محوطه باستانی در معرض خطر غرق‌شدن وجود داشته‌باشند، ۸ تیم متفاوت هر کدام به سرپرستی یک باستان‌شناس آزموده، با قرارداد مالی معینی به منطقه اعزام خواهند شد. سرپرستی این فعالیت‌های میدانی نجات‌بخشی معمولاً به کارکنان و اعضای هیئت‌علمی پژوهشکده باستان‌شناسی واگذار می‌شود؛ هر چند در مواردی پژوهشگران آزاد یا اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان گروه‌های باستان‌شناسی نیز در جهت سرپرستی و انجام کاوش‌ها در نظر گرفته می‌شوند؛ اما به‌طور کلی سهم و مشارکت افراد خارج از پژوهشکده باستان‌شناسی و به‌ویژه دانشگاه‌های کشور (گروه‌های باستان‌شناسی) بسیار اندک است. این در حالی است که در بسیاری از مناطق دنیا به‌ویژه در کشورهای توسعه یافته، انجام بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی با اهداف مختلف علمی، پژوهشی، آموزشی و نجات‌بخشی، اغلب تحت‌نظر دانشگاه‌ها و موزه‌ها انجام شده‌است و نهادها و اداره‌های دولتی متوالی میراث فرهنگی بیشتر وظیفه نظارتی دارند. این دانشگاه‌ها نه‌تنها در خود کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی بلکه در سایر نقاط جهان نیز هر ساله بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی متعددی را مدیریت می‌کنند.

در کشور ما نیز هیئت‌های باستان‌شناسی خارجی، سرپرستی پروژه‌های میدانی باستان‌شناختی مختلفی را برعهده داشته‌اند که از جمله موفق‌ترین این کاوش‌ها در ایران، می‌توان به پروژه دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا در محوطه حسنلو در آذربایجان غربی [۳] و همچنین پروژه کاوش دانشگاه تورنتوی کانادا در تپه گودین کرمانشاه [۴] اشاره کرد. جالب آنکه برخی از تیم‌های باستان‌شناسی وابسته به دانشگاه‌های خارجی که در ایران کار بررسی و حفاری را به‌دست گرفته‌اند، در قالب پروژه‌های نجات‌بخشی با سازمان میراث فرهنگی ایران همکاری کرده‌اند.

پروژه کاوش‌های نجات‌بخشی دره تنگ بلاغی و سد سیوند در استان فارس از جمله مشهورترین این فعالیت‌های مشترک باستان‌شناختی است که هیئت‌های مختلفی از دانشگاه‌های سوباکوی ژاپن، توپینگن آلمان، بولونیا ایتالیا و دانشگاه ورشو لهستان در آن حضور داشتند [۵]. در کشور ما نیز بایسته است که دانشگاه‌ها نقش پررنگ‌تری در جامعه و صنعت داشته‌باشند. به‌نظر می‌رسد سپردن وظیفه انجام کارهای میدانی نجات‌بخشی در قالب پارساهای تقاضامحور به دانشجویان و استادان گروه‌های باستان‌شناسی سراسر کشور می‌تواند باعث تحولی اساسی در پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران شود و به حفظ و اعتلای میراث فرهنگی کشور کمک کند. در این صورت این امکان برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی و استادان راهنمای آن‌ها فراهم خواهد شد تا با ارائه پیشنهاد علمی و طرح سؤالات و فرضیات مشخص پیش از انجام عملیات میدانی، کار بررسی و کاوش نجات‌بخشی را تبدیل به یک فعالیت پژوهشی بکنند؛ یعنی در کنار نجات‌بخشی آثار فرهنگی، پژوهش‌های علمی نیز مدنظر قرار گیرد. این کار ضمن آنکه هدف و نیاز اصلی نهادهای مجری پروژه‌های عمرانی (وزارت نیرو، راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی و...) و سازمان میراث فرهنگی مبنی بر نجات‌دادن آثار فرهنگی در معرض خطر و استخراج حداکثر اطلاعات از محوطه‌ها قبل از تخریب را برآورده می‌سازد، به تولید و گردش علم باستان‌شناسی

نیز کمک می‌کند و برای دانشگاه‌ها و سازمان میراث فرهنگی و زیرمجموعه‌های آن مفید خواهد بود. دلایل بسیاری برای اثبات این ادعا می‌توان برشمرد: نخست آنکه در حال حاضر، نتیجه بررسی و کاوش‌های نجات‌بخشی که با صرف هزینه و وقت بسیاری انجام می‌شوند، اغلب به صورت گزارش‌های توصیفی چاپ و به پژوهشکده باستان‌شناسی منتقل می‌شوند و به نوعی می‌توان گفت در قفسه‌های کتابخانه این نهاد خاک می‌خورند. دسترسی به این گزارش‌ها برای پژوهشگران و دانشجویان بسیار دشوار بوده است و کمتر کسی از نتایج فعالیت‌های میدانی آگاه می‌شود و به ندرت نتایج حفاری‌ها و بررسی‌های انجام گرفته در قالب مقاله یا کتاب چاپ می‌شوند؛ اما اگر اجرای طرح‌های نجات‌بخشی در قالب پارساهای تقاضامحور به دانشجویان و اعضای هیئت علمی گروه‌های باستان‌شناسی واگذار شود، می‌توان انتظار داشت که آورده‌های علمی بسیاری داشته و در قالب پایان نامه، کتاب و مقالات علمی-پژوهشی منتشر شوند که این مسئله قطعاً باعث اعتلای دانش باستان‌شناسی در کشور خواهد شد.

نکته قابل ذکر دوم آن است که در شرایط کنونی، منافع مالی و اقتصادی تبدیل به یکی از انگیزه‌های اصلی باستان‌شناسان برای پذیرش و انجام کاوش‌ها و بررسی‌های نجات‌بخشی شده است. هدف اصلی این برنامه‌های میدانی در درجه نخست نجات آثار و استخراج اطلاعات است؛ اما به دلیل ماهیت ویژه این فعالیت‌های نجات‌بخشی، از سرپرستان هیئت‌های باستان‌شناسی انتظار چاپ نتایج کاوش به صورت پژوهش‌های علمی مستقل (مقاله، کتاب و...) وجود ندارد و معمولاً نتایج فعالیت‌های میدانی منتشر نمی‌شوند و به همین دلیل آورده مالی و منافع مادی تبدیل به یکی از انگیزه‌های اصلی انجام این نوع کاوش‌ها شده است. این مسئله طبیعتاً تأثیر منفی بر کمیت و کیفیت کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی خواهد داشت و در بعضی موارد حتی ممکن است باعث اهمال و کم‌کاری هیئت‌های باستان‌شناسی با هدف کسب منفعت مادی بیشتر شود؛ اما اگر وظیفه کارهای میدانی نجات‌بخشی به دانشگاه‌ها محول شود و در قالب پارساهای تقاضامحور انجام شود، بدون تردید تمرکز مجریان طرح‌ها (دانشجو و استاد راهنما) بر کسب حداکثر اطلاعات و استخراج بیشتر داده‌ها برای پژوهش خواهد بود و مسائل مادی و مالی به مراتب اهمیت کمتری پیدا خواهند کرد.

طی یک دهه اخیر سالانه به طور میانگین بین ۱۰ تا ۲۰ طرح بررسی و کاوش نجات‌بخشی در کشور صورت گرفته است.^۱ می‌توان تصور کرد که در صورت واگذاری وظیفه انجام این طرح‌ها به دانشگاه‌ها در قالب پارساهای تقاضامحور، تحول بزرگی در عرصه پژوهش‌های باستان‌شناختی کشور رخ خواهد داد. البته این کار مستلزم برقراری روابط نزدیک و هماهنگ بین وزارت میراث فرهنگی و زیرمجموعه‌های آن با دانشگاه‌ها و گروه‌های باستان‌شناسی سراسر کشور است؛ رابطه‌ای که به دلایل مختلفی که از بحث این مقاله خارج است، طی چند دهه اخیر چندان خوب نبوده است.

۱. گفت‌وگوی شفاهی با آقای دکتر حسین عزیزی، مسئول بخش کاوش‌های نجات‌بخشی در پژوهشکده باستان‌شناسی.

در صورتی که این هماهنگی و همبستگی بین وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با دانشگاه‌ها به وجود آید، حتی می‌توان پیشنهاد کرد که در برخی موارد وظیفه انجام طرح‌های مختلف نجات‌بخشی یک منطقه در قالب چندین پایان‌نامه تقاضامحور به یکی از گروه‌های باستان‌شناسی دانشگاه‌های کشور محول شود؛ یعنی به‌طورمثال تمام فعالیت‌های باستان‌شناسی میدانی پشت یک سد بزرگ که معمولاً شامل چندین بررسی و کاوش نجات‌بخشی است، در قالب چندین پارسای تقاضامحور توسط دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی گروه باستان‌شناسی یک دانشگاه انجام شود. از آنجاکه محوطه‌های باستانی موجود در محدوده پروژه‌های عمرانی معمولاً شامل آثاری از دوران پیش از تاریخ، دوران تاریخی و دوران اسلامی هستند و در گروه‌های باستان‌شناسی سراسر کشور نیز دانشجویان و استادان متخصص در هر سه گرایش اصلی باستان‌شناسی یعنی دوران پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی حضور دارند، می‌توان تصور کرد که انجام این کاوش‌ها توسط اعضای یکی از دانشگاه‌های کشور چه فواید علمی ارزشمندی خواهد داشت. در صورت تحقق این امر، هماهنگی بین سرپرستان هیئت‌های کاوش راحت‌تر خواهد بود و نتایج فعالیت میدانی تمام هیئت‌های باستان‌شناسی می‌تواند به‌صورت کتاب منتشر شده و سیمای فرهنگی یک منطقه خاص در طول تاریخ روشن شود.

در پایان این نکته نیز شایان ذکر است که واگذاری طرح‌های باستان‌شناسی نجات‌بخشی به دانشگاه‌ها، نه تنها موضوعات پژوهشی جدید و بکری در اختیار دانشجویان باستان‌شناسی و حتی تاریخ، گردشگری، تاریخ هنر و... قرار می‌دهد؛ بلکه فرصت‌های نوین پژوهشی برای دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی رشته‌های غیر از علوم انسانی از جمله علوم پایه، مهندسی و پزشکی فراهم خواهد کرد. امروزه پژوهش‌های باستان‌شناسی تنها منحصر به روش‌های علوم انسانی و اجتماعی نیست و با ظهور گرایش‌های جدید همچون گیاه باستان‌شناسی، جانور باستان‌شناسی، استخوان‌شناسی باستانی، فلز باستان‌شناسی، انگل باستان‌شناسی، ژنتیک باستان‌شناسی، دیرین اقلیم‌شناسی، زمین باستان‌شناسی و... زمینه برای همکاری‌های میان‌رشته‌ای بین باستان‌شناسان و متخصصان علوم پایه، مهندسی و پزشکی فراهم شده است [۶].

باستان‌شناسان در موارد مختلفی از جمله تاریخ‌گذاری مطلق و سالیابی آزمایشگاهی آثار باستانی، تجزیه عنصری مواد، منشأیابی آثار باستانی، حفاظت و مرمت آثار فرهنگی، بررسی‌های ژئوفیزیکی، سنجش از دور و GIS و... با متخصصان رشته‌های علمی گوناگون همکاری می‌کنند و این همکاری‌های میان‌رشته‌ای باعث پیدایش رشته نوظهور «باستان‌سنجی» در بسیاری از کشورها و از جمله در کشور ما شده است [۷]؛ بنابراین واگذاری حفاری‌های نجات‌بخشی به گروه‌های باستان‌شناسی سراسر کشور، زمینه همکاری‌های میان‌رشته‌ای در دانشگاه را نیز توسعه خواهد داد و می‌تواند باعث افزایش تعداد پارساهای تقاضامحور در رشته‌های شیمی، فیزیک، جغرافیا، مرمت، پزشکی و مهندسی شود.

نتیجه‌گیری

بی‌تردید پیشرفت و توسعه هر کشوری رابطه مستقیمی با سرمایه‌گذاری آن در بخش پژوهش و تحقیقات علمی دارد. دانشگاه‌ها به عنوان مراکز اصلی پژوهش، ضمن تولید علم و دانش که رسالت اصلی آن‌هاست، می‌توانند نیازهای جامعه را شناسایی و در رفع مشکلات و معضلات کشور تأثیرگذار باشند. نگارش پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی به عنوان مهم‌ترین خروجی حضور دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه، امکان تحقق اهداف مذکور را فراهم می‌کند؛ مشروط بر آنکه موضوع پژوهش پارساها مرتبط با نیازها، چالش‌ها و معضلات روز جامعه باشد؛ از این رو طی چند سال اخیر، مسئله پارساهای تقاضامحور یا به عبارتی تقاضامحورشدن پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی مورد توجه قرار گرفته‌است.

رشته باستان‌شناسی تاکنون سهم چندانی در بین پارساهای تقاضامحور کشور نداشته و نتوانسته به نحوی مناسب با جامعه، بخش صنعت و حتی نهادهای فرهنگی کشور ارتباط مفیدی برقرار کند. یکی از راهکارهای تقاضامحورکردن پارساهای دانشجویان باستان‌شناسی، ارتباط نزدیک‌تر و هماهنگی بیشتر دانشگاه‌ها با وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و واگذاری وظیفه انجام برخی پروژه‌های بررسی و حفاری نجات بخشی باستان‌شناسی در سراسر کشور به اعضای هیئت علمی و دانشجویان باستان‌شناسی در قالب پارساهای تقاضامحور است. بررسی و کاوش نجات‌بخشی به آن دسته از فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسی گفته می‌شود که هدف از انجام آن‌ها نجات آثار فرهنگی یا استخراج حداکثر اطلاعات از محوطه‌های باستانی قبل از تخریب آن‌ها به سبب فعالیت‌ها و پروژه‌های عمرانی مانند سدسازی، راه‌سازی، لوله‌گذاری، توسعه کشاورزی، شهرسازی و... است.

در حال حاضر، این بررسی‌ها و حفاری‌های نجات‌بخشی پس از تأمین مالی توسط نهادهای مختلف مانند وزارت نیرو، وزارت راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی و... بیشتر توسط اعضای پژوهشکده باستان‌شناسی وابسته به وزارت میراث فرهنگی انجام می‌شوند؛ اما به نظر می‌رسد با واگذاری این کاوش‌های نجات‌بخشی به دانشجویان و اعضای هیئت علمی گروه‌های باستان‌شناسی دانشگاه‌های سراسر کشور می‌توان شاهد تحولی اساسی در باستان‌شناسی ایران بود. تحقق این امر، ضمن آنکه امکان اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری باستان‌شناسی را افزایش خواهد داد، بلکه باعث بهبود کیفیت فعالیت‌های میدانی و افزایش کمی و کیفی پژوهش‌های علمی باستان‌شناسی در ایران خواهد شد.

همچنین با سپردن مسئولیت حفاری‌های نجات‌بخشی به دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، می‌توان انتظار داشت که زمینه‌های مناسب‌تری برای فعالیت‌های میان‌رشته‌ای بین باستان‌شناسان و متخصصان سایر رشته‌ها، مانند: علوم پایه، مهندسی، پزشکی و جغرافیا فراهم شود و شاهد نگارش پارساهای تقاضامحور براساس داده‌های حاصل از کاوش باستان‌شناختی در رشته‌هایی غیر از باستان‌شناسی نیز باشیم.

منابع

- [۱] دارک ک. مبانی نظری باستان‌شناسی، ترجمه کامیار عبدی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰: ۳.
- [۲] طایفه قهرمانی ن. باستان‌شناسی میدانی (اصول سیستماتیک در کاوش‌ها)، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۹۱: ۲۳.
- [3] Dyson R.H. Hasanlu Tappeh: The Site, Encyclopedia Iranica, Vol. XII, Fasc. 1, 2003: 41-45.
- [4] Gopnik H. Rothman M. On the High Road: The History of Godin Tepe, Iran, Mazda Publication, 2011.
- [۵] شبیری ا. کاوش‌های نجات‌بخشی در باستان‌شناسی ایران: پژوهش در دره بلاغی، در مجموعه مقالات ۸۰ سال باستان‌شناسی ایران، جلد اول، به کوشش یوسف حسن‌زاده و سیما میری، تهران: نشر پازینه، ۱۳۹۱: ۱۷۱-۱۸۹.
- [۶] عبدی ک. باستان‌شناسی و علوم باستان‌شناسی، در باستان پژوه: مجموعه مقالات نشست‌های انجمن علمی دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه تهران، به کوشش مرتضی خانی‌پور و رضا ناصری، انتشارات اریارمنه، ۱۳۹۶: ۲۳۳-۲۴۸.
- [۷] امامی. م. باستان‌سنجی؛ پلی میان علوم طبیعی و مهندسی با باستان‌شناسی، پژوهش باستان‌سنجی. ۱۳۹۴؛ ۱(۲): ۷۵-۸۲.

رهیافتی بر مسئله پارساهای تقاضامحور دانشجویان رشته تاریخ در حوزه گردشگری و اشتغال

علیرضا سلیمانزاده*

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

در عصر حاضر، آموزش‌های مهارتی اهمیت چشمگیری یافته و میان مهارت‌آموزی و کسب شغل نیز ارتباط فزاینده‌ای برقرار شده‌است؛ از این رو وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با طرح این موضوع و تربیت نسل جدید با محوریت آموزش‌های مهارتی، سعی در تعریف مأموریت‌های جدیدی برای دانشگاه‌ها کرده‌است. دانشگاه‌ها نیز مطابق با همین رسالت تعریف‌شده، سعی در توسعه آموزش‌های مهارتی منطبق با دروس و سرفصل‌های جدید خواهند کرد. در این مقاله، دلایل اهمیت آموزش‌های مهارتی در زمینه اشتغال‌پذیری و همچنین نحوه هدایت دانشجویان رشته تاریخ به سمت پارساهای تقاضامحور در عرصه گردشگری به صورت مقدماتی، مسیر چگونگی رسیدن به این آموزش‌ها و سهم آموزش‌ها و پارساها در اشتغال‌پذیری دانشجویان آن رشته بررسی شده‌است. روش تحقیق در این مقاله، روش کیفی مبتنی بر آینده یا آینده‌پژوهی است. نتایج این تحقیق نشان از این دارد که رشته تاریخ و سایر رشته‌های علوم انسانی چاره‌ای جز دگردیسی ندارند و این امر بدون حمایت دولت و ارگان‌های مربوط یا سوق دادن دانشجویان به سمت تحقیقات میدانی در قالب پارساهای تقاضامحور ممکن نخواهد بود؛ به عبارتی دیگر، دستاورد تحقیق حاضر حکایت از لزوم تلاش برنامه‌ریزی‌شده در سطح کلان برای رشته‌های مختلف داشته و ثمره این مهارت‌ها با زمینه‌چینی از سطح بالا و مطابق با اصول قانون اساسی در زمینه حمایت از اشتغال میسر خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: وزارت علوم، دانشگاه، علوم انسانی، رشته تاریخ، پارسای تقاضامحور، اشتغال، گردشگری.

مقدمه

مطابق با پیش‌بینی‌های افراد حاذق و خبره بین‌المللی، در قرن حاضر صنعت گردشگری آن‌چنان رونق و جهشی پیدا خواهد کرد که به بزرگ‌ترین کارفرما و صاحب‌کار دنیای مدرن تبدیل خواهد شد [۱]. سازمان جهانی گردشگری، که وابسته به سازمان ملل است، گردشگری را بزرگ‌ترین صنعت فعال در سطح جهان معرفی کرده‌است. به عنوان یک مکانیسم غالب در جهان در حال جهانی‌شدن، گردشگری به عنوان یک متغیر تأثیرگذار و تأثیرپذیر نسبت به تمامی ابعاد زندگی در جامعه مدرن موردپذیرش قرار می‌گیرد [۲].

* نویسنده مسئول: Soleymanzade@lihu.usb.ac.ir

مطالعات نشان داده‌است که هر کشوری می‌تواند در زمینه‌ای خاص، نظر یک طبقه از دیدارکنندگان را جلب کند و آن‌ها را جزو مشتریان جذابیت‌های خاص خود قرار بدهد. بدین ترتیب، تقریباً کلیه جوامع می‌توانند از طریق گردشگری کسب درآمد کنند و امکانات لازم برای گردشگری در هر کشوری، به‌گونه‌ای خاص مهیاست [۳]. سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی کشور ما نیز باید به‌گونه‌ای باشد که اقتصاد گردشگری به یکی از ارکان اصلی اشتغال‌زایی کشور تبدیل شود. تردیدی نیست که گردشگری یکی از منابع بسیار بزرگ عایدات بخش‌های اقتصادی اغلب حکومت‌هاست و یکی از نویدبخش‌ترین عرصه‌ها در زمینه توسعه اشتغال‌زایی برای رشته‌های مختلف دانشگاهی است. اقتصاد گردشگری، میزان مسافرت‌ها و تبعات و اثرات اقتصادی آن‌ها را اعم از مستقیم، غیرمستقیم و القایی (induced) موردسنجش قرار می‌دهد [۴]. از آنجایی که صنعت گردشگری فعالیت اقتصادی چندبُعدی و پردامنه‌ای است که شامل صدها بنگاه اقتصادی خرد و کلان می‌شود [۵]؛ از این‌رو ازجمله مزایای بزرگ این صنعت، گستردگی و تنوع زمینه‌های اشتغال مستقیم و غیرمستقیم برای افراد در عرصه‌های مختلف است. فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف دانشگاهی از قبیل باستان‌شناسی، تاریخ، علوم اجتماعی و نیز افراد غیردانشگاهی (کارگران ساده و ماهر) می‌توانند در زمینه اشتغال، در این صنعت به نقش‌آفرینی گسترده‌ای بپردازند. گردشگری را می‌توان به‌مثابه نهادی در نظر گرفت که میلیون‌ها برهم‌کنش در آن صورت می‌گیرد و انبوهی از میلیون‌ها نفر انسان، خود را بخشی از بدنه آن احساس می‌کنند. به‌دلیل میراث فرهنگی غنی کشورمان، دانشگاهیان و فارغ‌التحصیلان رشته تاریخ می‌توانند امیدوار باشند که سهمی از صنعت گردشگری به اشتغال این قشر اختصاص بیابد. توسعه صنعت گردشگری در هر منطقه به نگهداری آثار باستانی و ابنیه تاریخی و جاذبه‌های طبیعی آن شهر منجر خواهد شد. زمانی که جوامع محلی (ساکنان روستا یا شهر) متوجه شدند که آثار باستانی یا جاذبه‌های طبیعی منطقه‌شان عامل درآمدزایی به‌شمار می‌رود، در حفظ و مرمت آن آثار خواهند کوشید و بدین ترتیب منابع ملی و طبیعی بدون صرف هزینه چندانی حفظ خواهد شد.

در کشور ما رسالت‌های آموزشی ازجمله ارائه آموزش رایگان، فعالیت‌های تحقیقاتی حیاتی برای توسعه اقتصادی، حفظ راهبردی موقعیت علمی و سطح فناوریانه کشور در عرصه بین‌المللی، ارتقای سطح دانش داخلی، پاسخگویی به تقاضا برای امر آموزش، اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و نظایر آن عمدتاً بر دوش دولت است و حمایت و کنترل اجتناب‌ناپذیر دولت را می‌طلبد. این رسالت نیز براساس اصل ۳۰ و اصول دیگر قانون اساسی تعریف شده‌است. مطابق با چنین رسالتی، وزارت علوم در رابطه با توسعه مهارت‌های دانشجویان رشته‌های مختلف ازجمله رشته تاریخ در جهت اشتغال در نهادها و مراکز مختلف باید اقدامات سازنده‌ای انجام دهد؛ به‌عنوان مثال، نمی‌توان انکار کرد که نهادهای مختلف وظیفه دارند در جهت اشتغال دانشجویان رشته‌های مختلف در حوزه‌هایی همچون گردشگری نیز آموزش‌ها و اقدام‌های مقدماتی لازم دانشگاهی را ارائه بدهند. این آموزش‌ها نیز بایستی منطبق با نقشه راه تعیین‌شده توسط متخصصان خبره رشته تاریخ، مشارکت دلسوزانه آنان و با تعریف واحدهای عملی از سوی آنان انجام پذیرد. از آنجایی که در واحدهای درسی کنونی رشته تاریخ، چندان به مقوله گردشگری پرداخته نشده، پارساهای تقاضامحور یکی از فرصت‌هایی است که استادان رشته تاریخ می‌توانند دانشجویان خود را به آن سمت هدایت کنند. در اثنای نگارش پایان‌نامه، دانشجویان موفق

خواهند شد تا مهارت‌های خود را در رشته خویش به صورت میدانی افزایش دهند. با افزایش مهارت‌ها، دولت می‌تواند شرایط را برای اشتغال این دسته از دانشجویان در بخش گردشگری - با توجه به کیفیت پروژه‌هایی که دانشجویان انجام داده‌اند - فراهم کند.

دستاوردهای مبتنی بر تجربه جهانی حاکی از این است که بازار گردشگری نتیجه روابط درونی پیچیده میان نهادهای گوناگون درون حاکمیت است و هر کدام از نهادها تأثیر خاص خود را در این زمینه باقی می‌گذارند که فرایند را برای یک استاد تاریخ یا استادان هر رشته دیگری در زمینه برنامه‌ریزی در جهت رشد بازار گردشگری پیچیده می‌کند. در این جور زمینه‌ها نمی‌توان به طور سلیقه‌ای رفتار کرد؛ زیرا سلاقی توسط نهادها شکل می‌گیرند و برایشان محدودیت تعیین می‌شود. هر چند استفاده از تجربه دیگر کشورها می‌تواند از بسیاری جهات جذاب باشد؛ اما انتقال صرف قواعد اقتصادی - سیاسی رسمی کشورهای پیشرفته غربی به اقتصادهای در حال توسعه به خصوص در زمینه گردشگری، شرط کافی برای عملکرد مناسب نخواهد بود.

تمرکز پایان‌نامه‌ها بر روی بُعد تاریخی گردشگری

برای نخستین بار فردی به نام «ساموئل پگ» (Samuel Pegge)، در گزارش خود در سال ۱۸۰۰، نوشت که واژه «توریست» به عنوان یک واژه جدید در مورد سیاحان به کار برده می‌شود. پس از آن یک نشریه ورزشی انگلیسی زبان در سال ۱۸۱۱ از واژه «توریسم» استفاده کرد [۶]. براساس لغت‌نامه انگلیسی آکسفورد، واژه توریسم/گردشگری برای نخستین بار در سال ۱۸۱۱ در زبان انگلیسی نمایان شد [۷].

گردشگری انواع مختلفی دارد که شامل گردشگری فرهنگی (تاریخی، هنری، ادبی، خلاق و...)، گردشگری تفریحی (دریایی و ساحلی، ماه‌عسل و...)، گردشگری طبیعت (اکوتوریسم، ژئوتوریسم، گردشگری جنگل‌ها، گردشگری کویر و...)، گردشگری کاری (سفرهای تشویق کاری، شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی و...)، سفرهای ویژه (صنعتی، سیاسی، تلخ یا تاریک)، گردشگری شهری (هنری و موزه‌ای، فستیوالی، شهرهای زیارتگاهی، شهرهای ورزشگاهی و...)، گردشگری مذهبی (عرفانی، تبلیغی، معنویت‌گرا، زیارتی و...)، گردشگری روستایی، گردشگری ورزشی و... است [۸]. با در نظر گرفتن همین گوناگونی گردشگری، استادان رشته‌های مختلف دانشگاهی می‌توانند با برنامه‌ریزی خود در عرصه خاصی از گردشگری، باری از دوش جامعه خویش بردارند و راهکارهای خود را از دید رشته خودشان ارائه دهند و به تعریف سهم و جایگاه فارغ‌التحصیلان رشته خویش در اشتغال و بهبود گردشگری اقدام کنند.

استادان رشته تاریخ نیز از زمره همین دسته افراد هستند. این استادان قادر خواهند بود در بُعد گردشگری فرهنگی [۹] و در مقوله تاریخی آن نقش آفرینی بکنند. همکاری تنگاتنگ استادان محترم رشته تاریخ با سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، مشورت با کارشناسان زبده سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با گردشگری، یکی از راهکارهای بسیار مفیدی است که می‌تواند ما را با خلأهای گوناگون پژوهش‌های راهبردی موجود در عرصه تاریخی گردشگری آشنا بسازد؛ از این رو پارساهای تقاضامحور زیادی در این عرصه قابل تعریف است. ورود دانشجویان به پروژه‌های تحقیقاتی و همکاری رشته‌های مختلف علوم انسانی باعث خواهد شد تا زمینه اشتغال

بخش اعظم فارغ التحصیلان این رشته‌ها در بخش گردشگری فراهم شود. گردشگری تاریخی (Historical tourism) که گردشگری میراث و همچنین «گردشگری میراثی و فرهنگی» (Cultural and Heritage Tourism) بدان اطلاق می‌شود؛ به بازدید از موزه‌ها، اماکن و ابنیه تاریخی و باستانی، کاخ‌ها، یادمان‌های تاریخی، بناهای قدیمی مذهبی، معماری سنتی، مکان‌های مرتبط با وقایع عظیم تاریخی (مثل دشت چالدران و...)، گورستان‌های قدیمی، مجسمه‌ها، کلیساها و نظایر آن می‌پردازد که امروزه بخش عمده‌ای از گردشگری را به خودش اختصاص داده‌است. چنین گردشگرانی به بازدید مکان‌هایی تاریخی می‌روند که یادآور شکوه و عظمت کشورهای باستانی همچون ایران، عراق، یونان و... است. این نوع گردشگری یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین انواع گردشگری است و شاید به جرأت بتوان گفت اصلی‌ترین نقش را در تبلیغ و جذب گردشگران برعهده دارد؛ زیرا آشکارترین و زنده‌ترین اسناد و نشانه‌های وجود تاریخ و تمدن در کشورها محسوب می‌شود.

گردشگران تاریخی به دنبال این هستند که در مورد کشور محل زندگی افراد معروف یا مکان‌هایی که در آن‌ها حوادث بزرگ تاریخی رخ داده‌است، اطلاعاتی به‌دست آورند که درک این گردشگران را از تاریخ یک سرزمین باستانی مثل ایران عمیق‌تر کند. تدوین برنامه گردشگر میراثی موجب رشد و توسعه راهبردی آموزش، حمایت و در نتیجه نجات مکان‌های باستانی و تاریخی و احیای مجدد جوامع محلی خواهد شد؛ بنابراین، آنچه رابطه صنعت گردشگری و میراث فرهنگی را تحکیم می‌بخشد، شناسایی، حفاظت، نگهداری و استفاده بهینه از میراث‌های تاریخی است. بدون شک انهدام و آسیب دیدن بناهای باستانی، مصیبت و فاجعه عظیم و جبران‌ناپذیری برای نسل‌های بعدی به ارمغان خواهد آورد [۱۰].

تعریف پارساهای تقاضامحور با توجه به امکانات استانی

با توجه به ضرورت نیازسنجی اشتغال رشته‌های مختلف علمی در کشور، توسعه گردشگری و توجه به زیرساخت‌های آن با کمک استادان رشته‌های مختلف از جمله رشته تاریخ، یکی از راهکارهای مناسب در جهت ایجاد فرصت‌های مناسب اقتصادی و اشتغال خواهد بود. جذابیت‌های تاریخی، وجود اماکن باستانی و مذهبی منحصربه‌فرد در شهرهای گوناگون ایران، پتانسیل‌های بالایی را در زمینه ایجاد بخش اعظمی از اشتغال و درآمدزایی ملی مهیا خواهد کرد. امروزه استادان رشته تاریخ می‌توانند با توسل به منابع عظیم فرهنگی و اجتماعی کشور و با ارائه راهکارها و دستورالعمل‌های گوناگون، سهمی در توسعه صنعت گردشگری ایفا کنند و جایگاهی را در این صنعت برای دانشجویان رشته خود تعریف کنند.

تعریف پارساهای تقاضامحور با موضوعاتی همچون گردشگری تاریخی نیازمند ایجاد بسترهای مناسب و زیرساخت‌های قبلی است. یکی از اساسی‌ترین این زیرساخت‌ها، ایجاد و طراحی موزه‌های فرهنگی (تاریخی)، یا موزه‌های مردم‌شناسی در شهرها، روستاها یا هر نقطه‌ای در کشور است که دارای جاذبه‌های تاریخی است. البته باید در مورد موزه‌های فرهنگی یا مردم‌شناسی، جایابی مناسبی صورت گیرد. درواقع، پروژه موزه‌سازی نمی‌تواند بدون مطالعه کافی و در هر روستا یا مکان تاریخی نامناسبی پیاده‌سازی شود. پس از فراهم شدن بسترهای مناسب، اعزام دانشجویان تاریخ به نقاط مختلفی که دارای پتانسیل‌های تاریخی است، باید صورت پذیرد. نقش

این دانشجویان در گردآوری عکس‌های قدیمی خانوادگی یا شخصی، تهیه اسناد در زمینه‌هایی همچون لباس محلی، گیوه، حصیر، گلیم، لحاف سنتی، ابزارهای سنگی، سفالی و سایر ابزارهای قدیمی زندگی از دوره صفویه به بعد می‌تواند در این راستا کارگشا باشد. مجموع این داده‌ها و اطلاعاتی که گردآوری می‌شود، باید به موزه‌هایی که از قبل طراحی شده‌اند، منتقل شوند و دانشجویان تاریخ روی آن‌ها کار کنند. این دسته از دانشجویان می‌توانند پروژه خود را در فصول مختلف پایان‌نامه‌ها مورد بررسی قرار دهند.

مجموعه تاریخی «رخت‌شوی خانه» - که در یک منطقه پرتراکم مسکونی در مرکز بافت تاریخی شهر زنجان احداث شده است - یکی از بهترین مدل‌ها در این زمینه است. به نظر می‌رسد می‌توان این‌گونه مجموعه‌های تاریخی را با استفاده از اطلاعات افرادی که یک چنین مجموعه‌هایی را در گذشته در نقاطی از کشور پیاده کرده‌اند، طراحی کرد. دانشجویان تاریخ می‌توانند در قالب چنین پروژه‌هایی، به ایفای نقش بپردازند؛ بدین معنا که با مطالعه فراوان در مورد محل زندگانی خود، مکان‌هایی را که در گذشته کارگاه‌های فرش‌بافی قدیمی، حمام‌های قدیمی، آسیاب‌های آبی و... بوده است، شناسایی کنند و در قالب پایان‌نامه‌هایی به معرفی آن‌ها بپردازند و راهکارهای خود را برای استفاده از این مکان‌ها در توسعه گردشگری عرضه کنند. این دسته از دانشجویان باید نظرات خود را در این باره بنویسند که چگونه می‌توان مجموعه تاریخی همچون حمام گنجعلی خان کرمان را در شهر محل سکونت خودشان پیاده کنند. در مراحل بعدی، این راهکارها به موزه‌های فرهنگی یا سازمان‌های میراث فرهنگی و گردشگری عرضه خواهند شد تا افراد هنرمند به طراحی مجسمه‌های مومی افراد قدیمی، ابزارهای گوناگون دوره‌های مختلف بپردازند تا به معرض نمایش همگان درآید.

تعریف پارساهای تقاضامحور توسط استادان گروه‌های مختلف تاریخ کشور با توجه به شهر محل سکونت آنان می‌تواند متفاوت باشد؛ چراکه شهرهای مختلف سرزمین ایران به دلیل ویژگی‌های فرهنگی گوناگون از بُعد تاریخی و مذهبی دارای جذابیت‌های خاصی هستند که همین موضوع در نقش‌آفرینی شهرهای مختلف و در نتیجه در جلوه‌های جهانگردی و اقتصادی آن‌ها به‌طور مستقیم نقش خواهد داشت. تعاریف خاص و منحصربه‌فرد استادان دانشگاه‌های گوناگون - با توجه به پتانسیل‌های شهر خویش - از گردشگری می‌تواند یک مزیت مهم دربرداشته باشد و آن این است که نقاط قوت و ضعف اجرای طرح‌های مختلف به عرصه عمل آورده خواهد شد و پس از چند سال به یک برنامه واحد کاربردی و جامع منجر خواهد شد؛ اما اگر برنامه دستوری واحدی در این زمینه به اجرا گذارده شود، نفع و تجربه نوین خاصی عاید کشور نخواهد شد.

برنامه‌های توسعه گردشگری با کمک استادان یا کارشناسان رشته تاریخ، باستان‌شناسی و دیگر رشته‌ها می‌تواند جاذبه‌های گردشگری هر منطقه را کشف کند و آن‌ها را به صورت منابع سودآور اقتصادی درآورد. کارشناسان رشته تاریخ با آموزش‌های لازم می‌توانند برنامه‌های فرهنگی را در کنار برنامه‌های فنی توسعه گردشگری پیش ببرند و مردمان جوامع محلی را با امکانات موجود آشنا کنند و آنان را برای جذب گردشگران آماده سازند. بدین ترتیب، با آموزش‌هایی که داده خواهد شد مناطق مختلف کشور رونق می‌گیرند و مناطقی که چندی قبل از نظر گردشگری منزوی و عقب‌مانده بودند، به صورت قطبی برای گردشگری درمی‌آیند و منبع سرشار درآمدی برای جوامع محلی و درعین حال کشور خواهند شد [۱۱].

حتی اگر نظام اسلامی ما بنا به دلایل گوناگون صرفاً درصدد رونق گردشگری خاصی با عنوان «گردشگری اسلامی» باشد، باز هم حوزه علوم انسانی کشور می‌تواند در این زمینه برنامه‌ریزی کند. استان‌های مختلف کشور در زمینه گردشگری اسلامی نیز جاذبه‌های خاص خود را دارند. نه تنها دانشگاه‌ها بلکه دولت‌های مختلفی که در کشور سر کار می‌آیند، وظیفه خطیر «توسعه همه‌جانبه جهانگردی اسلامی کشور» را باید عهده‌دار شوند. پژوهشگران دلایل مختلفی را در زمینه چرایی دخالت مؤثر دولت در بخش گردشگری مطرح ساخته‌اند [۱۲]. دولت موظف است در مقابل افرادی که سعی دارند با اعمال سختگیری‌ها و کنترل‌های سفت‌وسخت بر گردشگران خارجی، آگاهانه یا ناآگاهانه به صنعت گردشگری ضربه وارد کنند و باعث کاهش رونق اقتصادی شوند، ایستادگی کند. همچنین دولت باید مشوق‌هایی در زمینه گردشگری ابلاغ کند [۱۳]. وظیفه دیگر دولت عبارت است از مالیات‌گرفتن، تنظیم مقررات و نیز ارتقای سطح فعالیت گردشگری [۱۴]. بدین ترتیب، کشور خواهد توانست در مقابل فشارها و تحریم‌های خارجی ایستادگی کند. می‌توان جذابیت‌های فرهنگی اقوام مختلف ایرانی را به جهانیان نشان داد و گردشگران داخلی و خارجی را به نقاط مختلف ایران کشاند و حتی در دوران تحریم، ارزآوری و اشتغال‌زایی ایجاد نماید.

جهانگردی اسلامی نیازمند بررسی و تحقیق توسط شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب و حمایت‌های دولتی و بخش خصوصی است و در جهت تقویت هویت دینی و اسلامی مفید و متناسب با فرهنگ، آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه ماست. اهتمام استادان رشته تاریخ در زمینه تربیت نیروهای کارآمد در حوزه گردشگری، دمیدن روح هویت ملی و برجسته‌سازی جنبه‌های اخلاق‌مداری ایرانی-اسلامی، می‌تواند زمینه‌های ایجاد تمدن نوین اسلامی را فراهم کند. توسعه گردشگری اسلامی می‌تواند راهکار مناسبی در جهت نشان‌دادن فرهنگ و تمدن کشورهای اسلامی به جهان باشد و ایران‌هراسی و اسلام‌ستیزی را کاهش دهد و سد محکمی در برابر تحریم و تهدیدات اقتصادی محسوب شود.

کسب مهارت از طریق اجرای پروژه در فضای مجازی

به نظر می‌رسد هدایت پارساهای تقاضامحور در رشته تاریخ به سمت دنیای مجازی نیز می‌تواند برگ برنده خوب دیگری برای اشتغال دانشجویان رشته تاریخ باشد. به کاربردن فناوری اطلاعات در نظام توزیع گردشگری، مهم‌ترین عامل شتاب‌دهنده تلقی می‌شود. این امر باعث دستیابی به موقع گردشگران به تسهیلات، اسکان در اماکن گردشگری در تمامی مراحل توزیع و در هر مقطع زمانی می‌شود. جدول زیر نمونه اطلاعاتی است که قرار است از یک شهر یا روستای تاریخی در فضای مجازی گنجانده شود:

اطلاعات محلی	اطلاعات محیطی، اطلاعات اماکن مسکونی و...
اطلاعات شهری یا روستایی	اطلاعات تاریخی در حوزه گردشگری، اطلاعات تماس، اطلاعات تجاری، اطلاعات اماکن آموزشی، موقعیت کتابخانه‌ها، رویدادها، اطلاعات اتوبوس‌رانی، اطلاعات مناقصه‌ها و...
اطلاعات تفریحی و توریستی	اطلاعات توریستی، اطلاعات پرواز، اطلاعات نمایشگاه‌ها، اطلاعات برنامه‌های تلویزیونی

خدمات تفریحی	تفریح برخط (زندگینامه هنرمندان و ورزشکاران، جورچین و جدول، لطیفه و طنز، جملات بزرگان، داستان کوتاه و...)، موزه برخط.
خدمات ارتباطی	مطبوعات، تبادل اطلاعات، شورای شهر، ارتباط با شهردار، سالن گفتگو و گپ.
جست و جو	ارزیابی مؤسسات غذایی و فروشگاه‌های، پست و خدمات مخابراتی، املاک و مستغلات.
خدمات امنیتی	اطلاعات امنیتی، حوادث و سوانح طبیعی، اطلاعات دادگاه‌ها و محاکم قضایی، پلیس و آتش‌نشانی
خدمات شهری	اشیاء گمشده، اطلاع‌رسانی پرداخت مالیات، صدور مجوز تردد و ترافیک درون‌شهری، بلیت و ارائه بلیت‌های مراسم شهری، پیشنهاد برای درخواست پروژه، فیلم‌برداری و پذیرش کار.

پایان‌نامه‌های تقاضامحور در حوزه گردشگری باید براساس چنین الگوی تقریبی پیش بروند و پس از نگارش، در فضای مجازی پیاده شوند. موضوع شهر الکترونیک در ایران و توسعه آن در مناطق روستایی به پیشنهاد دکتر علی‌اکبر جلالی در سال ۱۳۷۹ طرح شد. اگر دانشجویان رشته تاریخ در تحقیقات خویش بتوانند بین دنیای مجازی و گردشگری ارتباطی برقرار کنند، هم به توسعه یک صنعت در کشور کمک خواهد شد و هم دانشجویان رشته تاریخ آینده گردشگری کشور خود را تضمین خواهند کرد. در این پارساهای تقاضامحور، باید روی موضوع کار شود که کشورهای دیگر چگونه توانسته‌اند با اتکا بر دنیای مجازی، مکان‌هایی که دارای آثار تاریخی است، به دنیای بیرون معرفی کنند. کسب تجربه از تجارب دیگر کشورها، طی کردن مسیر را برای ما راحت خواهد کرد. اعزام دانشجویان دکتری تاریخ به کشورهایی که مقصد اصلی گردشگری است نیز می‌تواند پیشنهاد خوبی در این زمینه باشد. دانشجویان دکتری تاریخ در طی فرصت مطالعاتی، پارسای تقاضامحور خویش را با استفاده از تجارب دیگر کشورها خواهند نگاشت؛ به‌عنوان مثال، نگارش پایان‌نامه‌ای با‌عنوان، «راهبردهای توسعه گردشگری تاریخی در ترکیه با استفاده از فضای مجازی» یک نمونه از این پارساهای تقاضامحور می‌تواند تلقی شود. البته صرف نگاه به خارج نیز نباید ملاک عمل قرار گیرد. در کشور ما نیز استادان زبده‌ای هستند که می‌توانند به‌عنوان استاد راهنمای دوم یا مشاور دانشجویان تاریخ انتخاب شوند. آیا نمی‌توان از یک استاد رشته علوم کامپیوتری - که هم با کامپیوتر آشناست و هم با عرصه تبلیغات - به‌عنوان استاد راهنمای دوم دانشجویان رشته تاریخ استفاده کرد؟ آیا نمی‌توان از یک استاد مردم‌شناسی - که با کار طراحی موزه‌های مردم‌شناسی آشناست - به‌عنوان استاد راهنمای دوم دانشجویان رشته تاریخ استفاده کرد؟ در انتخاب استاد راهنمای دوم از رشته‌های دیگر، بایستی براساس عملکرد و مهارت آن فرد در موضوع مصوب پارسای تقاضامحور عمل شود.

پیش‌شرط همه این مواردی که گفته‌شد، همکاری و حمایت مالی و معنوی سازمان‌های مرتبط با گردشگری در کشور است. این سازمان‌ها بایستی نقشه راه آینده خودشان را به‌صورتی روشن و مشخص طراحی کنند و از دانشگاه برای پیشبرد این راهبرد مشخص خود استفاده کنند. استادان یا دانشجویان رشته تاریخ در مقطع دکتری باید به سراغ این سازمان‌ها بروند و از آنان بخواهند که موضوع رساله‌های تقاضامحور را در اختیار آنان قرار دهند. گروه‌های تاریخ نیز وظیفه دارند بررسی کنند که آیا دانشجوی موردنظر برای اخذ این رساله و پیشبرد

آن فرد مناسبی است یا نه؟ این که موضوع تقاضامحور خوب در نهادهای مرتبط با گردشگری تصویب شود، شرط کافی نیست. باید فردی که قرار است موضوع رساله دکتری تقاضامحور را به پیش ببرد نیز فرد توانمند و مجربی باشد. زیرا ممکن است دانشجویی در پیشبرد موضوعات نظری خوب باشد و یک دانشجوی دیگر برای کار بر روی رساله‌های عملی.

به هر حال، نظام علم و فناوری در سطح جهان از دیرباز و هماهنگ با تغییرات اجتماعی و اقتصادی کشورها در حال تغییر و تحول است. علاوه بر سطح ملی، افراد در سطح فردی نیز متوجه شده‌اند که باید مزیت رقابتی در مسیر شغلی را کسب کنند. افرادی که مهارت خود را افزایش داده‌اند، از فرصت‌های شغلی مطلوب‌تری می‌توانند استفاده کنند. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین اهداف نظام آموزشی در هر کشوری، مهارت‌آموزی نیروی انسانی در راستای رشد و توسعه اقتصادی است. مهم‌ترین هدف دانشگاه، تربیت نیروی انسانی ماهر و شاغل در حوزه‌های خدماتی، صنعتی و... متناسب با اولویت‌های توسعه ملی و نیازهای بازار کار است. باید گفت آموزش تجربه‌ای مبتنی بر یادگیری است و در جهت ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در فرد صورت می‌پذیرد تا آن شخص را به بهبود و یا تغییر نگرش‌ها و سطح توانایی‌ها، توسعه سطح مهارت و دانش قادر سازد و در آینده بهبود عملکرد شغلی افراد را تسهیل ببخشد. انتقال علم و دانش و انطباق آن در شرایط خاص با نیازمندی‌های جامعه، بخشی از وظایف هر علمی است. آموزش، فرایندی مستمر و مداوم است که غایت نهایی آن بالابردن اطلاعات و توانایی‌های علمی و عملی افراد برای انجام وظایف محوله و رشد فردی است. حال سؤالی که پیش می‌آید این است که چه کسانی باید عهده‌دار وظیفه خطیر پیشبرد گروه‌های تاریخ در امر کارآفرینی در دانشگاه‌ها باشند؟ آیا کسانی هستند که بتوانند این کار را انجام دهند؟ با نگاهی به سرفصل‌های جدیدی که قرار است برای گروه‌های تاریخ ارائه شود، متوجه می‌شویم که در برنامه جدید نیز توجه چشمگیری به امر افزایش مهارت‌های عملی دانشجویان رشته تاریخ نشده است. جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم از این قبیل، به نحوی خود را با جامعه پیوند زده‌اند. جامعه‌شناسی با انجام پژوهش‌های میدانی در سطح جامعه سعی دارد به نحوی از مهارت‌های آموزشی خود در حل مشکلات جامعه استفاده کند. اینکه آیا خروجی پژوهش‌های جامعه‌شناسان و مقالات ارائه شده از سوی آنان مفید بوده یا توانسته باری از دوش جامعه بردارد یا نه، موضوع این مقاله نیست؛ اما امری که مهم است این است که آن‌ها خود را وارد بستر جامعه کرده‌اند.

هرچند رشته تاریخ از جهات آموزشی بسیاری سعی کرده است تا اهداف آموزشی خود را مطابق با استانداردهای جهانی پیش ببرد؛ اما متأسفانه رشته تاریخ در امر پژوهشی آنچنان که شایسته است نتوانسته برای بهبود وضعیت آینده خویش در زمینه‌های مهارتی و عملی در سطح جامعه برنامه‌ای ارائه دهد. امری که جامعه‌شناسی و برخی رشته‌های دیگر تا حدودی در آن موفق بوده و توانسته‌اند پروژه‌های مختلف را در سطح جامعه پیاده‌سازی کنند. این در حالی است که رشته تاریخ داعیه‌دار استفاده از تجارب گذشته برای حل مشکلات آینده است. شاید بتوان گفت این امر مربوط به رشته تاریخ در ایران نیست و تقریباً در همه جای دنیا تقریباً چنین امری کمابیش مشاهده می‌شود. شاید با نگاه به جایگاه رشته تاریخ در دوره‌های گذشته، چنین نتیجه‌گیری شود که رشته تاریخ در گذشته نقش پررنگ‌تری نسبت به کل رشته‌های دیگر علوم انسانی در جامعه

ایفا می‌کرده‌است. دلایل این امر نیز مرتبط با ایدئولوژی ملی‌گرایانه حکومت بوده‌است. نمی‌توان انکار کرد که رشته تاریخ با ایفای نقش پررنگ خود -چه مثبت و چه منفی (چه سازنده و چه غیرسازنده)- در جامعه آن زمان، توانسته بود شأن و منزلت عظیمی برای خود دست‌وپا کند و به حل مشکلات زمانه خویش در زمینه‌های تعریف هویت ایرانی بپردازد. نویسندگان این سطور، خواهان این نیستند که تاریخ از بُعد ناسیونالیستی افراطی وارد جامعه شود؛ بلکه معتقدند که تاریخ باید نه تنها از بُعد هویت ایرانی -اسلامی، اندیشه، دمیدن وجدان و روح جمعی و اخلاقی باید وارد عرصه شود؛ بلکه از بُعد کارآفرینی و مهارتی نیز باید وارد کارزار شود و بتواند جایگاه خود را در سطح جامعه ارتقا بخشد.

پوست‌اندازی در واحدهای درسی رشته تاریخ، آن هم به صورت پنج سال یک‌بار، یکی از بهترین راهکارها در این زمینه است تا بتوان ۳۰ درصد از مهارت‌آموزی را در این رشته وارد کرد. منظور از مهارت‌آموزی همان مهارت‌های عملی است نه تئوری. در بُعد تئوریک، در اغلب گروه‌های تاریخ در دانشگاه‌های کشورمان لااقل ده‌ها استاد برجسته شاغل و بازنشسته وجود دارد که نه تنها در سطح کشور بلکه در سطح بین‌المللی جزو بهترین‌ها هستند که تعدادی از آن‌ها سِمَت استادی بر ما داشته‌است و هر چه سن و سال ما بالاتر می‌رود؛ اُبَهِت آن استادان و ارج نظریه‌های آنان در دیدگان ما بیشتر می‌شود.

در عصر حاضر، آموزش یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین تدابیر به‌منظور تجهیز نیروی انسانی سازمان و بهره‌گیری مؤثر از این نیرو به‌شمار می‌رود. نگاه گذشته‌محوری که آموزش را صرفاً متعلق به دوران مدرسه یا دانشگاه می‌داند، به‌طور کامل منسوخ شده‌است. بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه و استخدام نیز می‌توان با یادگیری پیوسته و پایدار، با دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های جامعه جدید سازگار و همراه شد. فرصت‌های مطالعاتی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در جامعه و صنعت و انتخاب مقصد مناسب در این زمینه، یکی از بهترین راهکارها در دانشگاه‌ها برای رسیدن به اهداف متعالی سازمان است. نبود یادگیری و شرکت مستمر در دوره‌های مهارت‌افزایی می‌تواند یکی از مسائل اساسی و حاد هر گروه آموزشی را در دانشگاه‌های مختلف به دنبال داشته‌باشد.

کنکاشی بر مسئله مهارت در دانشگاه

آینده شغلی که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای فارغ‌التحصیلان مقطع لیسانس رشته تاریخ متصور شده، چنین است: اشتغال در وزارت آموزش و پرورش، وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان موزه‌ها، رادیو و تلویزیون، مراکز آرشیوی و اسناد، روزنامه‌ها و مجلات، مراکز تحقیقاتی و سازمان‌های غیردولتی. حال سؤالی که باید از برنامه‌ریزان درسی رشته تاریخ در دوره‌های گذشته پرسیده می‌شد این است که آنان در تعریف دروس، کدام دروس را تعریف کرده‌اند که براساس آن، دانشجوی تاریخ، مهارت عملی کار در رادیو یا تلویزیون را داشته‌باشد؟ دانشجویان رشته تاریخ مطابق با کدام واحدهای درسی، شیوه‌های نویسندگی و مهارت‌آموزی برای کار در روزنامه‌نگاری را یاد گرفته‌اند؟ این سلسله سؤالاتی است که می‌توان از برنامه‌ریزان دروس رشته تاریخ پرسید، اما مجال طرح همه آن‌ها در اینجا نیست. البته این بدان معنا نیست که همه افراد

شاغل در وزارتخانه‌های کشورهای مختلف، دوره‌های تخصصی کار در وزارت خارجه را پشت‌سر گذاشته‌اند. شاید ۸۰ درصد آنان در کشورهای مختلف مدرک تخصصی کار در وزارت خارجه را ندارند. همین درصدها در مورد شاغلان در رادیو و تلویزیون و سایر نهادها نیز صدق می‌کند؛ از این رو، این عقیده که دانشجوی رشته تاریخ را نباید روی همین حساب به وزارت خارجه یا سازمان صداوسیما راه داد، تفکر کاملاً اشتباهی است. در دوره ارشد و دکتری دانشگاه تهران، افرادی در رشته تاریخ مشاهده می‌شدند که بدون اغراق برخی از آن‌ها برای کار در وزارت امور خارجه بسیار مناسب بودند و می‌توانستند به راحتی با خارجی‌ها ارتباط برقرار کنند. در همایش‌های بین‌المللی گروه‌های تاریخ، نمونه کوچکی از همین مهارت‌های برگزارکنندگان همایش‌ها را - که همگی دانشجوی رشته تاریخ بودند - می‌شد در جذب و مدیریت محققان خارجی عیناً دید.

با طرح این مسائل نباید فقط به وجود ضعف در ارائه واحدهای مهارتی در رشته‌های علوم انسانی متمرکز شد و از دیگر رشته‌ها مغفول ماند. نگارنده این مقاله در مقاطع ارشد و دکتری با دانشجویان گوناگون مهندسی هم‌اتاق بوده یا در خوابگاه در اتاق‌هایی کنار آنان زندگی می‌کرده‌است. زمانی که از این دانشجویان در مورد مهارت‌های عملی برای آینده شغلی آنان سوال می‌شد، اغلب اشاره می‌کردند که فاقد واحدهای مهارت‌افزا و یا موضوعات صنعتی در پارساها در رشته خود هستند. در کارگاهی که در زمینه «ارتباط دانشگاه با صنعت» در دانشگاه سیستان بلوچستان برای استادان برگزار شد و یکی از استادان از تهران برگزارکننده کارگاه بود، به صراحت گفته شد که ما در فلان رشته بالاترین میزان مقالات را داریم، ولی یک کیلو مواد شیمیایی در کشور تولید نمی‌کنیم. درست یا نادرست بودن حرف این استاد برای من محرز نشد؛ ولی صحبت‌های ایشان تلنگری برای من بود و تعجب شدید مرا برانگیخت.

منظور از طرح این مسائل آن نیست که برای رشته‌های علوم انسانی اعتبار کسب شود؛ بلکه منظور این است که دلیل این همه غفلت‌های جان‌گسلی که بین دانشگاه و صنعت و جامعه وجود دارد، ریشه‌یابی شود. چنین احساس می‌شود که اغلب رشته‌های دانشگاهی کشور ما دچار نوعی خودبرتربینی و غرور شده‌اند. خودبرتربینی رشته‌ها از این بابت است که هیچ‌کس حاضر نیست نقاط ضعف رشته خود را به صراحت بیان کند تا بلکه چاره‌ای برای کار اندیشیده شود. به هر حال، باید دنبال ردیابی معضلات رشته‌های دانشگاهی بود. باید تمرکز تحقیقات (پایان‌نامه و مقالات) را بر روی عمل‌گرایی و آموزش‌های تخصصی و فنی گذاشت. بسیاری از موضوعاتی که در رشته‌های مختلف روی آن‌ها کار می‌شوند، به لحاظ تحقیقاتی اشباع شده‌اند؛ باید تمرکز پژوهش‌ها را بر روی این مسئله معطوف کرد که نقاط قوت و ضعف گروه‌های مختلف آموزشی دانشگاه‌ها در زمینه‌های مهارتی و اشتغال‌زایی چیست؟ برای درمان مشکل چه کار باید کرد؟ البته باز هم تأکید می‌شود که صرف تمرکز استادان بر روی نقاط ضعف و قوت نیز مسئله اصلی رشته‌های دانشگاهی نیست. مسئله مهمی که نباید از آن غافل شد، اهمیت دادن به تخصص و مهارت‌های مطلوب دانشجویان دانشگاهی در کشور است. این امر که در استخدام افراد صرفاً بر اساس سلاقی گروهی یا فامیلی و نظایر آن عمل شود، کار تخصصی و مهارت‌افزایی بر روی دانشجویان دانشگاه‌ها را کاملاً بی‌اثر و خنثی خواهد کرد. به عبارتی دیگر، لازم است جایگاه انسان آموزش‌دیده و رشدیافته در فرایندهای کلان کشور مشخص باشد و تحقق این موضوع خود مبتنی بر یافتن فصل مشترک بخش آموزش و

بازار است. این عقیده که هر کسی (چه متخصص و چه غیرمتخصص، چه باسواد و چه بی‌سواد) می‌تواند در مؤسسات و سازمان‌های مختلف کار کند، دانشجویان زبده و ماهر را کنار خواهد زد و نتیجه تلاش آنان را برای کسب هرگونه مهارتی چه با گذراندن دروس مهارتی و چه کار بر روی پارساهای تقاضامحور، بی‌اثر خواهد کرد و دلیلی برای زحمت‌کشیدن دانشجویان باقی نخواهد گذاشت. به عبارت ساده‌تر، نباید همه ضعف‌ها را گردن سیستم آموزشی کشور یا استادان زحمت‌کش و بی‌ادعای کشور انداخت و شروع به تخریب و زیرسؤال بردن علم کرد. دانشگاه فقط یکی از صدها حلقه مهارت‌آموزی افراد است.

به عقیده «دالن. جی تیموثی»، برخی دولت‌ها در دنیا بر روند جریان امور تأثیر می‌گذارند و اوضاع را از کنترل دانشگاه‌ها خارج می‌سازند. او در این مورد رشته تاریخ را مثال می‌زند. از نظر وی، نه تنها رشته تاریخ دارای ماهیت سیاسی است، بلکه طراحی میراث فرهنگی برای مصرف مردم نیز به خودی خود یک تلاش سیاسی است. این بدان علت است که همه ابعاد گذشته، به مصرف‌کنندگان میراث فرهنگی بسته‌بندی، تفسیر و فروخته می‌شود؛ بنابراین تصمیمات در این مورد که چه چیزهایی باید از گذشته ارائه شود و چه چیزهایی مصلحت نیست ارائه شود، توسط صاحبان قدرت اتخاذ می‌شود؛ بنابراین استفاده از میراث فرهنگی یک فعالیت کاملاً سیاسی محسوب می‌شود. انتخاب عناصر گذشته که باید در معرض دید عموم قرار گیرند یا اینکه کدام یک بایستی حذف شود، کاملاً در اختیار تصمیم‌گیرندگان و صاحبان قدرت است و تاریخ توسط آنان تفسیر می‌شود. اغلب مواقع حاکمان جوامع در بعضی کشورهای دنیا نسبت به برخی از آثار و بقایای میراث فرهنگی آسوده‌خاطر نیستند یا فکر می‌کنند برایشان در آینده مسئله‌ساز خواهد بود. در برخی موارد آن‌ها به‌طور هدف‌دار قسمتی از تاریخ را حذف می‌کنند؛ به علت اینکه معتقدند که این آثار در آینده می‌تواند از اصول ایدئولوژیک یک گروه شود. در اکثر موارد اتفاقاتی در مورد میراث فرهنگی روی می‌دهد که بیانگر ارجحیت قدرت در جامعه است [۱۵].

مورد دیگری که دست‌وپای استادان را می‌بندد آن است که دانشجویانی که در دانشگاه‌ها به دنبال کسب مهارت‌های عملی چه از طریق گذراندن واحدهای عملی و چه اخذ پارساهای تقاضامحور در جهت اشتغال‌پذیری هستند؛ قبل از هر چیزی دانش‌آموزان سیستم وزارت آموزش و پرورش بوده‌اند یا هستند. از وزارت محترم آموزش و پرورش باید پرسید که آیا این وزارتخانه بر روی مهارت‌های عملی در زمینه اشتغال آینده دانش‌آموزان چاره‌ای اندیشیده است؟ آیا روح و ذهن دانش‌آموزی که از سیستم مدرسه خارج شده و قصد دارد قدم به دانشگاه بگذارد، با مقوله مهارت عجین شده یا کاملاً با این مسئله بیگانه است؟ اگر دانش‌آموزی نخواهد وارد دانشگاه شود، آیا آموزش و پرورش او را مهیای کار در سطح جامعه کرده است؟ نویسنده مقاله حاضر که در مقطع نظام قدیم تحصیل کرده، در چهار سال مقطع دبیرستان، دوره مهارت‌آموزی شغلی را در بانک سپه و در قالب «طرح کاد مدارس» سپری کرد. همه دانش‌آموزان به صورت اجباری مکلف بودند یک روز هفته را سر هر کاری که دوست داشتند، بروند و طرح کاد بگذرانند. متأسفانه «طرح کاد» که یکی از عالمانه‌ترین پروژه‌های در حال اجرا در مدارس کشور بود، یک‌باره و بدون دلیل خاصی جمع شد و به حیات آن خاتمه داده شد. این احساس به جامعه منتقل شد که مدرسه فقط جای حفظ کردن و امتحان دادن است و مهارت‌آموزی ارزش چندانی ندارد. به هر حال، اگر امروزه بتوان مدارس همچون فنی و حرفه‌ای یا برخی مدارس خاص دیگر را در این

زمینه تا حدودی استثنا کرد، دانش‌آموزان مدارس تقریباً بدون مهارت عملی کافی وارد دانشگاه‌ها می‌شوند. البته زیرساخت‌های اغلب مدارس هم ضعیف است. مگر در چند درصد مدارس دولتی استخر آموزش شنا وجود دارد؟ در مورد سایر دروس هم، همین مسئله به نحو دیگری صدق پیدا می‌کند. مگر مدرسه، توانایی مکالمه درس انگلیسی و عربی را در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند؟ مگر مدارس، مجهز به آزمایشگاه‌های زبان یا آزمایشگاه‌های شیمی و... هستند؟ حال فرض نمایید، یک چنین دانش‌آموزی تحویل گروه تاریخ -یا هر گروه دیگری- در دانشگاه شود و از استاد تاریخ انتظار برود که او را وارد کار در عرصه وزارت امور خارجه بکند. یکی از مهارت‌های کار در وزارت خارجه، مکالمه زبان انگلیسی یا زبان عربی و... است که باید دانشجو قبلاً در مدرسه فراگرفته باشد. آیا استاد تاریخ باید روی زبان انگلیسی دانشجو کار کند یا روی مهارت‌های رشته علمی خاص خود؟ بی‌شک هر چه قدر استاد توانمند در دانشگاه داشته‌باشیم، باز هم یک جای دیگر کار خواهد لنگید. در بسیاری از مدارس، معلمی که در درس خاص خودش -به‌عنوان مثال درس ادبیات فارسی- تخصص و مهارت دارد و فاقد هیچ‌گونه مهارت آموزشی برای تدریس زبان انگلیسی است، درس زبان انگلیسی تدریس می‌کند. این مسئله در مورد دروس عربی، زیست‌شناسی و... نیز صدق می‌کند. گاهی مواقع نیز دیده‌شده‌است که معلم ابتدایی در دبیرستان و معلم دبیرستان نیز در مقطع ابتدایی تدریس می‌کند. البته نیازی به شلوغ‌کاری و سیاه‌نمایی در این زمینه نیست. با یک بازدید ساده از مدارس کنونی می‌توان فهمید که چند درصد از واحدهای درسی مدارس دست افراد متخصص یا غیرمتخصص است.

با همه این اوصاف، نمی‌توان در سطح دیگر همه تقصیرات را گردن مدارس، معلمان یا وزارت محترم آموزش پرورش انداخت و یک‌طرفه به قضاوت نشست. منظور از طرح این مباحث درمان ریشه‌ای مشکلات آموزشی کشور است و قصد زیرسؤال بردن این یا آن نیست. حتماً آموزش‌وپرورش‌ها نیز حرف‌هایی برای گفتن دارند که نگاه کردن از آن منظر منجر به ریشه‌یابی مشکلات و معضلات آموزشی در جای دیگر می‌شود. به‌هرحال: ما طلسمی که قضا بسته، ندانیم شکست کاسه و کوزه سر هم بشکانیم که چه [۱۶]

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته‌شد، رشته تاریخ وظیفه خطیری در عرصه گردشگری دارد و آن ورود به تحقیقات میدانی در عرصه گردشگری است. به‌نظر می‌رسد گروه‌های تاریخ خواهند توانست با برنامه‌ریزی منسجم و استانی، با کمک دانشجویان رشته تاریخ -به‌ویژه مقطع دکترای تخصصی- گام‌های بلندی را در اجرای رساله‌های تقاضامحور پیاده کنند. حمایت مالی و معنوی سازمان‌های مختلف از گروه‌های تاریخ و استفاده از تجارب دانشجویان در عرصه عمل، پیش‌شرط هر امری است. باید گفت نظام دانشگاهی از الزامات مهم برای ایجاد مهارت‌های آموزشی ضروری سرمایه انسانی کشور است که موجب افزایش توانایی کسب دانش، مهارت و انجام مطلوب‌تر امور خواهد شد. امروزه ثروت اصلی نظام‌های سیاسی مطلوب دنیا به سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، طبیعی و... تقسیم شده‌است که در این میان، سرمایه‌های انسانی رشدیافته و ماهر از جایگاه بسیار والایی در عرصه‌های مختلف جامعه برخوردار است. رشد کمی و کیفی سرمایه انسانی، نیازمند تعالیم مناسب و روزآمد

است. آموزش با انتقال دادن و بهبودبخشیدن مهارت‌ها و توان شغلی دانشجویان رشته‌های مختلف، می‌تواند به‌طور مستقیم به رشد درآمد ملی نیز کمک کند.

از آنجایی که ستون اصلی هر اقتصادی در دنیا بر آموزش بنا شده‌است و از طریق آموزش و مهارت می‌توان کسب درآمد کرد یا به اشتغال دست‌یافت، دانشگاه‌های مختلف دنیا سعی دارند بین مهارت‌آموزی (از طریق دروس مهارتی در دوره کارشناسی و یا پارساهای تقاضامحور و یا پروژه‌های مشترک صنعت و دانشگاه) و تقاضای بازار کار ارتباطی برقرار کنند. این امر در مورد رشته‌های مختلف علوم انسانی کشور نیز مصداق پیدا می‌کند. درواقع، توسعه مهارت‌های نیروی انسانی رشته‌های مختلف از جمله رشته تاریخ در عرصه گردشگری، ظرفیت مهارتی نیروی کار و اشتغال آنان را در این بخش افزایش خواهد داد و جلوی بیکاری بخش اعظم آنان بخصوص فارغ التحصیلان مقاطع تحصیلات تکمیلی با کار بر روی پارساهای تقاضامحور را خواهد گرفت. گروه‌های مختلف رشته تاریخ کشور، استادان عمل‌گرا و نخبه، با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارتخانه‌های مرتبط با گردشگری خواهند توانست با تعریف پارساهای تقاضا محور و حمایت از آنها، نهایتاً آینده روشنی را در بازار کار گردشگری برای دانشجویان تاریخ کشور تعریف کنند.

منابع

- [۱] بذرافشان م. درآمدی بر صنعت گردشگری؛ تهران: مهکامه، ۱۳۹۴: ۵۵-۴۹.
- [۲] جورج ای. و. هدر م. داندل ج.ر. توسعه گردشگری روستایی (محلی‌گرایی و تغییرات فرهنگی)، ترجمه محمدرضا رضوانی، مهدی رمضان‌زاده لسبویی و محمدامین خراسانی، تهران: مهکامه، ۱۳۹۱: ۱۹.
- [۳] بمانیان م. محمودنژاد ه. مبانی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری روستایی؛ تهران: هله، طحان، ۱۳۸۸: ۲۴.
- [۴] لاندبرگ د. کریشنمورتی ام. مینگ اچ. اقتصاد گردشگری، ترجمه محمدرضا فرزین، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی. ۱۳۸۳: ۴.
- [۵] جی چ. وای. اداردو فایو-سولا. جهانگردی در چشم‌اندازی جامع؛ ترجمه علی پارساییان، محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. ۱۳۹۰: ۴۳۷-۴۱۵.
- بذرافشان م. درآمدی بر صنعت گردشگری؛ تهران: مهکامه. ۱۳۹۴: ۱۳۰-۱۱۴.
- [۶] محلاتی ص. درآمدی بر جهانگردی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۸۰: ۳.
- [7] Krishna Kumari J. Buddhist Monuments: Their Role in the Development of Tourism in Andhra Pradesh; New Dehly, Readworthy Publications. 2013: 19.
- [۸] قاسمی ا. برنامه‌ریزی کالبدی حوزه‌های گردشگری روستایی. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. ۱۳۸۸: ۲۰۱-۱۹۸.
- [9] du Cros H. Mckercher B. Cultural Tourism, London and New York, 2014: 3-12.
- [۱۰] یعقوب‌زاده رحیم. گونه‌شناسی گردشگری ارائه چارچوبی برای تقسیم‌بندی انواع گردشگری؛ تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۹۳: ۲۲۲-۷۶.
- [۱۱] بمانیان م. محمودنژاد ه. مبانی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری روستایی؛ تهران: هله، طحان، ۱۳۸۸: ۲۵.

- [۱۲] جی.چ.وای. اداردو فایو-سولا. جهانگردی در چشم‌اندازی جامع؛ ترجمه علی پارس‌ایمان، محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. ۱۳۹۰: ۳۴۵-۳۵۱.
- [13] Theobald W.F. Global Tourism, Elsevier Inc. 2012: 367-390.
- [۱۴] لاندبرگ د. کریشنامورتی ام. مینگ اچ. اقتصاد گردشگری، ترجمه محمدرضا فرزین، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی. ۱۳۸۳: ۷.
- [۱۵] تیموئی دالن جی. میراث فرهنگی و گردشگری؛ ترجمه دکتر اکبر پورفرج، طاهره آشتیانی، ژاله هاشم‌زاده و منا اکبری، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۹۴: ۱۳۴-۱۳۳.
- [۱۶] شهریار م.ح. گزیده غزلیات شهریار، به‌اهتمام یدالله عاطفی، تهران: نگارستان کتاب: زرین، ۱۳۸۷: غزل شماره ۱۱.

فرصت‌های رشته تاریخ در ایجاد پارساهای تقاضامحور

مریم شیپری*

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

تاریخ به معنای خبر است؛ خبری که راست باشد و همه زندگی بشر را شامل شود. تاریخ حاوی اطلاعات بسیار متنوعی از انسان و حیات اوست و بستری از دانسته‌های گوناگون و طبقه‌بندی‌شده را ارائه می‌دهد که زمینه‌های متنوعی برای تحقیقات فراهم می‌سازد. موضوعاتی که زمان‌مند و مکان‌مند (مثل تاریخ ایران، ۱۱۰۰-۱۳۰۰) هستند و لایه‌بندی‌های متعددی مانند تاریخ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را دربرمی‌گیرند. برخی از این زمینه‌ها که کم نیز نیستند، پتانسیل ایجاد پارساهای تقاضامحور را دارند. از میان فعالیت‌های علمی که در جهان میان بخش‌های تاریخ بسیار رایج است، ارتباط دانشگاه با جامعه از طریق پارساهای تقاضامحور است که توسط نهادهای اجرایی بیرون از دانشگاه‌ها تعریف شده و توسط دانشجویان انجام می‌شوند. در ایران به دلیل موقعیت تاریخی‌ای که دارد، ظرفیت انجام این نوع فعالیت‌ها موجود است؛ اما کمتر به آن پرداخته شده است. یکی از نهادهایی که در این مورد می‌تواند همکار رشته تاریخ باشد، استانداری است. استانداری‌ها، خرد و کلان مسائل هر استانی را زیرنظر دارند و به دانسته‌های علمی درباره مناطق مختلف احتیاج مبرم دارند. مسائلی که بسیاری از آن‌ها ریشه‌های تاریخی دارند و پارساهای تقاضامحور دانشگاهی می‌تواند مسائل ذکرشده اعم از نیاز دانشگاه به انجام پایان‌نامه‌های کاربردی و نیاز استانداری‌ها به دانش‌های متقن و دقیق محلی را پوشش داده و حل کند. این بررسی با طرح این پرسش که دانشجوی بومی رشته تاریخ در هر منطقه چگونه می‌تواند طراح یک پارسای تقاضامحور برای استانداری‌ها و زیرمجموعه‌هایشان باشد، به بررسی راهکارهای آن می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: تاریخ، استانداری، پارسای تقاضامحور، شهرداری.

مقدمه

با اختراع خط، انسان دارای تاریخ شد و به نسبت مکانی که در آن زندگی می‌کرد، از گذشته خود باخبر شد. به مرور قدمت تاریخی، شناسنامه، هویت و نشانه تمدن انسانی شد. هرچه سابقه حضور انسان در کشوری قدیمی‌تر باشد، نشانه‌های هویت و تمدن در او و کشورش بیشتر است؛ بنابراین در تمام جهان تلاش‌های مستمری صورت می‌گیرد که سابقه حضور تمدن خود را طولانی‌تر و قدیمی‌تر نشان داده و اثبات کنند.

به عنوان مثال سابقه وجود یک عبادتگاه یا بازار قدیمی و حتی یک اجاق گلی یا سنگی قدیمی که نشان از حیات و رونق زندگی در روستا و شهری داشته باشد، نکته‌ای بسیار مهم از تمدن در آن منطقه است؛ بنابراین در بسیاری از نقاط جهان بسیار رایج است که شهرداری‌ها و دیگر نهادهای اجرایی ذی‌ربط، شناسایی و استخراج تاریخ محلات را به بخش‌های تاریخ واگذار می‌کنند تا دانشجویان محلی ضمن انجام کار تحقیقاتی خود، اطلاعات دقیق و ذی‌قیمتی را برای آن‌ها تهیه کنند. این مهم درباره ایران نیز ظرفیت بسیار بالایی دارد.

می‌دانیم که متأسفانه عمر آرشیو در ایران بسیار کوتاه است و تنها یک صد سال اخیر را پوشش می‌دهد؛ اما در ایران گنجینه بزرگی از اسناد خانگی و داستان‌های سینه‌به‌سینه، ساختمان‌ها، جاده‌ها و... وجود دارد که به درستی شناخته نشده‌اند. مصاحبه‌های تاریخ شفاهی و ضبط آنچه هنرمندان، کارمندان بازنشسته، تجار و زنان داروشناس محلی و... می‌گویند، گنجینه بسیار ارزشمندی است. در یک مورد، سال ۱۳۵۵ یک مونوگرافی (تک نگاری) از میرجاوه تهیه شده که جزو گنجینه‌های استان سیستان و بلوچستان به حساب می‌آید. این سند که در اختیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران است و پژوهشگران می‌توانند نسخه‌ای از آن را تهیه کنند، اطلاعات بسیار ذی‌قیمتی از این شهر مرزی دارد [۱].

از سوی دیگر بخشی از نیازهای هر جامعه (شهری-روستایی) ریشه در تاریخ آن منطقه دارد و درحقیقت مسائل روز حتماً ریشه‌ای تاریخی دارند. این دو مسئله، یعنی عدم‌شناخت کافی از مناطق مختلف کشور، به نوعی در عدم‌شناخت راه‌حل‌ها برای حل مشکلات روز، به یک دیگر پیوند خورده‌اند که حرکت دانشگاه‌ها به سوی جذب دانشجوی بومی که در مواردی موجب ضعف بوده، در این مورد خاص می‌تواند تبدیل به فرصت شود؛ زیرا هر انسانی ضمن علاقه‌ای که به موطن خود دارد، می‌تواند منبع خیلی خوبی از اطلاعات نیز باشد.

راهبردهای اجرایی

در این مورد باید دانشجو هدایت شود تا مطالعه را بر منطقه خود متمرکز کرده و اطلاعات مردم‌شناختی از خوراک، پوشاک، زبان، معیشت، نوع و تعداد احشام و... را استخراج کرده و سپس یک بازه زمانی را برای آن تعریف کند و مصاحبه‌هایی به شکل تاریخ شفاهی انجام دهد. معمولاً در محیط‌های کوچک، انجام مصاحبه‌های تاریخ شفاهی روایات اقتصادی، فرهنگی از تاریخ سینه‌به‌سینه را منتقل می‌کند که موجب ایجاد طرح مسئله و سؤالات خوبی می‌شود. گاهی راه‌های معیشت مردم که حالا ممکن است از بین رفته باشد یا از آن مهم‌تر راه‌هایی که در زمان‌های سخت مردم به آن‌ها متوسل می‌شده‌اند، در این نوع مصاحبه‌ها مشخص می‌شود. طرح موردنظر با حمایت استاد راهنما تکمیل و تبدیل به یک ایده می‌شود که معلوم می‌کند کدام بخش از تاریخ منطقه را بهتر می‌توان بررسی کرد. معمولاً تاریخ صد سال اخیر یک منطقه، از این طریق شناسایی می‌شود؛ البته بر این مورد اشکالی وارد است و آن نیز اینکه اگر مکان کوچک باشد، امکان فراهم کردن اطلاعات به فراوانی وجود نخواهد داشت. منظور میزان داده‌ای است که تبدیل به طرح پایان‌نامه‌ای شود؛ اما وقتی منطقه از نظر بررسی‌های تاریخی بکر باشد، پس از جست‌وجوهای اولیه (قرون اخیر) باید دانشجو را آموزش داد که در چه منابعی تاریخ منطقه را جست‌وجو کند که می‌تواند از اولین آمارهای سرشماری تا اسناد تاریخی سال‌ها و قرون پیشین را شامل شود. می‌بایست سپس دوره‌ای برای او تعریف کرد که همه جوانب آن منطقه که به آن تعلق دارد را شامل شود و تک‌نگاری بسیار غنی نوشته شود که همه جوانب یک روستا یا شهر را بررسی ریشه‌ای کند.

همچنین باید چند دوره از تاریخ یک منطقه برای چند دانشجوی همان منطقه تعریف کرد و به صورت چند پیشنهاد که یکدیگر را تکمیل می‌کنند، مطرح شوند. این راه نخست است، اما مسیر دوم آن است که طرحی کلی از جانب گروه‌ها تعریف شود، با معاونت‌های فرهنگی استانداری یا شهرداری‌ها در میان گذاشته شود تا آن‌ها در بخش‌های فرهنگی خود بررسی کنند و اگر با آن موافقت شد، در خود گروه‌ها طرح خُرد شود و تبدیل به پایان‌نامه‌های بسته‌ای (دوره‌ای، منطقه‌ای، موضوعی و...) شود. در مورد دوم، منظور این است که پیشنهادها چون بکر هستند، مورد انتشار عمومی قرار نگیرند. بلکه طرح‌های کلی نوشته شوند که محورهای مورد بررسی در آن‌ها معلوم شده باشد و بعد از اعلام موافقت استانداری یا شهرداری در گروه‌ها خُرد و تبدیل به موضوع پایان‌نامه ای شوند. این مهم تغییری در شیوه پرداختن به پایان‌نامه‌ها که معمولاً از ترم دوم شروع می‌شود را می‌طلبد. درحقیقت دانشجو بهتر است در همان ترم اول به مطالعه در این مورد سوق داده شود. چون انجام این نوع کارها زمان بیشتری را می‌طلبد.

چنانکه گفته شد، این نوع طرح‌ها به دلیل گستردگی‌ای که دارند، می‌توانند به صورت بسته‌ای ارائه شوند یا به صورت طرح‌های مستمر؛ چنانکه یک دوره گروه تاریخ دانشگاه اصفهان در قراردادی با شهرداری اصفهان طی بررسی زندگی‌نامه (علمای مدفون در تخت فولاد اصفهان) بود که درنهایت منجر به ایجاد دانشنامه چندجلدی وسیعی شد که حدود نود نفر در آن شرکت داشتند. این پروژه از سال ۱۳۸۲ شروع شد و اولین جلد آن در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسید که به طور کامل منطبق بر طرح‌های تقاضامحور است و به یکی از آثار مهم شناخت اصفهان تبدیل شده است [۲]. درحقیقت این نوع طرح‌ها می‌توانند به صورت تعریف یک دایره المعارف باشد که بخش‌های مختلف آن از سوی نهادهای مختلف اجرایی به گروه‌های تاریخ دانشگاه‌ها واگذار می‌شوند. از میان این نهادها، استانداری یکی از مهم‌ترین‌هاست.

استانداری‌ها مجموعه‌های گسترده‌ای هستند که شهرداری‌ها، فرمانداری‌ها، شورای شهر و روستا را در زیرمجموعه‌های خود پوشش می‌دهند و مسائل ریز و درشت زندگی در هر استانی به نوعی با آن‌ها مرتبط است. انجام پارساهای تقاضامحور از جهات گوناگونی برای استانداری‌ها جذاب هستند. در توجیه این نوع پژوهش‌ها می‌توان به فواید آن‌ها اشاره کرد؛ به عنوان مثال، نخست میزان اطلاعات دقیق و مفیدی از این راه کسب خواهند کرد یا ماندگاری معنوی و تأثیری که این نوع طرح‌ها بر فرهنگ عمومی کشور دارند، برای آن‌ها جذاب است. این نوع طرح‌ها نشان‌دهنده میزان علاقه آن‌ها به کار فرهنگی است و مردم‌شناختی مسئولان وقت را نشان می‌دهد.

استان سیستان و بلوچستان به لحاظ موقعیت تاریخی از دو مسئله مهم برخوردار است؛ اول آنکه در مرز قرار گرفته و بخش بزرگی از خطوط مرز شرقی را شامل می‌شود و دوم به همان نسبت از مرکز کشور فاصله دارد و برای شناخت آن ضروری است که فعالیت‌های علمی مستمری صورت بگیرد.

در مورد همکاری دانشگاه سیستان و بلوچستان و استانداری می‌توان تحقیقات را در سه شاخه زیر دسته بندی کرد:

۱. تاریخ راه‌ها و مسیرهای داخلی و تجاری استان که با توجه به اهمیت موقعیت ترانزیتی استان بسیار مهم است و گذشته‌های بسیار دور را شامل می‌شود، یکی از گزینه‌های مهم برای استانداری‌هاست؛ زیرا در برنامه‌ریزی برای بهبود و ایجاد مسیرهای نو، نیاز به دانش چندجانبه‌ای است که بخشی از آن مربوط به شناخت گذشته می‌باشد.

شود. تقریباً در همه شهرها و روستاهای این استان پهناور، می‌توان راه‌های تاریخی بالارزشی را بررسی کرد که بازسازی و توجه به آن‌ها می‌تواند از ضرورت‌های اجرای استانداردها باشد.

۲. تاریخ بناهای مختلف به‌ویژه در روستاها و شهرهای کوچک که معمولاً مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و جنبه توریستی و بوم‌گردی را افزایش خواهد داد و باز هم مورد نیاز شهرداری‌ها، شوراهای شهر و... است. این نوع شناخت‌ها برای شهرداری‌ها درآمدزا است؛ بنابراین با دانش کلی جمعی که می‌تواند حاصل یک کار پژوهشی دانشگاهی باشد، برای آن‌ها ذی‌قیمت است.

۳. تاریخ پوشاک، خوراک و معیشت و تحولات جمعیتی (مردم‌شناختی) که می‌تواند شامل تغییرات خانه‌ها، خیابان‌ها، مغازه‌ها یا حتی سبک زندگی و تغییرات معیشتی باشد که در طرح‌های ساماندهی مناطق مختلف که استانداری‌ها به آن نیاز فراوانی دارند و می‌توانند بسیار کاربردی باشند. درنهایت نیز پیوندی که با تاریخ ملی ایران عزیز ایجاد می‌شود، در بازشناسی استان به مرکز کشور موثر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

پارساهای تقاضامحور یکی از مهم‌ترین راهکارهای ایجاد ارتباط میان دانشگاه و نهادهای بیرونی، دانشجوی و جامعه هستند. رشته تاریخ از این منظر یکی از مهم‌ترین رشته‌های دانشگاهی است که می‌تواند در خدمت جامعه بوده و ارتباط میان دانشگاه و جامعه را تقویت کند. از میان نهادهای اجرایی، استانداری‌ها یکی از مهم‌ترین‌ها هستند. این نهاد اجرایی که تقریباً همه سیاست‌گذاری‌های شهرداری‌ها، فرمانداری‌ها، شوراهای شهر و روستا را زیر نظر دارد، به لحاظ بررسی‌های تاریخی هم‌نیاز با دانشگاه است؛ یعنی هم استانداری به داده‌های دقیق علمی در مورد مناطق مختلف نیازمند است، هم دانشگاه به انجام این‌گونه پژوهش‌های اجرایی که دانشجوی را برای کار و جامعه آماده می‌سازد احتیاج دارد.

در استان سیستان و بلوچستان نیز این همکاری بسیاری لازم و البته شدنی است. گسترده‌ی جغرافیایی منطقه و مرز نشین بودن آن در موارد بسیاری از نظر تحقیقات تاریخی بکر است. تحقیقاتی که در سه لایه اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی می‌تواند اطلاعات ذی‌قیمتی را ارائه بدهد. دو راه برای اجرایی‌شدن این مسیر که دانشجوی بومی بتواند پارسای تقاضامحور داشته باشد وجود دارد. راه نخست جمع‌آوری اطلاعات (مطالعه پالوت) که هم تخمین میزان اطلاعات را می‌دهد و هم اینکه پیشنهاد خُرد نوشته می‌شود، سپس با استانداری در میان گذاشته می‌شود و پس از پذیرش، دانشجوی اقدام به نگارش می‌کند. آنچه بعدها با انجام چند طرح مشابه می‌تواند تبدیل به یک پروژه کامل شود (به عنوان مثال دایره‌المعارف تاریخی ایران‌شهر که می‌تواند حاصل کار بیش از بیست پایان‌نامه باشد) راه دوم آن است که یک پروژه کلان توسط گروه تهیه شود با استانداری داده شود و پس از پذیرش طرح کلی، گروه آن را خُرد کرده و به نسبت دانشجوی بومی به او پیشنهاد شود. راه دوم از نظر حفظ و حراست از پیشنهادها و عدم انتشار عمومی پیش از انجام کار مفیدتر است؛ اما تهیه اطلاعات اولیه آن را می‌توان با تحقیقات دانشجویی (کلاسی) که مختصرتر هستند و تهیه آن‌ها آسان‌تر است، انجام داد.

منابع

[۱] زند مقدم م. چشم‌انداز اقتصاد و اجتماع میرجاوه، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵.

[۲] مصاحبه با دکتر علی اصغر منتظرالقائم، ایسنا.

بررسی شاخص‌های توسعه پایدار در فرایند پارساهای تقاضامحور

منیژه صانعی طبس*

استاد گروه آمار، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

تحقیق، کوششی درجهت کشف حقایق علمی و اشاعه آن در میان مردم برای پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی و بهره‌مندی از آن است. پژوهش، تأثیر زیادی بر اداره جامعه و بهبود وضع زندگی شهروندان دارد. هرچه مسائل جامعه پیچیده‌تر باشد، لزوم انجام تحقیقات بارزتر خواهد بود و هرچه دامنه تحقیقات گسترده‌تر شود، لزوم سرمایه‌گذاری، تربیت و جلب نیروهای محقق و همچنین ایجاد تشکیلاتی منسجم و پویا به‌منظور برنامه‌ریزی، اداره و جهت‌دادن به فعالیت‌های پژوهشی کشور را حیاتی‌تر می‌کند. توسعه پایدار در یک منطقه با درنظرگرفتن توانایی نیروی انسانی، فناوری و منابع مالی متعلق به آن منطقه و درخور آن می‌تواند تحقق یابد. در این تحقیق ابتدا مفهوم توسعه پایدار بررسی و ابعاد و شاخص‌های اندازه‌گیری آن‌ها ذکر می‌شود و در ادامه راهکارهای افزایش تأثیرپذیری پارساهای تقاضامحور بر توسعه پایدار مطرح می‌شود.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار، پژوهش تقاضامحور، بُعد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی.

مقدمه

عصر جدید را باید عصر شکوفایی تحقیقات علمی نامید؛ به‌طوری‌که پژوهش‌های علمی تا حدی پیشرفت کرده‌اند که باعث توانایی و قدرت فوق‌تصور بشر در حل بسیاری از مشکلات و معضلات جامعه شده‌است. درواقع، ازاین‌رو پژوهشگران و فناوران برای دستیابی کشور به توسعه و رشد اقتصاد دانش‌بنیان، با نگاهی موشکافانه می‌توانند پدیده‌های پیرامون خود را بررسی کنند و با ارائه بهترین راهکارهای عملی، اطلاعات قابل و مطمئنی را برای دیگران ارائه دهند.

زیربنای قدرت و توسعه کشورها را تحقیقات مستدل، علمی و دقیق تشکیل می‌دهند؛ زیرا تحقیق و پژوهش، ضروری‌ترین نیاز هر جامعه‌ای برای قرارگرفتن در مسیر پیشرفت و توسعه تلقی می‌شود؛ ازاین‌رو مدل فعالیت‌های تحقیقاتی و نیز سطح آن‌ها، یکی از معیارهای اصلی توسعه و پیشرفت به‌شمار می‌رود. موفقیت در تمام جوانب توسعه، مانند: کشاورزی، صنعت و خدمات، به طرق مختلف به گسترش فعالیت‌های پژوهشی بستگی دارد. امروزه جوامعی که رسیدن به استقلال ملی و توسعه را در صدر اهداف خود قرار داده‌اند، برای همه برنامه‌ریزی‌های استراتژیک، تحقیق و پژوهش را از مهم‌ترین اولویت‌های خود برمی‌شمارند.

* نویسنده مسئول: manijesanei@math.usb.ac.ir

مردم زمانی به امر مهم پژوهش اعتماد می‌کنند که عملکرد دانشگاه مثبت بوده و میزان پاسخگویی به انتظارات آنان قابل قبول باشد. توانایی کارهای تحقیقاتی در حل مسائل جامعه و همچنین اهمیت و اعتباری که دولت برای دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی کشور قائل است، در سطح این اعتماد تأثیر می‌گذارد. اگر مردم ما از اهمیت انجام کارهای پژوهشی آگاهی کافی نداشته باشند و همچنین جامعه از سازوکار کافی برای مطلع ساختن مردم از ارزش کارهای پژوهشی و نتایج باارزشی که می‌تواند برای آن‌ها به بار آورد، برخوردار نباشد، سطح اعتماد مردم پایین می‌آید.

رشد و توسعه یک کشور، مستقیماً تحت تأثیر پژوهش‌های علمی بوده و چه‌بسا رشد کشورهای توسعه‌یافته در نتیجه سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و پژوهش است. تعدد و فراوانی پژوهش‌های علمی در کشورهای صنعتی، مؤید این مطلب است. کشورهای پیشرفته صنعتی، بخش قابل‌توجهی از تولید ناخالص ملی را به سرمایه‌گذاری در امور پژوهشی و تحقیقاتی اختصاص داده‌اند. به گفته کارشناسان، این رقم برای کشورهای صنعتی ۵ درصد است. حال آنکه در ایران، این رقم به حدود نیم درصد می‌رسد. بی‌شک زیربنای همه برنامه‌ریزی‌ها را باید تحقیق و پژوهش دانست. اگر برنامه‌ریزی فاقد پشتوانه پژوهشی باشد و پیش از آغاز همه جوانبش ارزیابی نشده باشد، اجرای آن قطعاً با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو خواهد شد؛ بنابراین پژوهش به خصوص در تصمیم‌گیری‌های مهم و کلان نقش حیاتی ایفا می‌کند.

بهترین نوع پژوهش و پایان‌نامه، پژوهشی است که تقاضامحور بوده و یک دستگاه یا سازمان یا هر ارگان دیگری متقاضی آن باشد. پژوهشگر باید موضوع پایان‌نامه خود را براساس نیاز کشور و قابل‌اجرا بودن آن در داخل کشور انتخاب کند. پژوهشگران جوان و تحصیل‌کرده که مهم‌ترین سرمایه هر کشور محسوب می‌شوند، می‌بایست به این نکته توجه کنند که زمان و نیرویی که صرف تحقیق می‌کنند، در صورت مفیدبودن باعث پیشرفت و شکوفایی اقتصاد و خودکفایی کشور خواهد شد. بر همین اساس تقاضامحور بودن هر پایان‌نامه، مهم‌ترین ویژگی آن محسوب می‌شود. صورت مسئله مشخص و تعریف شده و پژوهش بر حل آن معطل متمرکز است، نه اینکه بدون هدف و جواب برای مسئله‌ای مبهم باشد. هدف پژوهشگر مشخص و معین است و وی تحقیق علمی خود را با این هدف و مقصد آغاز می‌کند و تأکیدش بر حل این مسئله است و تحقیق به تخصص نیاز دارد. محقق می‌داند درباره مسئله موردنظر چه مفاهیمی شناخته شده و دیگران آن را چگونه کشف کرده‌اند. او باید منابع و مطالب وابسته و نزدیک به موضوع تحقیق را به‌خوبی بررسی کرده و تکنیک‌های لازم برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده را بداند.

مفهوم توسعه پایدار

مفهوم مهمی که در سال‌های اخیر وارد ادبیات توسعه شده است، مفهوم توسعه پایدار است. این مفهوم بر این حقیقت استوار است که سطح استانداردهای اولیه زندگی بشر را بدون دخالت و تصرف بیش از حد در منابع طبیعی با کمترین تغییر و تخریب محیط‌زیست که متعلق به همه انبای بشر است، افزایش دهد [۱]. توسعه پایدار فرایندی است که آینده‌ای مطلوب برای جوامع بشری متصور می‌شود که در آن شرایط زندگی و استفاده از

منابع، بدون آسیب‌رساندن به یکپارچگی، زیبایی و ثبات نظام‌های حیاتی، نیازهای انسان را به‌طور پیوسته برطرف می‌سازد [۲].

توسعه‌ای که از نظر فنی مناسب، از نظر اقتصادی مانا، از نظر زیست‌محیطی غیرمخرب، و از نظر اجتماعی سطحی قابل قبول داشته باشد، را توسعه پایدار می‌نامند. در یک کشور، با در نظر گرفتن منابع مالی متعلق به آن، توانایی نیروی انسانی آن در موضوع بوم‌شناسی و فناوری، توسعه پایدار می‌تواند تحقق یابد و چنان توسعه‌ای فقط در محیطی که ۴ ویژگی مذکور را داشته باشد، پایدار خواهد بود [۳]. از جمله ویژگی‌های توسعه پایدار، در سطح شهرها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: برابری بین نسل‌ها، برابری درون‌نسلی (شامل برابری اجتماعی و شایسته‌سالاری) حفاظت از محیط طبیعی (و زندگی در چارچوب تحمل آن)، استفاده حداقلی از منابع تجدیدنپذیر، بقای اقتصادی و تنوع، جامعه خودکفا، رفاه فردی و رفع نیازهای اساسی جامعه.

توسعه پایدار آمیزه‌ای از تفکر و عمل را مطرح می‌سازد که شیوه مصرف‌گرایانه انسان مدرن را برچسب تعدیل زده، به دنبال رویه‌ای همه‌جانبه می‌گردد. این ایده و طرز تفکر، تنها به دنبال رفع نیازهای بشر امروز نبوده و این حق را برای نسل‌های بعدی نیز قائل می‌شود که آن‌ها را نیز در شیوه و نوع برنامه‌ریزی خود دخالت می‌دهد. توسعه پایدار مبتنی بر چهار بُعد اصلی اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سیاسی است که به گفته بسیاری از کارشناسان، دستیابی به توسعه پایدار در گرو توسعه این ابعاد است؛ به گونه‌ای که با دیدی جامع و کلی بررسی گردد و کارکردهای هر یک نه تنها اثر منفی بر دیگری نمی‌گذارد، بلکه مکمل آن نیز باشد. هرچند این ابعاد به‌طور طبیعی به یکدیگر وابسته بوده و بر عملکرد دیگری تأثیر می‌گذارد، اما لزوم تصمیم‌گیری یکپارچه و مدیریت چگونگی اجرای هر یک از این ابعاد به طوری که بالاترین بازدهی و کیفیت را دربر داشته باشد، ضروری است.

امروزه مفهوم توسعه پایدار به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه مطرح است و از این رو پرداختن به این بحق، هم از نظر آموزشی و هم توسعه، بسیار جدی است [۴]. پیدایش توسعه پایدار را باید نگرش تازه‌ای نسبت به مسائل جهانی محیط زیست و توسعه دانست که تحت تأثیر فرایندهای توسعه انسانی، اقتصادی، مسائل زیست‌محیطی، افزایش جمعیت و تغییرات ساختار سیاسی قرار گرفته است [۵]. امروزه مسائل توسعه پایدار شدیداً دارای مفهوم اجتماعی‌اند و در کل ریشه فرهنگی دارند و به‌منظور پذیرش بافت‌های فرهنگی یک جامعه بایستی به‌صورت ساختاری با موضوع برخورد کرد [۶].

مطالعات گذشته نشان داده‌اند، رشد مهارت‌های اجتماعی در راستای توسعه پایدار عاملی مؤثر محسوب می‌شود. نوروژی و همکاران [۷] اثربخشی نظام آموزش الکترونیکی پروژه‌محور و غیرپروژه‌محور بر رشد مهارت اجتماعی دانشجویان در راستای توسعه پایدار را بررسی کردند. آن‌ها نشان دادند که تفاوت معناداری بین مهارت‌های اجتماعی در راستای توسعه پایدار دانشجویان الکترونیکی پروژه‌محور و غیرپروژه‌محور وجود دارد. مسعودی [۸] نشان داد که سطح مهارت‌های اجتماعی در راستای توسعه پایدار برحسب عوامل مختلف متفاوت است. صالحی و همکاران [۹] نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی استان مازندران را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که میانگین سطح نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی دانشجویان

دانشگاه‌های دولتی استان مازندران پایین است. صالحی عمران و آقامحمدی [۱۰] رفتار و دانش زیست‌محیطی معلمان دوره ابتدایی مازندران را مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که سطح دانش زیست‌محیطی این معلمان بالاست. هادی‌پور و شکوری [۱۱] نشان دادند که میزان آگاهی زیست‌محیطی در بین زنان خانه‌دار و آموزگاران زن مقطع ابتدایی پایین است و باید آموزش ببینند. آکومولاف [۱۲] نگرش دانشجویان نسبت به محیط‌زیست را مطالعه کرد و دریافت که نگرش دانشجویان نسبت به محیط‌زیست و مشکلات مربوط به آن مطلوب نیست. کوزی و همکاران [۱۳] در بررسی دیگری نشان دادند، افرادی که از سواد، آگاهی و حساسیت زیست‌محیطی برخوردار بودند، توانسته‌اند به بهترین نحو با مشکلات زیست‌محیطی مقابله کنند. تیکسوز و همکارانش [۱۴] نقش آموزش را بر نگرش و نحوه رفتار زیست‌محیطی دانشجویان مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها نشان دادند که آموزش بر نگرش، دانش و رفتار زیست‌محیطی دانشجویان مؤثر بوده است.

توسعه پایدار فرایندی است برای به‌دست آوردن پایداری در هر فعالیتی که نیاز به منابع و جایگزینی سریع و یکپارچه آن وجود دارد. توسعه پایدار نه تنها به رشد اقتصادی و توسعه بشری در یک جامعه یا یک اقتصاد توسعه یافته می‌پردازد، بلکه مدام تلاش می‌کند به توسعه مستمر فراتر از توسعه اقتصادی دست یابد [۱۵].

مناسب‌ترین ابزار برای سنجش و ارزیابی توسعه پایدار، تدوین شاخص‌های توسعه است. این موضوع ابتدا توسط اقتصاددانان مطالعه شد و سپس تحلیل‌گران اجتماعی آن را مورد توجه و تمرکز قرار دادند [۱۶]: این شاخص‌ها یا به صورت کیفی (مستقیماً قابل اندازه‌گیری نیستند) یا کمی (مستقیماً اندازه‌گیری می‌شوند) هستند. شاخص‌های توسعه پایدار با توجه به ویژگی‌های زیر، از شاخص‌های ساده زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی قابل تمایز هستند [۱۷]:

۱. یکپارچگی (ارتباط میان همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را نشان دهد)؛ ۲. نگاه به آینده (مثلاً سنجش پیشرفت در جهت دسترسی به برابری نسلی که با استفاده از یک شاخص روندی سنجیده می‌شود. این شاخص‌ها کارایی زیادی در امر سیاست‌گذاری‌ها دارند) [۱۸]؛ ۳. توزیعی؛ ۴. تهیه شده از چند سازمان در جامعه. شاخص‌های پایداری می‌بایست هر چهار خصوصیت را داشته باشند تا در همه موقعیت‌ها کارایی داشته باشند.

بی‌شک اولین گام در جهت رسیدن به توسعه پایدار، شناسایی ابعاد اصلی آن است. از این طریق راه برای رسیدن به توسعه پایدار هموار شده و مسیر درست مشخص می‌شود. کمیسیون توسعه پایدار^۱ (CSD) در سال ۲۰۰۲ چهار بُعد اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی را به عنوان ابعاد اصلی توسعه پایدار معرفی کرد [۱۹]. شاخص‌های ارزیابی‌کننده هر یک از این ابعاد در جدول ۱ خلاصه شده‌اند. برخی از شاخص‌های تعیین‌کننده در بحث پایداری در مقاله قرخلو و حسینی [۲۰] ارائه شده است.

جدول ۱. ابعاد توسعه پایدار و شاخص‌های آن

بُعد	موضوع	شاخص
اجتماعی	تساوی حقوق	۱. درصد افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند؛ ۲. ضریب جینی؛ ۳. میزان بیکاری؛ ۴. نسبت دستمزد زنان به مردان.
	بهداشت	۱. وضعیت تغذیه کودکان؛ ۲. میزان مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال؛ ۳. امید به زندگی در هنگام تولد؛ ۴. جمعیت برخوردار از امکانات دفع فاضلاب؛ ۵. جمعیت برخوردار از آب آشامیدنی سالم؛ ۶. جمعیت برخوردار از امکانات و مراقبت‌های اولیه پزشکی؛ ۷. ایمنی‌سازی کودکان در برابر بیماری‌های عفونی؛ ۸. میزان رواج پیشگیری از بارداری.
	آموزش	۱. میزان کودکانی که به سطح ۵ از آموزش ابتدایی می‌رسند؛ ۲. آموزش ثانویه بزرگسالان برای رسیدن به سطح سواد؛ ۳. میزان باسوادی بزرگسالان.
	مسکن	سطح زمین برای هر نفر
	امنیت	تعداد جرم‌های ثبت‌شده به‌ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت
	جمعیت	۱. میزان رشد جمعیت؛ ۲. جمعیت سکونتگاه‌های دائمی و موقت شهری.
	اتمسفر	۱. انتشار گازهای گلخانه‌ای؛ ۲. مصرف مواد نازک‌کننده لایه اُزن؛ ۳. میزان تمرکز آلاینده‌های هوا در نواحی.
محیطی	زمین	۱. مساحت زمین قابل‌زرع و محصول دائم؛ ۲. استفاده از کودها؛ ۳. استفاده از آفت‌کش‌های کشاورزی؛ ۴. مساحت جنگل‌ها به‌صورت درصدی از سطح زمین؛ ۵. میزان قطع کردن درختان؛ ۶. مقدار زمینی که تحت‌تأثیر بیابان‌زدایی قرار می‌گیرد؛ ۷. مساحت سکونت‌گاه‌های دائمی و موقت.
	اقیانوس‌ها، دریاها و سواحل	۱. تمرکز جلبک در آب‌های ساحلی؛ ۲. درصد جمعیت کلی که در نواحی ساحلی زندگی می‌کنند؛ ۳. صید سالیانه اکثر گونه‌ها.
	آب شیرین	۱. بازپس‌گیری سالیانه آب‌های زیرزمینی و سطحی به‌صورت درصدی از سطح کل آب در دسترس؛ ۲. BOD در ذرات آب؛ ۳. تمرکز با سیل‌ها در آب شیرین.
	تنوع زیستی	۱. سطح اکوسیستم‌های کلیدی انتخاب‌شده؛ ۲. سطح حفاظت‌شده به‌صورت درصدی از سطح کلی؛ ۳. فراوانی گونه‌های کلیدی انتخاب‌شده.

اقتصادی	ساختار اقتصادی	۱. سهم سرانه GPD؛ ۲. سهم سرمایه‌گذاری در GPD؛ ۳. موازنه شغلی در سطح کالا و خدمات؛ ۴. وام به نسبت GNP؛ ۵. ODA کلی معین یا پذیرفته‌شده به‌صورت درصدی از GNP.
	الگوهای تولید و مصرف	۱. میزان استفاده از مواد؛ ۲. سهم سرانه مصرف سالیانه انرژی؛ ۳. سهم مصرف منابع انرژی تجدیدپذیر؛ ۴. میزان استفاده از انرژی؛ ۵. تولید پساب جامد صنعتی و شهری؛ ۶. تولید پساب خطرناک؛ ۷. تولید پساب رادیواکتیو؛ ۸. بازگشت فاضلاب و استفاده مجدد از آن؛ ۹. سهم سرانه مسافرت توسط مد حمل‌ونقل.
کالبدی	چارچوب ساختاری	۱. استراتژی توسعه پایدار ملی؛ ۲. کاربرد توافق جهانی تصویب‌شده.
	ظرفیت نهادی	۱. تعداد موافقان شبکه در هر ۱۰۰۰ نفر سکنه؛ ۲. خطوط تلفن به‌ازای هر ۱۰۰۰ نفر سکنه؛ ۳. مخارج تحقیق و توسعه به‌صورت درصدی از GPD؛ ۴. خسارت انسانی و اقتصادی در اثر بلایای طبیعی.

بررسی نقش پارساهای تقاضامحور بر توسعه پایدار

تا وقتی که مفهوم توسعه پایدار به‌روشنی ارائه نشود، نمی‌توان راهکاری برای رسیدن به آن بیان کرد؛ اما اکنون که با ابعاد آن و موضوعی که هر یک از ابعاد در جست‌وجوی آن هستند آشنا شدیم، با استفاده از شاخص‌های اندازه‌گیری هر یک از ابعاد توسعه پایدار، راهکارهای افزایش اثربخشی پارساهای تقاضامحور بر توسعه پایدار را می‌توان بررسی و معرفی کرد.

بعد اجتماعی

با توجه به جدول ۱ اولین موضوع در بعد اجتماعی، تساوی حقوق است. از طریق شاخص‌های اندازه‌گیری از قبیل برآورد درصد خانوارهای زیر خط فقر، ضریب جینی، محاسبه نرخ بیکاری و نسبت متوسط دستمزد زنان نسبت به مردان، می‌توان موضوع تساوی حقوق در یک جامعه را بررسی کرد و هر چه درصد خانوارهای زیر خط فقر کمتر باشد، اثری مثبت بر بعد اجتماعی توسعه پایدار می‌گذارد و هرچه تفاوت مردان باسواد با زنان باسواد در سطح استان بیشتر باشد، نمایانگر نابرابری‌های اجتماعی است و اثری منفی بر موضوع تساوی حقوق و بعد اجتماعی می‌گذارد. افزایش تعداد جمعیت باسواد، تعداد جمعیت محصل، نسبت جمعیت با تحصیلات عالی، تعداد مردان باسواد و تعداد زنان باسواد نمایانگر میزان پوشش و سطح سواد عمومی جامعه است و اثرات مثبتی بر موضوع آموزش در بعد اجتماعی می‌گذارد. هر یک از این موضوعات بنا به شرایط حال هر استان و کشور در نظر گرفته می‌شود؛ مثلاً در خصوص موضوع جمعیت در بعد اجتماعی، افزایش تعداد جمعیت ۵-۰ ساله در سال‌های ۲۰۰۲ که با رشد زیاد جمعیت مواجه بوده‌ایم، به‌عنوان عاملی که اثر منفی بر این بعد می‌گذارد، مطرح بوده‌است؛ اما هم‌اکنون بیم آن می‌رود که جمعیت روبه‌پیری برود.

موضوع تعداد جمعیت ۰ تا ۵ ساله اثری مثبت بر ارتقای بُعد اجتماعی دارد. از طرف دیگر، موضوع تعداد مهاجران وارد شده رابطه مستقیمی با بُعد اجتماعی دارد؛ چراکه نشان‌دهنده برخورداری منطقه و جاذبه شغلی آن است. این موضوع به خصوص در استان‌های مرزی حائز اهمیت است و کاربردی دوچندان دارد. هر کدام از این شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی در برنامه‌ریزی، از ارزش بالایی برخوردار هستند و اطلاعات کاربردی و دقیقی در زمینه نیازهای حال حاضر و در ارتباط با اهداف ملی ارائه می‌دهند. این شاخص‌ها نشان می‌دهند که در هریک از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی، شرایط موجود چیست؟ شرایط مطلوب کدام است و فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب چه میزان است.

در راستای توسعه بُعد اجتماعی و توجه به نیازهای جامعه در پژوهش و فناوری، اقدامات زیر راهگشا خواهد بود:

- الزام دانشجویان تحصیلات تکمیلی برای انتخاب هریک از موضوعات تحقیقاتی بالا، از طریق گروه‌های آموزشی، با هدف بهبود مستمر ارتباط دانشکده با سازمان‌های مربوط؛
- بهبود مستمر زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای بهبود خدمات اجتماعی؛
- ترویج پژوهش‌های مسئله‌محور و سفارشی از سوی سازمان‌ها در قالب پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، به‌ویژه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای؛
- تشویق گروه‌های آموزشی برای اولویت‌دادن به پژوهش‌های کاربردی در تحصیلات تکمیلی؛
- اندازه‌گیری اثربخشی پژوهش‌ها از طریق چاپ نتایج در نشریات معتبر و توسعه پایدار؛
- همه تولیدات علمی دانشگاه، اعم از کتاب، مقاله، رساله، همایش و... به سمت حل مشکلات جامعه به‌عنوان یک مأموریت سوق پیدا کند. استقرار نظام مأموریت‌گرا برای اعضای هیئت علمی که اشاره به تعریف مأموریت‌هایی مبتنی بر رفع نیاز جامعه در انجام فعالیت‌های پژوهشی دارد.

بُعد اقتصادی

در بُعد اقتصادی، تعداد جمعیت بین ۱۵ تا ۶۵ ساله به‌عنوان جمعیت فعال کشور، تعداد جمعیت فعال با سابقه بالای ده سال، تعداد جمعیت شاغل در بخش‌های اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، علمی و فنی، اثرات مثبت در تقویت بُعد اقتصادی داشته و نمایانگر خوداتکایی اقتصادی، کشاورزی و صنعتی هستند. تعداد خانوارهای مالک زمین و واحد مسکونی، مساحت کاربری اقتصادی، تجاری، خدماتی، صنعتی، همه دارای اثرات مثبت بر بُعد اقتصادی توسعه پایدار هستند. از طریق طرح‌های تحقیقاتی با موضوعاتی مانند برآورد درصد جمعیت فعال بالفعل و بالقوه، یا موضوعاتی که از طریق آن‌ها بتوان شاخص‌های خوداتکایی اقتصاد یک کشور را سنجید، بر توسعه پایدار اثر مثبت می‌گذارند. موضوعاتی از قبیل میزان مصرف مواد اولیه کارخانه‌ها، بررسی‌های موازنه شغلی بخش کالا و خدمات، بررسی سرانه مصرف سالیانه انرژی هریک از سازمان‌ها، خود ارتباط مستقیم با

الگوهای تولید و مصرف دارد. برآورد سهم مصرف انرژی تجدیدپذیر، میزان استفاده از انرژی، بازگشت فاضلاب و استفاده مجدد از آن، هریک به عنوان موضوع پژوهش‌ها می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

بُعد محیطی

در بُعد محیطی، بررسی تعداد خانوارهای دارای آب، برق، گاز، تلفن، حمام، کولر، حرارت مرکزی، تعداد خانوار برخوردار از آشپزخانه مستقل، تعداد واحدهای مسکونی با یک خانوار ساکن، مساحت کاربری فضای سبز، متوسط مساحت زیربنای واحدهای مسکونی، همه اثرات مثبت بر ارتقای بُعد محیطی دارند. هریک از این موضوعات به تنهایی می‌تواند به عنوان یک پروژه تحقیقاتی تعریف شود تا بتوانند همسو و یکپارچه درصد افزایش توسعه پایدار گام بردارند. اقدامات زیر نیز در جهت تقویت بُعد محیطی و زیست محیطی راهگشا هستند:

- نهادینه کردن هم‌اندیشی و مشارکت جامعه و دانشکده برای ترویج پژوهش‌های خدمات زیست محیط محور؛
- ترغیب اعضای هیئت علمی به شرکت در کارگاه‌های آموزشی و دانش پژوهی با هدف بالندگی برای حل مسائل مدیریتی و استفاده بهینه از منابع.
- استفاده از توان دانشکده‌هایی که قادر به انجام مشاوره یا برنامه‌های اجرایی و استراتژیک به دستگاه‌های اجرایی در حوزه آب، حفظ منابع، و محیط زیست هستند.

نتیجه‌گیری

اکنون، بهبود هریک از شاخص‌های بالا، تعیین ارزش‌گذاری هریک از آن‌ها، تعیین وجود وابستگی و همبستگی مثبت یا معکوس و در ارتباط بودن با رفاه فعلی جامعه، یک مسئله است که هریک خود به تنهایی می‌تواند به عنوان موضوع پژوهش‌های پارسامحور مطرح شده و ارزش‌گذاری شود. این شاخص‌ها دارای ویژگی مثبت بودن یا منفی بودن هستند؛ شاخص‌های مثبت هرچه مقدار یا ارزش‌شان بیشتر باشد، نقش مؤثرتری در ارائه موضوع بعدی که به عنوان موضوعات پژوهش‌های پارسامحور می‌تواند به کار رود، دارند.

منابع

- [1] Latifi G. Urban Development and Stable Development of Cultural, Social Sciences Journal, A special Urban Planning. 2005; 3(2): 34-56.
- [2] Leopold A. Udall S.L. A sand county almanac. New York: Oxford University Press. 1966: 237-263.
- [۳] درویش م. رهبر ا. آموزش و پژوهش‌های بیابان و بیابان‌زایی. مجله جنگل و مرتع. ۱۳۶۴؛ ۴۲: ۲۹-۳۵.
- [4] Todaro M.P. Icdygu A. Sirkeci I. Muradoglu G. Socio-economic development and international migration: A Turkish study. International Migration. 2010; 39: 40.
- [5] Nader M.R. Sallounm B.A. Aram. N. Environment and sustainable development indicators in Lebanon: A practical municipal level approach, Ecological Economics. 2008; 8(5): 771-777.
- [6] Pournajaf A. Ammarloee A. NasseriFar R Mohammadi Kalhor E. Mohammadi Hussein. The study of environmental factors on the health of urban population in ilam, Journal of Environment and behavior. 2005; 30: 64-83.
- [۷] نوروزی م. رضایی م. ه. سیفی م. مقایسه اثربخشی آموزش الکترونیکی پروژه محور و غیر پروژه محور بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانشجویان در راستای توسعه پایدار. فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار. ۱۳۹۶؛ ۵(۳): ۷۹-۹۰.
- [۸] مسعودی ح. شامخ‌نیا ر. جعفرزاده گل م. حق وردیان ب. نقش رسانه‌های مجازی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی در رابطه با روش‌های حفاظت از محیط زیست و کاهش بحران‌های آن، دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست. ۱۳۹۱.
- [۹] صالحی ص. و پاژکی‌نژاد ز. محیط زیست در آموزش عالی: ارزیابی دانش زیست محیطی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مازندران. دوفصلنامه مطالعات آموزشی و برنامه‌ریزی. ۱۳۹۳؛ ۲(۴): ۱۹۹-۲۲۱.
- [۱۰] صالحی عمران ا. آقامحمدی ع. بررسی دانش، نگرش و مهارت‌های زیست محیطی معلمان آموزش دوره ابتدایی استان مازندران. فصلنامه تعلیم و تربیت. ۱۳۸۷؛ ۲۴(۳): ۹۱-۱۱۷.
- [۱۱] هادی‌پور م. شکوری ر. بررسی میزان آگاهی زیست محیطی و روش‌های بهینه آموزش محیط زیست در زنان خانه‌دار و آموزگاران زن مقطع ابتدایی شهر اراک. فصلنامه سازمان حفاظت محیط زیست. ۱۳۸۳؛ ۴۱: ۲۷-۲۷.
- [12] Akomolafe O. Impact of personal factors on environmental education in tertiary institutions in elite state, Nigeria, International Journal for Cross-Disciplinary Subjects in Education. 2011; 1(1): 559-564.
- [13] Kose S. Genser A. Genzer K. Erol G. Investigation of Undergraduate Students, Environmental Attitudes, International Electronic Journal of Environmental Education. 2011; 1(2): 61-75.
- [14] Teksoz G. Sahin E. Ertpinar H. A New Vision for Chemistry Education Students: Environmental Education, International Journal of Environmental & Science Education. 2010; 5(2): 131-149.

-
- [15] Soubbotina T.P. Beyond Economic Growth: An Introduction to Sustainable Development, Second Edition, WBI Learning Resources Series, World Bank Institute. 2004.
 - [16] Miller G. the Development of Indicators for Sustainable Tourism: Results of a Delphi Survey of Tourism Researchers. In: Tourism Management. 2001; 22(4): 351-362.
 - [17] Maclaren V. Urban Sustainability Report. Journal of the American Planning Association. 1996; 62(2): 148-183.
 - [18] World Bank Group. World Bank Warns Global Poverty Fight Failing, Unveils Enhanced Poverty Strategy. 2000; Available at:
<http://www.worldbank.org/html/extdr/extme/059.html>
 - [19] CSD. Indicators of Sustainable Development: Framework and Methodologies. Second Edition, United Nation, New York. 2001.

[۲۰] قرخلو م. حسینی س.ه. شاخص‌های توسعه پایدار شهری. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. ۱۳۸۶؛ ۴(۸): ۱۵۷-۱۷۷.

تحلیل، نقد و ارزیابی پارساهای تقاضامحور

سید هادی طیب‌نیا*

استادیار گروه جغرافیای انسانی - برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

هدف از تحقیق حاضر، نقد و ارزیابی پارساهای تقاضامحور از طریق شناسایی چالش‌ها و نیز ارائه راهکارهایی در این زمینه است. روش انجام تحقیق، بررسی‌های میدانی، مصاحبه با استادان و نیز دانشجویان مرتبط با این موضوع است. جامعه آماری تحقیق نیز استادان و دانشجویان دانشکده جغرافیای دانشگاه سیستان و بلوچستان است. در این زمینه ابتدا با بررسی پارساها و موضوعات آن‌ها و نیز موضوعات پیشنهادی سازمان‌های متقاضی و ارائه‌کننده موضوعات برای این پارساها، به تدقیق موضوع پرداخته شد و سپس برای ارزیابی و نقد این پارساها که اصطلاحاً تقاضامحور خوانده می‌شوند، اقدام شد. در ادامه پس از مسئله‌شناسی و شناسایی چالش‌های موضوع، به ارائه راهکارهایی عملیاتی در جهت رفع و کاهش این چالش‌ها پرداخته شد.

واژه‌های کلیدی: پارسا، تقاضامحور، چالش‌ها، راهکارها.

مقدمه

امروزه یکی از راهکارهای شناسایی و حل مسائل جامعه و صنعت، انجام تحقیقاتی در چارچوب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری است. معمولاً شناسایی مسائل جامعه و صنعت و سایر بخش‌های جامعه، موجب استخراج و شناسایی، ارزیابی و سنجش این مسائل شده و در ادامه آن راهکارهایی در جهت حل آن مسئله ارائه می‌شود. در کشورهای پیشرفته، یکی از دلایل عمده شناسایی و حل مسائل و مشکلات جامعه، هدایت آن‌ها به سمت دانشگاه‌ها و گرفتن کمک از آن‌ها، البته با دادن اعتبارات در قالب گرنت‌ها و صندوق‌های حامی پژوهشگران (فاندها) است (مطالعات نگارنده و ارتباط با استادان خارج از کشور). در کشور ما نیز در سال‌های اخیر با آسیب‌شناسی معضلات و مشکلات صنعت و جامعه، و نیز پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری، به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود زحمات فراوان استادان و دانشجویان در خصوص تدوین پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و حتی استخراج مقالات متعدد خارجی و داخلی از آن‌ها، آن‌چنان که باید نتیجه‌بخش نبوده و معضلات جامعه را شناسایی نکرده و به نوعی با جامعه و صنعت، ارتباطی ندارند و در صورت وجود، ضعیف و شکننده هستند.

* نویسنده مسئول: tayebnia@gep.usb.ac.ir

براین اساس، در راستای شناسایی مسائل و مشکلات جامعه و نیز هدایت پایان نامه ها به سمت نتیجه بخش بودن در راستای حل این مسائل و مشکلات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه ها، ایده تقاضامحور شدن پایان نامه ها را مطرح کردند و دولت نیز ادارات و نهادهای مختلف را ملزم به اختصاص بخشی از بودجه شان به شناسایی و حل مسائل و مشکلات آنها در قالب پایان نامه ها و رساله ها کرد. این ایده به این شکل ارائه شد که ادارات، سازمان ها و نهادهای مختلف عمدتاً دولتی که در راستای حل مسائل مردم حرکت می کنند، با تدوین سرفصل ها و موضوعاتی که دغدغه روز بوده و در راستای رسالت اصلی این سازمان ها و نهادها است، نسبت به ارائه آنها به دانشگاه ها و ارائه حمایت های مالی و معنوی از این موضوعات، با عنوان رساله ها و پایان نامه ها اقدام کرد. دانشگاه ها نیز با معرفی این موضوعات به گروه های آموزشی و ارائه مشوق های مختلف، سعی در جهت دهی پایان نامه ها به سمت این موضوعات دارند تا هم مسائل روز شناسایی و حل شوند و هم دانشگاه ها از انزوای نسبی و انجام تحقیقاتی که شاید نیاز واقعی جامعه نباشد، فاصله بگیرند؛ بنابراین معمولاً نهادها، ادارات و سازمان های مختلف، هر ساله نسبت به ارائه اولویت های پژوهشی مدنظرشان به دانشگاه ها که دغدغه روز است، اقدام می کنند و دانشگاه ها نیز با ارسال این موضوعات به گروه های آموزشی، تلاش دارند تا پایان نامه ها را به سمت این موضوعات، با عنوان پارساهای تقاضامحور، جهت دهی کنند؛ اما در این مسیر چالش ها و مشکلاتی وجود دارد که باعث می شود این موضوعات در بیشتر گروه های آموزشی و نیز توسط دانشجویان مورد استقبال قرار نگیرد و انجام نشود.

در این نوشتار سعی شده است تا به آسیب شناسی این موضوع پرداخته شود و دلیل عدم استقبال گروه های آموزشی، دانشجویان و استادان از این موضوعات و تقاضامحور کردن پایان نامه ها و اینکه چه عواملی باعث عدم گرایش و انجام چنین موضوعاتی می شود و دانشگاه و ادارات چه نقش و جایگاهی در این عدم گرایش ها دارند و به چه دلایلی، مشخص شود. در این پژوهش تلاش شده تا با بررسی تجربیات استادان و دانشجویان و نیز با مصاحبه با آنان، به این سؤالات پاسخ داده شود.

روش این تحقیق، تجربی و با بهره گیری از ابزار مصاحبه انجام شده است. همچنین جامعه آماری، استادان و دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان است. در این تحقیق تلاش شده با بررسی های میدانی و نیز مصاحبه با تعدادی از استادان (۶ نفر) و دانشجویان (۱۶ نفر) در دانشکده جغرافیا، ابتدا چالش های پارساهای تقاضامحور شناسایی شده و پس از آن نسبت به ارائه راهکارهایی در جهت کاهش و رفع این چالش ها اقدام شود.

ارائه نظرات و بررسی چالش های پارساهای تقاضامحور

در این بخش از تحقیق، ابتدا به ارائه نظرات و بررسی چالش های پارساهای تقاضامحور، توسط استادان و دانشجویان پرداخته شده و در انتها به ارائه راهکارهایی از دیدگاه این افراد، اقدام شده است.

نظرات استادان و دانشجویان در خصوص چالش های پارساهای تقاضامحور:

۱. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، سنخیت نداشتن عمده موضوعات نهادها و ادارات با تخصص یا گروه‌های آموزشی است. معمولاً سازمان‌ها و نهادها، موضوعاتی را اعلام می‌کنند که از بین آن‌ها، موضوعات قابل کار توسط گروه‌های آموزشی وجود ندارد یا حداقل در دانشگاه، چنین موضوعاتی استقبال نمی‌شود.

۲. تکراری بودن موضوعات پیشنهادی در سال‌های متمادی، یکی از چالش‌های موضوعات اعلامی سازمان‌ها و ادارات به دانشگاه‌ها است. به نظر می‌رسد که چون سازمان‌ها را ملزم به ارائه موضوعاتی در هر سال کرده‌اند، بعضی از آن‌ها، همان موضوعات سال قبل را به عنوان موضوعات پیشنهادی ارسال می‌کنند؛ اما این در حالی است که زمانی که عضو هیئت علمی یا دانشجو برای انجام آن به سازمان یا اداره مربوط مراجعه می‌کند، با عدم نیاز آن سازمان با عنوان اینکه این موضوع کار شده و... مسئله را مثلاً حل و فصل می‌کنند؛ به عنوان مثال، در موضوعات ارسالی چند سال اخیر سازمان آب منطقه‌ای، طی ارتباط با یکی از همکاران گروه زمین‌شناسی، نویسنده قصد انجام آن در قالب پارسای تقاضامحور را داشت که متوجه شد این موضوع سال پیش نیز بوده و مسئله خاصی نبود که روی آن کار شود و حتی سازمان آب نیز این مطلب را تأیید کرد؛ بنابراین این مسئله می‌تواند یکی از دلایل اصلی عدم استقبال یا کار نکردن بر روی چنین موضوعاتی باشد.

۳. چالش دیگر در این راستا، عدم هم‌راستایی موضوعات پیشنهادی ادارات با مسائل موجود در منطقه زندگی دانشجویان است. معمولاً دانشجویان با توجه به علاقه و داشتن اطلاعات از محل زندگی خودشان، تمایل به کار بر روی موضوعات و مسائلی دارند که در منطقه خودشان وجود داشته و بتوانند حداقل یکی از چالش‌های محل سکونت‌شان را شناسایی کنند و به ارائه راهکار درباره آن‌ها بپردازند؛ از این رو این مسئله حداقل در رشته جغرافیا، وجود داشته و یکی از علل اصلی عدم استقبال دانشجویان از کار بر روی این موضوعات، نبود مسائل و موضوعات پیشنهادی در محل سکونت دانشجویان است.

۴. کلی بودن موضوعات و غیرقابل کار بودن برخی موضوعات سازمان‌ها، یکی از چالش‌های عمده در این زمینه است. برخی ادارات و سازمان‌ها، موضوعاتی معرفی می‌کنند که حتی از عهده یک دانشجوی دکتری و در قالب رساله خارج است که این معضل بزرگی است؛ به عبارت دیگر انجام چنین موضوعاتی نباید در قالب پارسا مطرح شود؛ زیرا از عهده و انجام پارساها خارج است. بلکه با طرح‌های ملی یا استانی و داشتن تیمی منسجم و فعال می‌توان چنین موضوعاتی را انجام داد.

۵. یکی از چالش‌های دیگر در این زمینه، به دلیل مشکلات متعدد اقتصادی کشور، نبود یا عدم اختصاص اعتبارات لازم برای انجام پارساها است که انجام برخی موضوعات که نیاز به اعتبارات بیشتری دارند را با مسئله مواجه می‌کند. بر این اساس، دانشجویان و استادان معمولاً از چنین موضوعات و اداراتی، برای انجام پارساها استقبال نمی‌کنند.

۶. نبود امکانات یا آزمایشگاه‌های لازم در دانشگاه یا سازمان‌های مربوط برای انجام برخی موضوعات پیشنهادی سازمان‌ها، با عنوان پارساها، یکی از عمده چالش‌ها در این زمینه است؛ زیرا بررسی و حل بعضی مسائل، نیاز به خدمات، امکانات و حتی آزمایشگاه‌های مجهزی دارند که نه تنها در دانشگاه، بلکه شاید در استان نیز وجود نداشته باشد.

۷. ناآشنایی دانشجویان و بعضی از استادان با موضوعات مرتبط تقاضامحور، از دیگر چالش‌های پارساهای تقاضامحور است. بیشتر دانشجویان از موضوعات مرتبط با رشته خود که توسط نهادهای مختلف مطرح می‌شود، اطلاع ندارند و به نوعی باید اطلاع‌رسانی درست، کامل و جامع ابتدا توسط نهادها و سپس توسط دانشگاه به شکل مناسب‌تری انجام شود تا دانشجویان و استادان مرتبط با آن موضوعات، آن را انجام دهند.

۸. عدم اطلاع‌رسانی موضوعات در زمان مناسب. معمولاً زمان انتخاب واحد پایان‌نامه، در آبان است و دانشجویان باید تا این زمان، یعنی حدود دو ماه، با وجود داشتن واحدهای درسی فراوان و... موضوع مناسب را انتخاب و پیشنهاد آن را تهیه و در سامانه بارگزاری کند؛ اما سازمان‌های مرتبط، معمولاً موضوعات مورد نیاز را دیر اطلاع می‌دهند یا اینکه دانشگاه دیر اطلاع‌رسانی لازم را انجام می‌دهد که موجب عدم انتخاب موضوعات تقاضامحور می‌شود.

۹. عدم اطلاع از روند فرایند و مراحل تقاضامحور کردن پایان‌نامه توسط دانشجویان و حتی استادان، یکی از چالش‌های پیش‌روی پارساهای تقاضامحور تلقی می‌شود. حتی با مراجعه به سایت معاونت آموزشی و معاونت پژوهشی دانشگاه نیز هیچ‌نامه یا توضیحات و حتی فرمی برای تقاضامحور کردن پایان‌نامه‌ها نیست و در این مورد برای بسیاری از دانشجویان و استادان، ابهامات فراوانی وجود دارد.

۱۰. اجبار به دادن خروجی‌های خاصی مانند مقالات خارجی با داشتن ضریب تأثیر یا نمایه‌های بین‌المللی با ضرایب Q1، Q2 و... به‌ویژه برای رشته‌های علوم انسانی، از طرف نهادهایی مانند صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران، یکی از چالش‌ها در این زمینه است.

۱۱. چالش دیگر، عدم حمایت مالی بعضی نهادها به دلیل نداشتن بودجه پژوهشی یا محدودیت بودجه‌ای است. یعنی اداره یا سازمان مربوط (مانند فرمانداری‌ها و استانداری‌ها)، از پارساهای مرتبط حمایت کرده و حتی نامه رسمی مبنی بر حمایت از پایان‌نامه دانشجوی و تقاضامحور بودن موضوع آن صادر می‌کند؛ اما در انتهای متن نامه و قرارداد ارسالی، جمله «مبنی بر عدم حمایت مالی» یا «منوط به عدم داشتن بار مالی» را می‌نویسد که بسیار چالش‌آفرین است؛ بنابراین دانشجوی و استاد، رغبت چندانی برای انجام امور اداری و طی کردن بوروکراسی طولانی که حمایت مالی پشت آن نیست، را ندارند.

۱۲. وتویی کردن یا به بیان دیگر امتیازدهی به این دست از مطالعات توسط دانشگاه، از دیگر چالش‌ها در این زمینه است. استادان به دلیل نیاز به امتیاز این پارساها، ناچار هستند هر موضوعی را با هر شرایطی تقاضامحور

کنند. در حال حاضر، تقریباً همه موضوعات در حال تقاضامحور شدن هستند و از طرفی هیچگونه اعتبار مالی نیز داده نمی‌شود و استاد از روی ناچاری و به دلیل نیاز به امتیاز آن و نیز وتویی بودن، با وجود مشکلات معیشتی و مالی فراوان، حاضر است از درآمد خودش برای آن خرج کند. همچنین نیاز به داشتن رابط (روابط اداری) در ادارات، برای گرفتن این موضوعات را باید به این مسئله اضافه کرد.

بحث و بررسی

با توجه به ارائه مقدمات و نیز اشاره به چالش‌های پارساهای تقاضامحور که طی بررسی‌های تجربی نگارنده و نیز مصاحبه با دانشجویان و استادان مرتبط انجام شده است، در این قسمت به بحث و بررسی و درنهایت ارائه راهکارهایی با توجه به چالش‌های موجود پرداخته می‌شود.

یکی از مباحث بسیار مهم درخصوص پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری، هدایت آن‌ها به سمت پاسخگویی واقعی به نیازهای جامعه و جلوگیری از انجام پژوهش‌هایی است که تأثیری بر شناسایی و حل مشکلات جامعه نداشته یا حداقل تأثیر بسیار کمی دارند، است. در این خصوص در سال‌های اخیر، با برنامه‌ریزی‌هایی که وزارت علوم در این خصوص انجام داده و نیز هماهنگی با سازمان‌های مختلف، تلاش شده تا نیازهای پژوهشی موجود در هر سازمان و اداره، به صورت تخصصی شناسایی و به صورت موضوعات پژوهشی به دانشگاه‌ها برای هدایت پایان‌نامه‌ها به سمت انجام این پژوهش‌ها به صورت منظم (سالانه) ارسال شود.

دانشگاه‌ها با توجه به رسالتی که درقبال جامعه درخصوص شناسایی مسائل و ارائه راهکارهای علمی درخصوص حل این مسائل دارند، این موضوعات را به استادان و دانشجویان علاقه‌مند، با عنوان پارسای تقاضامحور، ارسال می‌کنند.

دانشجویان و استادان نیز با توجه به تخصص و علاقه و ارتباط موضوعات با رشته موردنظر، اقدامات لازم را درجهت انجام این پژوهش‌ها در قالب پایان‌نامه و رساله انجام می‌دهند؛ به عبارت دیگر، با این کار دانشگاه و جامعه به هم وصل شده و دانشگاه‌ها محملی برای بررسی و حل مسائل جامعه می‌شوند؛ اما در این فرایند، چالش‌هایی وجود دارد که در صورت توجه نکردن به آن‌ها و حل و فصل نکردن آن‌ها، فرایند اصلی دچار مشکل شده و هدف اصلی این موضوع محقق نخواهد شد. در این پژوهش با روش تجربی و نیز استفاده از ابزار مصاحبه، تلاش شد تا به شناسایی و بررسی این چالش‌ها پرداخته شود. در ادامه با توجه به شناسایی این چالش‌ها و ارائه آن، اقدام به ارائه راهکارهایی درجهت بهبود وضعیت موجود و کاهش این چالش‌ها اقدام خواهد شد که در زیر به آن‌ها اشاره شده است:

راهکارهای کاهش و حل چالش‌های پیش‌روی پارساهای تقاضامحور

با توجه به شناسایی و ارائه چالش‌های فراوی پارساهای تقاضامحور در دانشگاه و با بررسی نظرات استادان و دانشجویان دخیل در این موضوع، اقدامات زیر به‌عنوان راهکارهای اجرایی در جهت کاهش و حل این چالش‌ها ارائه می‌شود که امید است مورد توجه قرار گیرد.

۱. با توجه به اینکه یکی از چالش‌های فراوی پارساهای تقاضامحور، سنخیت نداشتن عمده موضوعات نهادها، اداره‌ها و سازمان‌ها با تخصص یا گروه‌های آموزشی است، پیشنهاد می‌شود در سازمان‌های مربوط در ارائه موضوعات ارسالی، دقت نظر بیشتری داشته و به مسائل روز جامعه و به‌روزرسانی موضوعات اقدام کنند. در این مورد، ارتباط پژوهشی با گروه‌های تخصصی دانشگاه، گرفتن نظر آن‌ها و دخالت آن‌ها در جلسات اداری، می‌تواند راهگشا باشد.

۲. درخصوص تکراری بودن موضوعات پیشنهادی، پیشنهاد می‌شود سازمان‌های مربوط، قبل از ارسال هر موضوعی به دانشگاه‌ها، از تکراری نبودن یا کار نشده بودن آن موضوع با استفاده از سامانه‌های مختلف و نیز ارتباط با وزارت علوم، مطمئن شده و سپس اقدام به ارسال موضوع کنند و حتی در صورت نداشتن موضوع پژوهشی، اجباری به ارسال موضوع نداشته باشند که باعث چنین مشکلاتی نشود.

۳. در مورد چالش عدم هم‌راستایی موضوعات پیشنهادی ادارات با مسائل موجود در منطقه زندگی دانشجویان، معمولاً یکی از دلایل این امر، عدم شناسایی واقعی مسائل موجود در استان، به‌ویژه در نواحی روستایی است که یکی از دلایل عدم رغبت دانشجویان، به‌ویژه دانشجویان روستایی نسبت به انتخاب این موضوعات برای پایان‌نامه است. برای این امر، ادارات باید نسبت به بازنگری موضوعات پژوهشی با تأکید بر مسائل واقعی و روز استان و به‌ویژه نواحی محروم و روستایی اقدام کنند.

۴. در چالش بعدی، یعنی «کلی بودن موضوعات و غیرقابل کار بودن برخی موضوعات بعضی سازمان‌ها»، لازم است همه ادارات، سازمان‌ها و نهادهای مربوط، نسبت به بازنگری و واقعی‌سازی موضوعات در راستای چالش‌های موجود اقدام کرده و سپس نسبت به دسته‌بندی آن‌ها در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رساله دکتری، طرح پژوهشی استانی یا شهرستانی اقدام کنند و موضوعات را با توجه به سطح مطالعاتی تعریف کنند. در این زمینه می‌توانند از تجربیات استادان دانشگاه بهره کافی و وافی را ببرند.

۵. درخصوص چالش «نبودن یا عدم اختصاص اعتبارات لازم برای انجام پارساها» توسط نهادها و سازمان‌های مربوط که عمدتاً به مباحث کمبود بودجه کشور برمی‌گردد، می‌توان به‌جای ارائه موارد فراوان و نداشتن بودجه برای آن، کار را به چند مورد دارای بودجه محدود کنند که امکان اجرای حداقل این موارد توسط دانشگاه‌ها فراهم شود.

۶. در مورد چالش دیگر «نبود امکانات یا آزمایشگاه‌های لازم در دانشگاه یا سازمان‌ها برای انجام برخی موضوعات پیشنهادی سازمان‌ها، با عنوان پارساها که واقعاً چالش بزرگی است، باید فکر اساسی انجام داد. بر این اساس، تقویت و تجهیز آزمایشگاه‌های دانشگاه و نیز استفاده از امکانات سایر دستگاه‌های اجرایی مرتبط نیز پیشنهاد می‌شود.

۷. در بحث عدم‌آشنایی دانشجویان و بعضی از استادان با موضوعات مرتبط تقاضامحور، باید اطلاع‌رسانی درست، کامل و جامع ابتدا توسط نهادها انجام شود و سپس توسط دانشگاه به شکل مناسب‌تری اطلاع داده شود تا دانشجویان و استادان مرتبط با آن موضوعات مطلع شده و کار را انجام دهند؛ بنابراین اطلاع‌رسانی درست، مناسب، به‌موقع و کافی، ابتدا از طرف سازمان‌های مربوط و سپس از طرف دانشگاه، از ضروریات این موضوع است.

۸. در خصوص عدم‌اطلاع‌رسانی موضوعات تقاضامحور در زمان مناسب، به‌ویژه از طرف ادارات و سپس دانشگاه، لازم است یک سامانه یکپارچه درون‌استانی و با موضوعات مختلف راه‌اندازی شود و سپس هر نهاد و سازمان، موضوعات خود را به‌صورت فصلی یا شش ماه یکبار به‌روزرسانی کرده و دانشگاه آن را در اختیار استادان و دانشجویان قرار دهد.

۹. یکی دیگر از چالش‌های موجود، عدم‌اطلاع از روند فرایند و مراحل تقاضامحور کردن پایان‌نامه توسط دانشجویان و حتی استادان است که این مورد را باید دانشگاه با برگزاری کارگاه‌های مختلف و گذاشتن دستورالعمل شفاف و فرم‌های مخصوص، شفاف کند. هم‌اکنون این موضوع به‌گونه‌ای است که حتی فرم نمونه قرارداد پژوهشی در سایت دانشگاه وجود ندارد و این فرایند را باید همه استادان و دانشجویان با آزمون و خطا و فرایندهای بسیار و با احتمال موفقیت پایین، به سرانجام برسانند؛ از این رو دانشگاه می‌تواند این مسئله را با طراحی فرایند و تعریف فرم‌ها و توضیح آن‌ها و نیز ایجاد فایل‌های آموزشی، رفع کند.

۱۰. اجبار به دادن خروجی‌های خاصی مانند مقالات خارجی با داشتن ضریب تأثیر یا نمایه‌های بین‌المللی با ضرایب Q1 و Q2 و... به‌ویژه برای رشته‌های علوم انسانی در پارساهای تقاضامحور، معضلی است که باید حل شود؛ در غیر این صورت، رشته‌هایی مانند علوم انسانی حداقل استقبال از آن‌ها را خواهند داشت؛ بنابراین برای حل این مشکل، توجه به رشته، عنوان و موضوع، باید خروجی‌های پارساها مشخص شود، نه اینکه همه رشته‌ها مانند هم دیده شده و از آن‌ها خروجی‌های یکسان یا نزدیک به هم خواسته شود؛ به‌عنوان مثال، برای رشته‌های علوم انسانی، مقالات با نمایه ISC دارای ضریب تأثیر، به‌عنوان خروجی مهم می‌تواند نقش پررنگی در استقبال از پارساهای تقاضامحور در رشته‌های علوم انسانی داشته باشد.

۱۱. در خصوص معضل بعدی که بحث شد، عدم‌حمایت مالی بعضی نهادها به‌دلیل نداشتن بودجه پژوهشی یا محدودیت بودجه‌ای است که در این خصوص لزوم حمایت نهادهایی مانند بنیاد برکت، بنیاد مستضعفان، معاونت

علمی فناوری ریاست جمهوری و... می‌توانند بسیار کمک‌کننده باشند؛ بنابراین گرفتن ارتباط با این نهادها توسط دانشگاه و گرفتن بودجه از آن‌ها، در جهت حل این معضلات، می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مناسب در نظر گرفته شود. همچنین اختصاص بخشی از بودجه این سازمان‌ها به بخش پژوهش، بسیار مفید خواهد بود. در صورت نبود بودجه، بهتر آن است که این سازمان‌ها که بودجه‌ای برای موضوعات پیشنهادی خودشان ندارند، حداقل موضوعی اعلام نکنند و در صورت وجود بودجه، اعلام کنند.

۱۲. در مورد چالش آخر، لازم است دانشگاه‌ها نسبت به بازنگری دیدگاه خود در مورد اصرار بیش از حد بر تقاضامحور کردن پایان‌نامه‌ها، اقدام کنند؛ زیرا با داشتن این دیدگاه و تویی کردن تعدادی از آن‌ها برای ارتقا و داشتن امتیاز بیشتر، صرفاً نسبت به بی‌محتواکردن پارساها و بی‌جهت و بی‌مورد تقاضامحور کردن آن‌ها، اصرار می‌کنند و به جای حل مسئله، نسبت به ایجاد مسئله جدیدی برای استادان اقدام می‌کنند که نه تنها خروجی خوبی نخواهد داشت، بلکه به راه‌اندازی مسابقه‌ای بی‌پایان، برای گرفتن پارساهای تقاضامحور بین استادان به هر قیمتی (حتی رایگان انجام دادن) و کم‌ارزش کردن جایگاه استادان و دانشگاه به دست خود، اقدام کرده‌اند! از این رو لازم است این راهکار حتماً مورد توجه دانشگاه‌ها قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

امروزه یکی از اهداف اصلی دانشگاه‌ها، شناسایی، بررسی و حل معضلات جامعه است. این رسالت در سال‌های اخیر در قالب پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی‌ارشد و دکتری، شکل جدی‌تری به خود گرفته و با عنوان پارساهای تقاضامحور مطرح شده است. در پارساها، نهادها، سازمان‌ها و ادارات دولتی و خصوصی با اعلام اولویت‌های پژوهشی که عمده‌تاً مربوط به صنعت و جامعه است، نسبت به رفع نیازهای پژوهشی جامعه اقدام می‌کنند و دانشگاه به‌عنوان مجری انجام آن، نقش کلیدی و اساسی خود را ایفا می‌کند؛ اما این موضوع، با توجه به نبودن آن، خالی از چالش و مسئله نیست؛ بنابراین در این پژوهش نسبت به بررسی چالش‌های پارساهای تقاضامحور و راهکارهای حل این چالش‌ها اقدام شد. در نهایت چالش‌ها با بررسی تجربیات استادان و دانشجویان، شناسایی و در این خصوص راهکارهای حل آن‌ها ارائه شد.

کاهش شکاف بین دانشگاه و صنعت در رشته‌های مهندسی برق از طریق پارساهای تقاضامحور

مجید قدردان*

استاد گروه برق و الکترونیک، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

مجتبی شهرکی

استاد گروه برق و الکترونیک، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

در حال حاضر شکاف زیادی بین دانشگاه و صنعت در کشور ما وجود دارد، در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته، دانشگاه و صنعت با همکاری هم به رفع نیازهای جامعه می‌پردازند. پارساها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در رفع مشکلات بخش‌های مختلف صنایع داشته باشند. به دلیل نزدیکی رشته مهندسی برق به صنعت و لزوم به‌روزر بودن فناوری‌های صنعتی، پارساهای تقاضامحور رشته مهندسی برق از اهمیت زیادی برخوردار هستند و به عنوان موضوع این مقاله در نظر گرفته شده‌اند. کیفی بودن معیارهای ارزشیابی، افزایش انگیزه دانشجویان و استادان، استفاده از فرصت‌ها و رفع چالش‌های موجود از عوامل مؤثر بر نزدیک شدن دانشگاه و صنعت در رشته مهندسی برق هستند که به بررسی این موارد پرداخته‌ایم.

واژه‌های کلیدی: پارساهای تقاضامحور، دانشگاه، صنعت، مهندسی برق.

مقدمه

آموزش در رشته‌های مهندسی در طول سال‌های مختلف، مسیر پر پیچ و خمی را طی کرده‌است. مأموریت دانشگاه باید همواره پرورش مهندسان و متخصصان صنعت باشد و تعداد کمی از فارغ‌التحصیلان به تحصیل خود ادامه دهند تا دانش پژوه شوند. متأسفانه، با ظهور علوم مهندسی مدرن، آموزش مهندسی شروع به جدا شدن از عمل مهندسی کرد. تعداد کمتری از اعضای هیئت علمی به عنوان مهندس فعالیت کردند و علم مهندسی به فرهنگ غالب دانشکده‌های مهندسی تبدیل شد. در سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی برای پرکردن شکاف بین آموزش و عمل آغاز شده‌است [۱].

امروزه شکاف بین دانشگاه و صنعت به تدریج در اکثر کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده آمریکا، آلمان و انگلستان پر شده‌است. در مراحل اولیه صنعتی شدن آمریکا، دولت مسیر آموزش مهندسی را با قانون هدایت کرد و نقش مهمی در توسعه آن داشت.

* نویسنده مسئول: ghadrdan@ece.usb.ac.ir

با توجه به اجرای همه‌جانبه آموزش مهندسی، فرایند صنعتی‌شدن با پشتیبانی فنی به‌موقع و کارآمد فراهم شد. در آلمان، با وجود اینکه آموزش مهندسی از دانشگاه‌های سنتی جدا شد، اما بر تحقیقات دانشگاهی به جای شیوه‌های مهندسی متمرکز بود. البته در مسیر صنعتی‌شدن، آموزش مهندسی در تأمین تعداد زیادی متخصص با کیفیت بالا و تأمین نیازهای منابع انسانی صنعتی به اندازه کافی نقش مؤثری ایفا کرد. در انگلستان، آموزش مهندسی با تأسیس کمیته مهندسی انگلستان بسیار موفق بود؛ چراکه برنامه‌های درسی جدید آموزش فناوری وارد حلقه‌های آموزشی مهندسی شد و گواهی‌ها، دیپلم و مدارک جدید آموزش در رشته مهندسی در سطوح مختلف از مقدماتی تا عالی تنظیم شد. صلاحیت‌های حرفه‌ای که توسط این کمیته و مدارک تحصیلی توسط دانشگاه‌های مهندسی اعطا می‌شدند، توسط صنعت به‌طور مساوی پذیرفته شدند. در این کشورهای توسعه‌یافته، به‌مرور ارتباط مستمر و پویای صنعت و دانشگاه چرخه مثبتی را به‌وجود آورد و سبب شد به توسعه و رشد همدیگر کمک کنند [۲].

با بررسی تاریخچه ارتباط صنعت و دانشگاه در ایران نیز می‌توان دریافت که در ابتدا هدف اصلی ایجاد دانشگاه‌ها آموزش نیروی متخصص برای صنعت بود و نه برای تأمین نیازهای پژوهشی. به‌مرور دانشگاه‌های ایران در کنار آموزش به انجام پژوهش روی آوردند. مسیر و چشم‌انداز این تغییر وظایف این بود که همراه با پژوهش، دانش فنی تولید شود و این دانش در اختیار صنعت قرار گیرد تا ارتباط تنگاتنگی بین دانشگاه و صنعت برقرار شود و در ادامه علاوه بر تأمین نیازهای فناوری صنعت، خود دانشگاه‌ها به سمت کارآفرینی حرکت کنند و با ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان، خروجی‌های پژوهش خود را به محصولات فناورانه تبدیل و کسب درآمد کنند. متأسفانه در ایران، دانشگاه‌ها و صنایع نتوانستند این چشم‌انداز را به نحو احسن پیاده‌سازی کنند و از تحلیل تاریخی روند دانشگاه و صنعت می‌توان نتیجه گرفت که پیوند میان دانشگاه و صنعت در کشور ضعیف است [۳ و ۴].

از آنجایی که پارساهای دانشجویی مهم‌ترین خروجی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها هستند، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد جریان علمی و صنعتی کشور دارند و می‌توانند با ارائه راهکارهای علمی، مشکلات بخش‌های مختلف صنایع را رفع کنند. همچنین گرایش‌های مختلف رشته مهندسی برق جزء مجموعه‌های مهم در حوزه صنعت و تکنولوژی هستند؛ از این‌رو بررسی عوامل تأثیرگذار بر کاهش فاصله بین دانشگاه و صنعت در رشته‌های مهندسی برق از طریق پارساهای تقاضامحور به‌عنوان موضوع این مقاله در نظر گرفته شده است. در این مقاله به معیارهای ارزشیابی، راهکارهای افزایش انگیزه دانشجویان و استادان و فرصت‌ها و چالش‌های موجود در رشته‌های مهندسی برق برای اجرای پارساهای تقاضامحور پرداخته شده است.

معیارهای ارزشیابی کمی و کیفی پارساهای تقاضامحور

با توجه به محدودیت‌های مشخصی که در راستای چنین پارساهایی وجود دارد، به‌نظر می‌رسد ارزیابی چنین پارساهایی از دیدگاه کمی مناسب نباشد؛ بلکه در ارزیابی این‌گونه پارساها باید نتایج حاصل‌شده ملاک عمل قرار

گیرد. هر چند این پارساها برای حل معضلات جامعه و صنعت مطرح شده‌اند، اما در برخی موارد به دلیل محدودیت‌های مشخصی ممکن است منجر به نتیجه ملموسی در معضل مطرح شده نشوند. ازجمله این محدودیت‌ها می‌توان به محدودیت‌های مالی و عدم تمایل به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید اشاره کرد که می‌تواند ناشی از عدم اطمینان در مورد نتایج مثبت این تحقیقات باشد. مسئله مدت زمان و به سرانجام نرسیدن تحقیق در موعد مقرر تحصیل دانشجو، از دیگر محدودیت‌های این پارساهاست؛ اما با این حال حتی بدون رسیدن به نتایج موردنظر، پارساهای تقاضامحور می‌توانند راه را برای تحقیقات بعدی که منجر به حل موضوع با بررسی دیدگاهی متفاوت باشند، باز کنند؛ بنابراین نگاه کمی یا حتی دستاوردمحور در بررسی این گونه پارساها می‌تواند منجر به سرگستگی و حتی ناامیدی افراد شود.

راهکارهای افزایش انگیزه دانشجویان و استادان برای اجرای پارساهای تقاضامحور

یکی از چالش‌های استادان، به‌ویژه استادان جوان در ابتدای خدمت، کسب امتیازات لازم برای ترفیع و ارتقا و... است که بخش قابل توجهی از این امتیازات مربوط به فعالیت‌هایی ازجمله انتشار مقالات است. امروزه بیشتر وقت و انرژی استادان کشور صرف نگارش پارساهایی می‌شوند که در عمل دستاورد قابل‌اجرایی برای رفع نیازهای داخل ندارند و تنها به‌عنوان پله‌ای برای ارتقای استادان و فارغ‌التحصیلی دانشجویان تلقی می‌شود؛ چراکه موضوعات این پارساها و مقالات چاپ‌شده آن‌ها، بر روی مرزهای دانش حرکت می‌کنند و در عمل نگاهی به مشکلات داخلی ندارند که بخواهند برای رفع آن راهکار علمی و عملی ارائه دهند. از طرفی فعالیت در زمینه پارساهای تقاضامحور در شرایط کنونی جامعه، معمولاً بازدهی سریعی ندارد و در بسیاری از موارد (مثلاً فعالیت‌های نظامی) محدودیت‌های زیادی در زمینه انتشار دستاوردها وجود دارد؛ به‌عنوان نمونه، فعالیت در زمینه آنتن‌هایی با کاربرد نظامی یا رادارها به دلیل ماهیت محرمانه آن‌ها، چالش‌ها و محدودیت‌های زیادی را در زمینه انتشار نتایج ایجاد می‌کند. جایگزینی امتیازات این گونه پارساها در امتیازات و تویی مربوط به چاپ مقالات و... می‌تواند انگیزه بیشتری برای استادان فراهم کند. این موضوع همچنین برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی به‌ویژه دانشجویان دکتری مؤثر است. هرچند شرایط لازم برای دفاع از رساله‌های دکتری مهندسی برق در دانشگاه‌های مختلف متفاوت است، اما معمولاً انتشار حداقل یک مقاله با نمایه ISI در اکثر دانشگاه‌ها به‌عنوان پیش‌شرط دفاع از رساله تلقی می‌شود. با توجه به این موضوع، برخی از دانشجویان تمایلی به فعالیت در زمینه پارساهای تقاضامحور ندارند. در نقطه مقابل، اولویت اکثر دانشجویان، انتخاب پارساهایی در زمینه‌هایی است که بر روی مرزهای دانش باشند و منجر به انتشار مقالات شوند و نه پارساهایی که بتوانند گره از مشکلات اساسی جامعه باز کنند. در صورت جایگزینی امتیازات پارساهای تقاضامحور با امتیازات موردنیاز استادان و دانشجویان در سطوح مختلف، این پارساها به‌نسبت دیگر پایان‌نامه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار خواهند شد.

این پارساها از بیرون دانشگاه تأمین مالی شده و طبیعی است که به دنبال ارائه راه حل علمی و عملی برای رفع مشکل مربوط باشند. علی رغم این موضوع، اهمیت دادن بیش از اندازه به نتایج به دست آمده یا مبلغ قراردادهای منعقد شده، می تواند به عنوان یک عامل بازدارنده مطرح شود؛ به عنوان مثال تحقیقات در موضوعاتی که به چرخه طبیعی محیط زیست وابسته است، به دلیل تغییرات شدید آب و هوایی ممکن است طی زمان تعیین شده به نتیجه خاص و قابل اتکایی منجر نشوند (از جمله، تحقیقات مربوط به سلول های خورشیدی و نیروگاه های بادی). همچنین به دلیل محدود بودن بودجه های پژوهشی شرکت ها، فعالیت در بخش های مختلف با حمایت های مالی متفاوتی از بیرون دانشگاه مواجه می شوند؛ از این رو دانشگاه ها می توانند با کاهش سقف مالی مورد نیاز برای حمایت از این پارساها یا حتی تعیین بودجه برای کمک به ترویج و اشاعه آن ها انگیزه بیشتری برای محققان فراهم آوردند.

یکی از موضوعات مهم اصلاح سیستم، ارتقای اعضای هیئت علمی و ارزیابی دانشجویان است. در شرایط موجود، استادان و دانشجویان تمایل دارند بیشتر پژوهش های نو انجام دهند و بر مرزهای دانش حرکت کنند و نسبت به نیازهای صنعت برق کشور فعالیت کمتری داشته باشند. راهکار دیگری که می توان در نظر گرفت، توسعه فرصت های مطالعاتی برای استادان و ایجاد دوره های کارآموزی برای دانشجویان در صنعت است که سبب می شود وضعیت عملی و واقعی این صنعت به سطح دانشگاه و دانشجویان منتقل شود.

فرصت ها و چالش های موجود در رشته مهندسی برق برای اجرای پارساهای تقاضامحور

از جمله مهم ترین نیازمندی های صنعت برق، نیروی انسانی متخصص و در دسترس در حوزه برق، انجام پژوهش در رابطه با مشکلات موجود در صنعت برق، تعهد و سرعت در انجام پژوهش و انجام پژوهش ها با کمترین هزینه ممکن است. قطعاً فرصت های موجود در هر رشته و در هر شهر با توجه به زیرساخت های موجود در هر شهر تعیین می شود. در زمینه مهندسی برق یکی از مهم ترین فرصت ها در استان سیستان و بلوچستان، سلول های خورشیدی و نیروگاه های بادی است که می تواند دریچه ای رو به تعامل دانشگاه و جامعه باشد. هوشمندسازی و اینترنت اشیا، از دیگر فرصت های موجود در استان در زمینه پارساهای تقاضامحور است.

از طرفی نبود زیرساخت های لازم در بسیاری از موارد، چالش اصلی این گونه پارساها به شمار می رود. متأسفانه در استان سیستان و بلوچستان در این زمینه مشکلات متعددی وجود دارد. ممکن است بسیاری از استادان، دارای تخصص خاصی باشند که امکانات و زیرساخت های لازم برای فعالیت تقاضامحور در این استان برای آن ها فراهم نباشد. در این زمینه می توان به دو محدودیت اساسی اشاره کرد:

زیرساخت‌های موجود در استان سیستان و بلوچستان

تعداد زیادی از صنایع از جمله صنعت الکترونیک در بسیاری از شهرها همچون تهران، مشهد، شیراز و اصفهان، صنایع نظامی و غیرنظامی متعددی از جمله «صایران» و «ایران‌فن» وجود دارند؛ درحالی‌که استان سیستان و بلوچستان فاقد چنین صنایعی است.

منفعل‌بودن صنایع مادر در استان

بخش‌های تحقیق و توسعه شرکت‌های بزرگی همچون «همراه اول» و «ایرانسل» تنها در مراکز صنعتی کشور فعال بوده‌اند و چنین شرکت‌هایی در استان سیستان و بلوچستان تنها به ارائه خدمات می‌پردازند.

ازطرفی دیگر، وجود دانشگاه‌های مختلف در شهرهای صنعتی، امکان فعالیت مجزای استادان این دانشگاه را برای ارتباط با صنایع خارج از استان محدود می‌کند. به نظر می‌رسد که در این زمینه بهترین اقدام، تعریف پروژه‌های مشترک با دیگر دانشگاه‌ها و استفاده همزمان از پتانسیل‌ها موجود در دانشگاه‌ها باشد. در این زمینه، علاوه بر فعالیت‌های اعضای هیئت علمی برای رایزنی با دیگر دانشگاه‌ها، تلاش مستمر مسئولان دانشگاه و همچنین دفتر ارتباط با صنعت می‌تواند مؤثر واقع شود.

همواره یکی از چالش‌های مهم ارتباط با صنعت، نحوه تنظیم و اجرای قراردادهاست. برای تسهیل این موضوع، وزارت علوم و دانشگاه‌ها می‌توانند مسیر مشخصی تعیین کنند تا افراد از پیچ‌وخم‌های این فرایندهای طاقت‌فرسا رهایی یابند؛ به عنوان مثال وجود یک سامانه مشخص برای ثبت قراردادها و تعریف بودجه و سهم دانشگاه و... می‌تواند تا حد قابل ملاحظه‌ای منجر به کاهش فرایندهای موجود و همچنین شفاف‌سازی قراردادها شود.

همچنین با توجه به عدم اعتماد صنعت به دانشگاه، دانشگاه می‌تواند اقدام به تخصیص بودجه پژوهشی در زمینه فعالیت صنعتی به اعضای هیئت علمی مرتبط با بخش صنعت کند و پرداخت اعتبار پژوهشی به همکاران مرتبط با صنعت به شرط دستیابی به نتیجه و حل شدن مسئله از طرف دانشگاه انجام گیرد. به این صورت که دانشگاه مسئله مطرح شده از طرف صنعت را دریافت کند و پس از بررسی و دستیابی به نتیجه از طرف تیم علمی، اقدام به انعقاد قرارداد با بخش صنعت کند و هزینه کلی طرح به دانشگاه از طرف صنعت پرداخت شود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی عوامل تأثیرگذار بر کاهش فاصله بین دانشگاه و صنعت در رشته‌های مهندسی برق از طریق پارساهای تقاضامحور مانند معیارهای ارزشیابی، راهکارهای افزایش انگیزه دانشجویان و استادان، فرصت‌ها و چالش‌های موجود در رشته‌های مهندسی برق پرداخته شد. بررسی‌ها نشان داد ارزشیابی کیفی پارساهای تقاضامحور، اصلاح سیستم ارتقای اعضای هیئت علمی و ارزیابی دانشجویان، شناسایی نیازمندی‌های

صنایع مرتبط با رشته برق و تسهیل امور مالی پارساهای تقاضامحور از عوامل مهم در نزدیک شدن دانشگاه و صنعت است.

منابع

- [1] Iqbal A.M. Khan A.S. Iqbal S. Senin A.A. Designing of Success Criteria-based Evaluation Model for Assessing the Research Collaboration between University and Industry, International Journal of Business Research and Management (IJBRM). 2011; 2(2): 59-73.
- [2] Wang Y. Qi Z. Li Z. Institute–industry interoperation model: an industry-oriented engineering education strategy in China, Asia Pacific Educ. Rev. 2011; 12: 665–674.
- [۳] آراسته ح. ارتباط دانشگاه و صنعت. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۱۳۸۳؛ ۱۰(۳): ۵۷–۹۸.
- [۴] جعفری ز. ابراهیم‌پور ازبری م. اکبری م. نقش تأثیر ارتباط دانشگاه و صنعت در بهبود عوامل مؤثر در عملکرد پایدار شرکت‌های کوچک و متوسط. سیاست‌نامه علم و فناوری. ۱۴۰۰؛ ۱۱(۲): ۱۷–۳۴.

پارساهای تقاضامحور، ضرورت، چالش‌ها و معرفی سامانه‌های مرتبط

سمیرا نوفرستی*

استاد گروه فناوری اطلاعات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

سید امیر اسعد فاطمی

استاد گروه مهندسی معدن، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

دانشگاه به عنوان یک نهاد علمی، بستر تحقق مرجعیت علمی است. مرجعیت علمی به نوعی پیشگامی در عرصه علم است. شاخصه مرجعیت علمی، پاسخ به سؤالات و راه حل مسائل است. بالاترین جنبه از مرجعیت علمی، در انجام پژوهش‌های کاربردی نمود پیدا می‌کند که استادان دانشگاه بی‌واسطه در حل مسائل جامعه و ایفای نقش مسئولیت اجتماعی مشارکت می‌کنند. پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی که به اختصار «پارسا» نامیده می‌شوند، به خصوص رساله‌های دکتری، یکی از معتبرترین تولیدات علمی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی محسوب می‌شوند. جهت‌دهی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در پاسخگویی به نیازهای علمی جامعه، یکی از دغدغه‌های جامعه دانشگاهی است؛ اما سازماندهی نیازها و ایجاد ارتباط معنادار و کاربردی با سازمان‌ها، نهادها و بنگاه‌های اقتصادی، مستلزم بهره‌مندی از نظریات علمی و پژوهشی است که خود مسئله‌ای جدید و چالشی نو را فراروی مراکز آموزشی می‌گذارد. در این مقاله سعی شده است تا ضمن تشریح منافع و چالش‌های انجام پایان‌نامه‌های تقاضامحور، مسیرهای موجود در جهت دریافت عناوین پژوهشی تقاضاشده بررسی شود و سامانه‌ها و سایت‌های معرفی اولویت‌های پژوهشی در جهت انجام پارساهای تقاضامحور تشریح شود.

واژه‌های کلیدی: پارساهای تقاضامحور، چالش‌ها، سامانه‌ها.

مقدمه

گسترش و افزایش تعداد دانشگاه‌ها در کنار مدرک‌گرایی باعث شده است در سال‌های اخیر تعداد دانشجویان در مقطع تحصیلات تکمیلی افزایش یابد و به تبع افزایش تعداد دانشجویان، حجم انبوهی از عناوین پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی (پارسا) تعریف شود. تمایل به اتمام هرچه سریع‌تر دوره تحصیلی، باعث شده است عناوین پارساهای انتخاب‌شده تناسبی با نیازهای پژوهشی جامعه و صنعت نداشته باشد. از سوی دیگر، در بازار رقابتی شدید و با توجه به تغییر بسیار سریع فناوری، سازمان‌ها، نهادها و بخش‌های صنعت و تولید همچنان نیازمند پژوهش‌های کاربردی برای دستیابی به اهداف راهبردی خودشان هستند.

* نویسنده مسئول: snoferesti@ece.usb.ac.ir

برای سازماندهی این نیازها و ایجاد ارتباط مؤثر بین اولویتهای پژوهشی سازمانها، شرکتها و بخشهای مختلف جامعه در جهت تعریف عناوین پارساهای تقاضامحور، باید سازوکاری طراحی شود تا پژوهشهای انجام شده در دانشگاهها کاربردی و نیازمحور تعریف شوند.

وضعیت موجود در خصوص پایان نامه ها و رساله های دانشجویی حاکی از آن است که فرایند تدوین پایان نامه ها و رساله های دانشجویی با ارائه موضوع از سوی دانشجو و بررسی آن در گروه های علمی دانشکده ها و مؤسسات آموزش عالی صورت می پذیرد. در این فرایند در بسیاری مواقع حتی دانشجو موظف است خود موضوع پیدا کند و به استاد راهنما پیشنهاد دهد. چه بسا که در اکثر موارد برای تدوین پارساهای دانشجویی هزینه های مادی و معنوی فراوانی می شود، بدون آنکه این هزینه ها از محل کاربردی سازی پایان نامه یا رساله فراهم شود و طبیعتاً نتایج آن نیز به جز بایگانی در کتابخانه های دانشگاه هیچ ثمری نخواهد داشت.

با توجه به سیاست های انقباض مالی دانشگاه و افزایش هزینه های انجام تحقیقات، اهمیت انجام پژوهش های تقاضامحور افزایش یافته است و سیاست های ابلاغی وزارت عتف نیز بر اهمیت توانمندسازی دانشجویان برای همکاری با بخش های بیرون از دانشگاه ها برای حل نیازهای واقعی آنها تأکید می کند؛ یعنی چالش های روزانه ای که شرکت ها و سازمان های مختلف با آن مواجه هستند و دانشجویان تحصیلات تکمیلی می توانند در ارائه راه حل برای آنها کمک کنند. در این فرایند چنانچه دانشجویان متوجه شوند که آموزش نظری آنها می تواند برای حل مسائل عملی استفاده شود، بینش و اعتماد به نفس بسیار مفیدی به آنها خواهد داد. علاوه بر این، تفاوت بین الزامات محیط دانشگاهی با الزامات بخش توسعه یک شرکت را خواهند آموخت که بسیار مفید خواهد بود. یکی از این تفاوت ها، تفاوت افق زمانی در محیط دانشگاهی و بیرون دانشگاهی است؛ زیرا شرکت ها به ندرت چندین سال فرصت دارند تا روی یک پروژه کار کنند و تمایل دارند هرچه زودتر به نتیجه برسند؛ در حالی که در محیط دانشگاهی ممکن است چندین مرتبه زمان انجام پارسا تمدید شود.

انجام تحقیقات مشترک با صنعت و جامعه ممکن است برای بسیاری استادان دانشگاه امری عادی باشد، اما برای اغلب دانشجویان به خصوص در مقطع کارشناسی ارشد، اولین مواجهه آنها با انجام یک فرایند تحقیقاتی سفارش شده است [۱]. در چنین شرایطی ایجاد تعادل بین کار، زندگی شخصی و خانوادگی، فعالیت دانشگاهی و تحقیق، برای بسیاری از دانشجویان ممکن است چالش برانگیز باشد. افزودن تعهد همکاری های تحقیقاتی با واحدهای بیرون از دانشگاه می تواند عوارض بیشتری ایجاد کند [۲]. با این حال، مزایای شخصی، مالی، حرفه ای و شناختی زیادی برای همکاری در پروژه های تحقیقاتی وجود دارد.

انجام پارسای تقاضامحور می تواند دانشجویان فارغ التحصیل را قادر سازد تا خود را به عنوان یک فرد علمی حرفه ای معرفی کنند و می تواند به آنها در توسعه مهارت های شناختی، شیوه های سازمانی و روش های تحقیق کمک کند [۳]. با این حال، یادگیری نحوه تحقیق، انجام و نوشتن پایان نامه تقاضامحور می تواند برای دانشجویان چالش برانگیز باشد. تقریباً تمام یادگیری ها اساساً یک فرایند اجتماعی است و همکاری ممکن است به دانشجویان این امکان را بدهد که همزمان با بحث و گفتگو با دیگران و تأمل در فرایند پژوهش، تحقیق کنند [۴].

با یادگیری اجتماعی مناسب تحت هدایت یک عضو هیئت‌علمی، با توجه به امکان مشاوره‌های همزمان و تبادل نظر با همتایان و استفاده از تجربیات آن‌ها، دانشجویانی که پارسای تقاضامحور انجام می‌دهند می‌توانند امکان دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده را افزایش دهند و به متفکران متفکرتری تبدیل شوند؛ حتی دانشجویان می‌توانند از گروه‌های حمایتی در هنگام انجام فرایند پارسا بهره ببرند [۵]. طبیعتاً این همکاری به دانشجویان در تولید نتایج با کیفیت بالاتر کمک می‌کند. همچنین، این شیوه همکاری امکان بحث و ویرایش مداوم را فراهم می‌کند که منجر به بالاتر رفتن کیفیت نتایج ارائه‌شده به سفارش‌دهنده خواهد شد.

چالش‌های پارساهای تقاضامحور

انجام پارسای سفارش‌داده‌شده، پتانسیل رشد را برای محققان فراهم می‌سازد؛ اما ممکن است چالش‌های متمایزی را به همراه داشته باشد. همکاری موفق به ویژگی‌های شخصیتی فرد، پویایی گروه، اعتماد و ارتباطات بستگی دارد [۳]. اگر استاد و دانشجو به اندازه کافی تعهدات انجام پارسا را جدی نگیرند و زمانی را برای برقراری ارتباط و برنامه‌ریزی انجام پارسا پیدا نکنند، ممکن است اعتماد سفارش‌دهنده را از دانشگاه‌ها سلب کند [۵]. همچنین بحث‌هایی درباره چگونگی چاپ نتایج در نشریه پژوهشی وجود دارد. برخی از مؤسسات آموزشی نگران هستند که پروژه‌های مشترک با سازمان‌های خارج از دانشگاه در مرز دانش نیستند و ممکن است دانش و کسب مهارتی که در طول پایان‌نامه حاصل می‌شود، تضعیف کند.

از دیگر مشکلات پیش‌روی پارساهای تقاضامحور، عدم شناخت نهادهای سفارش‌دهنده عناوین پژوهشی از تقویم آموزشی دانشگاه‌هاست. در بسیاری از موارد، سفارش‌دهنده اولویت‌های پژوهشی را در زمانی اعلام می‌کند که مطابق با تقویم آموزشی دانشگاه برای تصویب پروپوزال‌های پارساها نیست. این امر منجر به یک وقفه زمانی برای تصویب در دانشگاه و اعلام به سازمان سفارش‌دهنده می‌شود. تأخیر ایجادشده ممکن است به عدم تمایل دانشجویان برای انجام اولویت‌های پژوهشی تعبیر شود. در نهایت در سال‌های بعد نهادهای سفارش‌دهنده، اولویت‌های پژوهشی خود را به دانشگاه‌ها اعلام نخواهند کرد. ایجاد هماهنگی بین دانشگاه و نهادها برای زمان اعلام اولویت‌های پژوهشی می‌تواند تا حدودی مشکل ایجادشده را برطرف کند.

سامانه‌های معرفی عناوین پارساهای تقاضامحور

با توجه به اهمیت پژوهش‌های کاربردی و سوق دادن پایان‌نامه‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی به سمت حل مسائل و مشکلات جامعه، به شیوه‌های مختلفی این اولویت‌ها به اطلاع دانشجویان و پژوهشگران رسانده می‌شود. به جز روش‌های سنتی که اولویت‌ها توسط سازمان‌ها برای دانشگاه‌ها ارسال می‌شود، در سالیان اخیر تعدادی سامانه نیز راه‌اندازی شده‌است که از طریق این سامانه‌ها نیازهای پژوهشی صنایع، سازمان‌ها و نهادهای مختلف احصا و سپس اطلاع‌رسانی می‌شود. در ادامه به معرفی شاخص‌ترین این سامانه‌ها پرداخته شده‌است.

سامانه تاپ

طرح توانمندسازی تولید و توسعه اشتغال پایدار (تاپ) با محوریت معاونت آموزش، پژوهش و فناوری وزارت صنعت، معدن و تجارت و با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ستاد کل نیروهای مسلح اجرا می‌شود.

هدف این طرح، توسعه دانش بنیان بنگاه‌ها از طریق بهره‌مندی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی، ارتقای سطح مهارت فارغ التحصیلان مشمول خدمت سربازی، تقویت ارتباط و تعامل بین صنعت و دانشگاه با هدف کاربردی شدن دانش و یافته‌های جدید علمی و فناوری اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، ارتقای توان فنی و مهندسی بنگاه‌های صنعتی، معدنی و تجاری و ظرفیت‌سازی اشتغال از طریق خلق ارزش افزوده جدید و تأمین اشتغال‌زایی و پایدار است.

این طرح در سه بخش برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی که تمایل دارند پایان‌نامه‌های خود را به صورت مسئله محور انجام دهند، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی که مایلند در قالب طرح پسادکتری صنعتی و فرصت مطالعاتی یا انجام پروژه‌های مستقل یا مشترک در بنگاه‌های صنعتی و معدنی فعالیت کنند و دانش‌آموختگان مشمول خدمت سربازی که تمایل دارند دوران خدمت سربازی خود را در بنگاه‌های اقتصادی بگذارانند، اجرا می‌شود.

در این سامانه، دانشجوی تاپ به دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور اطلاق می‌شود که براساس شیوه‌نامه سنجش صلاحیت دانشجو مصوب وزارت صنعت، معدن و تجارت در طرح تاپ پذیرفته شده باشند. همچنین سرباز تاپ، داوطلبان خدمت دانش‌آموخته کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری هستند که آن‌ها نیز باید براساس شیوه‌نامه سنجش صلاحیت سرباز مصوب وزارت صنعت، معدن و تجارت در طرح تاپ پذیرفته شده باشند. استاد تاپ به اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی (دارای مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) اطلاق می‌شود که مایلند در قالب طرح پسادکتری صنعتی، فرصت مطالعاتی در بنگاه‌های صنعتی و معدنی یا انجام پروژه‌های مستقل یا مشترک فعالیت کنند.

در این سامانه کلیه بنگاه‌های فعال خصوصی، عمومی و دولتی دارای مجوز از مراجع (صنعت، کشاورزی و خدمات)، می‌توانند تقاضای نیروی انسانی کنند و نیازهای پژوهشی و فناورانه خود را در سامانه تاپ وارد کنند. براساس شیوه‌نامه سنجش صلاحیت بنگاه مصوب وزارت صنعت، معدن و تجارت، ارزیابی از بنگاه‌ها انجام می‌شود و سپس آن‌ها می‌توانند حداقل به یکی از سه حالت زیر اقدام به ثبت نیازهای پژوهشی خود کنند:

- رفع نیاز بنگاه از طریق تعریف پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی و حضور دانشجویان در بنگاه در مدت زمان معین؛
- رفع نیاز بنگاه از طریق حضور اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و تعریف پروژه در بنگاه در مدت زمان معین؛

- به‌کارگیری دانش‌آموختگان مشمول خدمت سربازی در بخش‌های تخصصی و مرتبط.

پس از ثبت و تأیید اولویت پژوهشی اعلام شده توسط بنگاه‌ها در سامانه، دانشجویان، استادان و متقاضیان طرح سرباز تاپ می‌توانند اولویت‌های تأیید شده را در سایت مشاهده کنند. هر متقاضی می‌تواند یک یا چند اولویت پژوهشی را انتخاب کند. پس از انتخاب، این اولویت پژوهشی به صورت رزرو شده برای متقاضی ثبت می‌شود و مدت زمانی برای ارسال پیشنهاد پژوهشی به متقاضی داده می‌شود. در صورتی که در مدت زمان مقرر پیشنهاد پژوهشی ثبت نشود، عنوان پژوهشی از حالت رزرو خارج خواهد شد. در صورت ثبت، پیشنهاد

پژوهشی ارسالی بررسی و نتیجه به اطلاع پیشنهاددهندگان خواهد رسید. در صورت تأیید سفارش‌دهنده، قرارداد انجام پژوهش کاربردی منعقد خواهد شد. با توجه به اینکه بسیاری از اولویت‌های پژوهشی مدت زمان محدودی برای ارسال پیشنهاد دارند، ضروری است اعضای هیئت‌علمی، دانشجویان و متقاضیان انجام این اولویت‌ها به‌طور دوره‌ای و منظم سامانه را رصد کنند. در این سامانه می‌توان اولویت‌های پژوهشی تأییدشده تمامی استان‌ها را مشاهده کرد و در صورت تمایل، متقاضیان می‌توانند اولویت‌های پژوهشی استان دیگری که در آن ساکن نیستند نیز برای انجام انتخاب کنند.

سامانه میفا

میفا مخفف مدیریت پژوهش و فناوری ایران است. این سامانه با هدف ایجاد یک ساختار اطلاعاتی متمرکز از مجموعه اطلاعات تولیدشده در حوزه پژوهش و فناوری کشور از کلیه منابع مختلف در حوزه تولیدکنندگان (اعضای هیئت‌علمی، دانشجویان و...)، مراکز پژوهشی و فناوری (دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، پارک‌ها، مراکز رشد، نشریات و...) و همچنین تولیدات پژوهشی (مقاله، کتاب، طرح، اختراع، ابداع، محصولات فناورانه، پایان‌نامه و...) طراحی شده‌است تا بتواند با شاخص‌گذاری بر روی این اطلاعات، دسترسی به سیستم‌های گزارش‌دهی و داشبوردهای مدیریتی را با ارائه گزارش‌های کمی (آماري) و کیفی (علم‌سنجی) فراهم آورد که درنهایت به خروجی‌های علم‌سنجی، ارزیابی و ارزشیابی کلان در تمام حوزه‌ها در سطح ملی، استانی، دانشگاهی و حتی فردی بیانجامد.

پیرو ابلاغ آیین‌نامه اجرایی بند و تبصره ۹ قانون بودجه سال ۱۴۰۰، با تلاش‌های معاونت پژوهشی و فناوری وزارت عتف و دبیرخانه شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، سامانه اجرایی بند ح تبصره ۹ باعنوان «ساعت» (سامانه اجرایی تقاضا و عرضه پژوهش و فناوری)، در پایگاه سامانه مدیریت پژوهش و فناوری ایران (میفا) در دسترس دانشگاهیان، پژوهشگران و فناوران قرار گرفته‌است. سامانه ساعت این امکان را فراهم می‌آورد که شرکت‌ها و نهادهای سودده، نیازهای پژوهشی خود را از طریق آن به اشتراک بگذارند و از سوی دیگر، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهش و فناوری با اطلاع از اولویت‌های پژوهشی آن‌ها، پروژه‌های تقاضامحور خود را در جهت حل مسائل و نیازهای پژوهشی و فناوری این مؤسسات به آن‌ها ارائه کنند. اعضای هیئت‌علمی شخصاً می‌توانند وارد سامانه شوند و پس از ثبت‌نام و دریافت گذرواژه و رمز عبور از میان اولویت‌های اعلام‌شده، طرح یا طرح‌هایی را برای پژوهش انتخاب کنند و تأیید نهایی درخواست‌ها توسط معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها انجام می‌شود.

صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور

صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور از سال ۱۳۸۲ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت خود را آغاز کرد. ضرورت حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور همواره مورد توجه سیاست‌گذاران کشورمان بوده‌است؛ چنانکه پیش از تشکیل این صندوق، شورایی به نام شورای پژوهش‌های علمی کشور زیرنظر معاون اول رئیس‌جمهور، ایده تشویق و حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور را مورد توجه قرار داده‌بود. هدف اصلی از

تشکیل صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور در واقع ایفای وظایف بنیاد ملی علم ایران بوده است. صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور در مدت فعالیت بیش از یک دهه خود اقدام‌های مؤثری را در حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور انجام داده است. در حال حاضر این صندوق با بیش از بیست و شش هزار عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی مرتبط است. عمده فعالیت‌های این صندوق در حوزه‌های حمایت از طرح‌های پژوهشی، پسادکتری، ثبت اختراعات، کرسی پژوهشی، پژوهانه (گرنه) و حمایت از ایجاد و توسعه مراکز نوآوری، انجام می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا به معرفی چالش‌های پارساهای تقاضامحور پرداخته شد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به ارائه موضوع اغلب پارساها از طرف دانشجو، اضافه شدن تعهد همکاری‌های تحقیقاتی با واحدهای بیرون دانشگاه به مراحل انجام پارسا، تفاوت افق زمانی در محیط دانشگاهی و بیرون دانشگاهی، سلب اعتماد سفارش‌دهندگان در صورت عدم موفقیت پارسا و چگونگی چاپ نتایج در نشریات علمی اشاره کرد. در پایان نیز شاخص‌ترین سامانه‌های ثبت عناوین پارساهای تقاضامحور شامل تاپ، میفا و صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور معرفی شدند.

منابع

- [۱] اسفندیاری ع.س. کاربردی کردن پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی متناسب با نیازهای جامعه، اولین همایش ملی آسیب‌شناسی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های حوزه علوم انسانی-اسلامی، ۱۳۹۷: ۱۳۷-۱۴۶.
- [2] Genareo V.R. Fornelli R.O. Experiences and Recommendations for Collaborating on Master's of Education Thesis Research, Literacy Information and Computer Education Journal. 2014; 3(1): 1798-1806.
- [3] Drennan J. Clarke M. Coursework master's programmes: the student's experience of research and research supervision, Studies in Higher Education. 2009; 34(5): 483-500.
- [4] Zutshi A. McDonald G. Kalejs L. Challenges in collaborative writing: addressing authorship attribution, European Business Review. 2012
- [5] Beard J. Shelton R.D. Stevens A. Swindell G.H., Green R.G. Student-guided thesis support groups. 2010.